ملکه گمشده
و شیطانی همراه

(صدق و کذب از دیدگاه قرآن و حدیث)

تالیف : صفورا بیستونی

با نظارت : دکتر محمد بیستونی



بسم الله الرحمن الرحیم

ملکه گمشده و شیطانی همراه

نویسنده:

صفورا بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ملکه گمشده وشیطانی همراه (صدق و کذب از دیدگاه قرآن و حدیث)

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی، صفورا، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : ملکه گمشده و شیطانی همراه (صدق و کذب از دیدگاه قرآن و حدیث)/تالیف صفورا بیستونی؛ با نظارت محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم: بیان جوان، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۲۱۸ ص.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال :۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۰-۵۹-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

عنوان دیگر : صدق و کذب از دیدگاه قرآن و حدیث.

موضوع : صدق و کذب (اخلاق اسلامی).

شناسه افزوده : بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

رده بندی کنگره : BP۲۵۱/۲/ب۹م۷ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۴۰۷۶

ص:۱

اشاره

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحيم

۱۲ ویژگی منحصر بفرد در آثار مکتوب مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

۱ اعراب گذاری کامل «همه» آیات، روایات و کلمه های عربی .

۲ طرح جلد ابداعی و گرافیکی جدید متناسب با «جمعیت هدف هر کتاب».

۳ صفحه آرایی شعرگونه و چشم نواز تا خواننده به دلیل پرش مرتب چشم «خسته» نشود.

۴ آزاد بودن «هرگونه نسخه برداری» و چاپ از روی آثار مکتوب و کپی رایت نرم افزارها.

۵ همه محصولات مؤسسه پس از فروش و استفاده، حتی اگر آسیب دیده باشد، «پس گرفته می شود».

۶ فروش اقساطی به قیمت نقد و با تعیین اقساط «توسط خریدار».

۷ امضای «حداقل یک مجتهد جامع الشرایط» به نشانه تأیید محتوا قبل از چاپ اخذ می شود.

۸ آثار مؤسسه به افراد بی بضاعت به طور «رایگان» تقدیم می گردد.

ص:۲

۹ همه «آموزش های تخصصی قرآنی» گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان «رایگان» است.

۱۰ برای هیچ یک از آثار، حق التألیف دریافت نمی شود.

۱۱ تنوع تخصصی محصولات متناسب«باجامعه هدف یعنی کودک،نوجوان،جوان،زنان،خانواده ومساجد».

۱۲ نشر نهایی آثار پس از نشر آزمایشی و موفقیت در طرح پایلوت (Pilot Plan) در

«جمعیت مخاطب هدف» صورت می گیرد.

درصورتی که هرکس از صدراسلام تاسال۱۴۲۰هجری قمری (سال تأسیس مؤسسه قرآنی تفسیرجوان)یک نمونه کتاب قرآنی راباجمع «۱۲ ویژگی» مذکور،به این مؤسسه

ارائه دهد،برای هموطنان داخل کشورمبلغ «۱۰/۰۰۰/۰۰۰تومان» و برای افراد مقیم خارج از کشورمبلغ «۱۰/۰۰۰ دلار» جایزه به عنوان حق الکشف تعلق می گیرد.

(قیمت گذاری کل محصولات مؤسسه برمبنای ۱۲ ویژگی اشاره شده،انجام می شود)

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره گروه مؤسسات قرآنی تفسیر جوان شامل:

[مؤسسه قرآنی قصص(تخصصی کودکان)،مؤسسه قرآنی نورپیامبران(تخصصی نوجوانان)،مؤسسه قرآنی تفسیرجوان(تخصصی جوانان)،

مؤسسه قرآنی رضوان(تخصصی زنان)، مؤسسه قرآنی شعیب نبی اللّه (تخصصی خانواده)، مؤسسه قرآنی مساجد جوان (تخصصی مساجد)]

(۲۱۷)

ص:۳

اَلْاِهْداءِ

اِلى سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلى مَوْلانا

وَ مَوْلَى الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلى بِضْعَهِ

الْمُصْطَفى وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلى سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَى الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّهَ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالى فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الْاَوْلِیاءِوَیامُذِلَ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

(۴)

متن تأئیدیه سرکار خانم بروجردی مدیریت محترم

مؤسسه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

«یـآ اَیُّهَا الَّذینَ امَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ» (۱۱۹ / توبه) سپاس خدای را که ردای صدق بر پیکر مخلوقات نمود و اذن تجلّی نام صادق خود را در موجودات صادر فرمود و درود بیکران بر پیامبری که آورنده صدق بوده و خود، قدم صدق نام گرفته است و ثنای بی نهایت بر آل مطهر او که خود مصداق اَتَمّ صدق می باشند. صدق، حقیقتی است که اشرف صفات نفسانیه و رئیس اخلاق معنویه بوده و خدای سبحان بشارتی خاص به واجدین این صفت می دهد. صدق، وارده ای است غیبی بر قلب مؤمن که با نورانیت خویش

(۵)

بر همه اعضاء و جوارح او نازل می شود و وجود او را منور می کند و از هر رجسی تطهیر، نیروی عجیبی است که انسان را تا مقام صدیقان پیش می برد و محک شخصیتی وی محسوب می شود. صدق ملکه ای است که در بیان امام صادق علیه السلام به عنوان معیار شایستگی انسان ها و سند حقانیت نماز آن ها معرفی شده است آن جا که می فرماید: «لا تَنْظُرُوا اِلی طُولِ رُکُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ، فَاِنَّ ذلِکَ شَیْ ءٌ قَدِ اعْتادَهُ، وَ لَوْ تَرَکَهُ اِسْتَوْحَشَ لِذلِکَ، وَ لکِنِ انْظُروا اِلی صِدْقِ حَدیثِهِ وَ اَداءِ اَمانَتِهِ» و الهامی ربانی است که نشان محبوبیت بنده نزد خدای خویش است زیرا «اذا اَحَبَّ اللّهُ عَبْدَهُ اَلْهَمَهُ الصِّدْق»، فضیلتی که در لسان مولی الموالی امیرالمؤمنین علیه السلام ، سَجِیَّهُ الْاَخْیار نامیده شده و حفاظت از دین به وسیله آن صورت می گیرد که: «اَلصِّدْقُ لِباسُ الدّین»، وسیله ای است که

(۶) ملکه گمشده

موجب رفعت انسان شده: «اَلصِّدقُ مِرْفَعُه» و او را از هر مهلکه و خطری می رهاند: «اَلنَّجاهُ مَعَ الصِّدْق» کرامت و موفقیت را با خود به ارمغان می آورد و موجب اصلاحات حقیقی دربنده می گردد، آن چنان معرف شخصیت فرد می گردد که هیچ خصلتی تا این حد حقیقت وجودی او را به نمایش نمی گذارد «لا تَرْجُمانَ اَوْضَحُ مِنَ الصِّدْق»، آن چنان جایگاهی در اعتقادات دارد که رَأْسُ الْایمانِ محسوب می گردد، یعنی ایمان فاقد صدق، اعتقادی مرده است، خَیْرُالْقَرینِ هر فردی محسوب شده و در نشیب و فراز زندگی امداد لازم را به او می رساند. انسان محروم از صدق، نازیبا معرفی شده زیرا نمایش همه کمالات به واسطه صدق است که «اَلصِّدْقُ زَیْنُ الْاِنْسانِ». در قیامت صدق مورد سؤال قرار می گیرد و جزا نیز برآن مبناداده می شود «لِیَجْزِیَ اللّهُ الصّادِقینَ

مقدمه (۷)

ص:۷

بِصِدْقِهِمْ» (۲۴ / احزاب) گویا همه کمالات در این صـفت تعبیه شـده است و همه فضایل از او نمایان می شود. صدق در قرآن در کنار جوانمردی مطرح شده است «رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللّهَ عَلَیْهِ» (۲۳ / احزاب) و صادق به فردی اطلاق می شود که در میـدان بنـدگی علی الـدوام نهـایت سـعی را بـذل نموده مسـتقیم و صـابر حرکت کرده و در کمـال خلوص طالب وصال است. صدق، آن چنان انسان را به گسلاندن بند تعلقات وامی دارد که به صراحت می فرماید: «فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» (۹۴ / بقره) و آن چنان قوت و توانی در فرد ایجاد می کند که به گفته مولوی:

صدق موسی بر عصاو کوه زد بلکه بردریای پر اشکوه زد

صدق احمد بر جمال ماه زد بلکه بر خورشیدرخشان راه زد

(۸) ملکه گمشده

اما متأسفانه این شاه کلید در جوامع امروزی جایگاه حقیقی خویش را از دست داده و اندک اندک در گوشه عزلت سکنی گرفته و در زندگی عموم مسلمین کم رنگ به نظر می آید و تأسف آن گاه شدت می یابد که این ارزش اساسی در بعض انظار ضدارزش جلوه می کند.

سرکار خانم صفورابیستونی باادراک عمیق این واقعیت، ضرورت طرح بحث صدق را به صورت جدی و اساسی دریافته اند و برای پرده برداری از این حقیقت و نمایش جایگاه آن گام مناسب و زیبایی در این جهت برداشته اند و بازمزمه «رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ» حرکت خویش را باقدم صدق و لسان صدق آغاز نموده به امید این که «فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیكٍ مُقْتَدِرٍ» راه یابند.

مقدمه (۹)

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق بدرقه رهت شود همت شحنه نجف

امیـد است زحمات ایشان موجب جریان دائمی صدق در زندگی فردی و اجتماعی ما گشـته و با دقت نظر در اجرای صدق در جهتی حرکت کنیم که نـدای «اَلْحَمْـدُلِلّهِ الَّذی صَـدَقَ وَعْـدَه» را با گوش خویش شـنیده و با عافیت شاهـد قیامت صـغری، قیام مهدی فاطمه علیهم السلام باشیم و صدق بیعت خود را در محضرش به نمایش بگذاریم.

الاحقر زهره بروجردی

مدیریت مؤسسه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام

تهران ۱۹/۱۰/۱۳۸۶ (مصادف با شب اول محرم)

(۱۰) ملکه گمشده

ص:۱۰

مقدمه

ای فرزند آدم ! زمانی که خدا را می بینی که انواع نعمت ها را به تو می رساند ، تو درحالی که معصیت کاری بترس(1)، آنچه تو را به خدا نزدیک می کند ، از آتش جهنم دور و آنچه تو را از خدا دور ، به آتش جهنم نزدیک می گرداند . (2)

مابرروی زمین باسرعتی بی سابقه حرکت می کنیم ونمی دانیم و فکرنکرده ایم که به کجامی رویم. امروز بر سر دو راهی حق و باطل قرار داریم و البته آن کس که به وجودآب

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۲۵ ، ترجمه محمد دشتی ، صفحه ۶۲۸ ، وزیری ، ناشر : مؤمنین / ۱۳۸۱.

۲- نهج البلاغه ، نامه۷۶ ، ترجمه محمد دشتی ، صفحه ۶۱۸ ، وزیری ، ناشر : مؤمنین / ۱۳۸۱.

اطمینان دارد تشنه نمی ماند (1) و از آنجا که سهم ما از دنیا آن مقدار است که با آن سرای آخرت را اصلاح کنیم،(2)باید از کار خویش بهره گیریم که انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد ، پس به درستی نگریست و آگاه شد ، از عبرت ها پند گرفت سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن درپرتگاهها و گم شدن در کوره راه ها دوری کرد، کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد که در حق سختگیری کند ، یا در سخن حق تحریف روا دارد و یا در گفتن سخن راست بترسد. (3)

(۱۲) ملکه گمشده

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۴ ، ترجمه محمد دشتی ، صفحه ۵۱ ، وزیری ، ناشر : مؤمنین / ۱۳۸۱.

۲- نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، ترجمه محمد دشتی ، صفحه ۵۳۶ ، وزیری ، ناشر : مؤمنین / ۱۳۸۱.

سخن راست ، صـدق کلام است و صـدق، وضـعیتی است که ظاهر و باطن در آن یکی است و گفتاری است که با اسـتاندارد الهی یعنی آیـات قرآن و روایـات مطابق باشـد (۱) و بـا توجه به آنچه خواهیـد خوانـد مهمترین مسـأله این است که ، ما بـدون صدق نجات نخواهیم یافت .

گفت غیرراستی نرهاندت داد سوی راستی می خواندت

آنچه می خوانید تحقیقی است پیرامون مسأله صدق و کذب که با اسـتفاده از آیات قرآن و روایات معتبر جمع آوری، برداشت و بیان شده است.

انگیزه انجام این تحقیق ، آیه ای از قرآن کریم بود که از گفتارنورانی و مقدس

مقدمه (۱۳)

ص:۱۳

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۳ ، ترجمه محمد دشتی ، صفحه ۲۸۲ ، وزیری ، ناشر : مؤمنین /

استاد گرامی ام سرکار خانم بروجردی درمجلس بزرگداشت یکی از صدیقان عالم، حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام به گوش جانم رسید و آن آیه ۱۱۹ سوره مائده است که می فرماید : «قالَ اللّهُ هذا یَوْمُ یَنْفَعُ الصّدِقینَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنّتٌ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهرُ خلِدینَ فیها اَبَدا رَضِیَ اللّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ» ، خداوند می گوید : امروز روزی است که راستی راستگویان به آن ها سود می بخشد ... .

کمی که پیش رفتم به کلامی از حضرت رسول اکرم برخوردم که فرموده است: محبوب ترین گفتار نزد من ، راست ترین آن می باشد. (۱)و گفتاری از امیرالمؤمنین که فرموده است : در آنچه از زبان پیامبر به تو رسیده اندیشه کن که ناچار به

۱- مستدرک الوسایل ، جلد ۲ ، صفحه ۸۴ .

انجام آن می باشی و راه فراری وجود ندارد. (۱)

۱ مستدرک الوسایل ، جلد ۲ ، صفحه ۸۴ .

(۱۴) ملکه گمشده

از آنجـا که حضـرت محمـد رسـول اللّه صـلی الله علیه و آله ، محبـوب دل مـاست ، پس هرچه محبـوب اوست محبوب مـا هم خواهـد بود ، اما عـده ای از ما این اصل ظریف را فراموش کرده ایم یا حتی نمی دانیم که باید محبوب پیامبرمان را بشناسـیم و به آن عمل کنیم و البته جای تأسف است که سـید جمال الدین اسدآبادی یا دکتر علی شـریعتی به اروپای غیر مسـلمان برود و بگوید: «مسـلمانی را دیدم ولی مسلمان ندیدم»(۲)و مسـلمانی، صداقت و رفتارهای اسـلامی بود میان افراد آن جامعه. در حالی که

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۳ ، ترجمه محمد دشتی ، صفحه ۲۸۲ ، وزیری ، ناشر : مؤمنین / ۱۳۸۱.
۲- تردید از بنده است و این جمله را از قول هر دو شخصیت مذکور شنیده ام.

صداقت و یک رنگی در میان مسلمین امری ضروری و از مبانی اعتقادی می باشد اما متأسفانه بسیار کم رنگ است .

مقدمه (۱۵)

بر خود لازم می دانم از پدر و مادرم و استاد عزیزتر از جانم سرکار خانم بروجردی که زمینه این تحقیق را برایم فراهم نمودند تشکر نمایم و آرزوی توفیقات بیشتر ایشان را از خداوند منّان خواستارم.

صفورا بیستونی

تهران ، مصادف با۱۱ ذی القعده ۱۴۲۷

ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام

(۱ آذرماه ۱۳۸۶)

(۱۶) ملکه گمشده

ص:۱۶

تعریف صدق

«صِدْق» در لغت به معنی راست گفتن، با تمام نیرو و توان وارد کاری شدن، به عهد و پیمان خود وفادار بودن و هر کار شایسته و بدون عیب و نقص ذکر شده است و «صادِق» به کسی می گویند که راستگو، وفاکننده به عهد و صادقانه عمل کننده باشد.

خداوند فرموده است : رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللّه عَلَیْهِ (1) مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بسته اند ، صادقانه ایستاده اند . و پیامبر اکرم نیز فرمود : صدق به نیکوکاری هدایت می کند و نیکوکاری به بهشت رهنمون می شود . دروغ به بدکاری راهنمایی می کند و بدکرداری به دوزخ رهنمون می شود . همانا مردمانی پیوسته دروغ

1 23 / احزاب ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، وزیری ، ۱۳۶۷ ، ناشر : سروش.

(۱۷)

ص:۱۷

۱- ۲۳ / احزاب ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، وزیری ، ۱۳۶۷ ، ناشر : سروش.

می گوینـد تا آنجا که خداوند آنها را کذاب ثبت می کند و همانا مردمانی پیوسـته راست می گویند به حدی که خداوند آنها را صدّیق می نویسد . (۱)

با صدق زدوری مکن اندیشه که در کیش تیری که بود راست در آغوش نشان است(۲)

در فضیلت صدق همین بس که صدّیق از آن مشتق است و خداوند پیامبران را بدان توصیف کرده است .

روایتی از امام صادق می باشد که فرموده است : به طول رکوع و سجود مرد ننگرید زیرا این چیزی است که بدان عادت کرده است و اگر آن را ترک کند به هراس می افتد بلکه

۱- مُحَجَهُ الْبَیْضـاء، ملامحسن کاشانی، جلـد ۸، صفحه ۱۲۸، وزیری، ترجمه محمـدصادق عارف، چاپ:آسـتان قدس رضوی ۱۳۷۵.

۲- صائب تبریزی. دیوان تبریزی .

به صدق گفتار و ادای امانت از سوی او بنگرید .(۱)

به عبارت دیگر معیار خوبی افراد صِرف عبادات ظاهری آنها نیست، بلکه رفتار عملی با محوریت صداقت و امانتداری در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مبنای ارزیابی آن هاست.

واژه صدق در شش مرتبه به کار می رود که عبارتند از : صدق در گفتار ، صدق در نیت و اراده ، صدق در وفای به عزم ، صدق در عمل و در تحقق همه مقامات دینی و کسی که به صدق در همه آن ها موصوف شود صدّیق گفته می شود که صیغه مبالغه

۱ مُحَجَهُ الْبَیْضاء (راه روشن) ، ملامحسن کاشانی ، جلد ۸، صفحه ۱۲۸ ، وزیری ، ترجمه محمد صادق عارف ، چاپ : آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ .

تعریف صدق (۱۹)

۱- مُحَجَهُ الْبَیْضاء (راه روشن) ، ملامحسن کاشانی ، جلد ۸، صفحه ۱۲۸ ، وزیری ، ترجمه محمد صادق عارف ، چاپ : آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ .

از صــدق اسـت و صـدّیقان را درجـاتی اسـت . صـادق نیز در همـه مقامـات عزیز و ارزشــمند اسـت و درجـات صـدق نیز بی نهایت.(۱)

نیز در کلامی از امام صادق است که فرموده است : هرگاه بخواهی بـدانی راسـتگویی یا دروغگو به معنای قصد و عمق ادعای خود بنگر و آنهـا را در ترازوی حق بسـنج و گمـان کن که روز قیـامت است و خـدا فرموده : «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ».(۲) هرگاه مقصود تو با عمق ادعایت برابر باشد صدق تو ثابت می شود و پست ترین و

۱- مُحَجَهُ الْبَیْضـاء، ملامحسن کاشانی، جلد۸، صفحه۱۷۳، وزیری، ترجمه محمـدصادق عـارف، چاپ: آسـتان قـدس رضوی ۱۳۷۵.

۲- ۸ / اعراف ترجمه عبدالمحمدآیتی، وزیری،۱۳۶۷، ناشر: سروش.

پایین ترین حد صدق آن است که زبان ، خلاف دل و دل ، خلاف زبان نباشد . (۱)

کردی از صدق و اعتقاد و یقین خویشی خویش را به حق تسلیم(۲)

هر بنده ای که بخواهد راه طاعت خدا در پیش گیرد نخستین وظیفه اش آن است که برای بدست آوردن معرفت ، نیت را بیاموزد سپس بعد از فهم حقیقت صدق و اخلاص که دو وسیله برای رستگاری و رهایی بنده از آتش دوزخ است با عمل ، نیّت را تصحیح کند . (۳)

تعریف صدق (۲۱)

ص:۲۱

۱- مُحَجَةُ الْبَیْضاء(راه روشن) ، ملامحسن کاشانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۸۰ ، وزیری ، ترجمه محمدصادق عارف ، چاپ : آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ .

۲- لغتنامه دهخدا (شعر از ناصرخسرو) .

قابل ذکر است: در لغتنامه های زبان فارسی تعاریفی از صدق دیده می شود که در زیر آمده است :

صدق : راست ، سخت ، درست ، مطابقت حکم با واقع و با اعتقاد، راست شدن سخن در حدیث ، راست گردانیدن وعده .(۱)

البته توجه به این نکته ضروری است که «عمل بی نیت و نیت بدون اخلاص ، خودنمایی و ریا است ، ریا همتای نفاق و همسان گناه و اخلاص بدون صدق و تحقیق پوچ و هباست و خداوند فرمود : «وَ قَدِمْنا اِلی ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُورا»(۲)

۱ محجه البیضاء (راه روشن) ، ملامحسن کاشانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۲۸ ، وزیری ، ترجمه محمدصادق عارف ، چاپ : آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ .

۲ لغتنامه دهخدا در باب صدق.

۳ ۲۳ / فرقان .

(۲۲) ملکه گمشده

۱- محجه البیضاء (راه روشن) ، ملامحسن کاشانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۲۸ ، وزیری ، ترجمه محمدصادق عارف ، چاپ : آستان قدس رضوی ۱۳۷۵ .
۲- لغتنامه دهخدا در باب صدق.

«و ما به سراغ اعمالی که آنها انجام دادند می رویم و همه را چون ذرات غبار پراکنده در هوا می کنیم» و این درباره هر عملی که برای غیرخدا و آلوده به ریا است می باشد. (۱)

آیا صدق ذاتی است یا اکتسابی؟

برای آن کس که ایمان دارد ناممکن وجود ندارد (۲)و جوینده هرچیز به آن یا به بعض آن خواهد رسید . (۳)

همین جملات ، کافی است که متوجه شویم انسان موجودی است بسیار مستعد که

آیا صدق ذاتی است یا اکتسابی ؟ (۲۳)

ص:۲۳

۱- مُحَجَهُ الْبَيْضاء، ملامحسن کاشانی، ج ۸، ص ۱۲۸، وزیری، ترجمه محمد صادق عارف، چاپ آستان قدس رضوی ۱۳۷۵.
۲- کتاب هدیه مجموعه ای از سخنان اندیشمندان ، منصور فلاحی ، چاپ : مجوز ، ۱۳۸۰ .
۳- نهج البلاغه ، حکمت ۳۸۶ ، صفحه ۷۲۲ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، ناشر : مؤمنین / ۱۳۸۱ .

می تواند به کمال برسد و در آن هنگام است که نام خلیفه اللهی بر او گذارده می شود .

یکی از مراتب کمال ، رسیدن به مقام صدق است در نیات و افکار ، گفتار و اعمال که به زودی به آن ها اشاره خواهد شد .

آیا صدق در ذات ماست یا خارج از ذات ؟

خداونـد وجود ما را سـرشار از فطریات مثبت آفریـده است و همه نیکی ها در آن جای دارد . این ما هستیم که پس از ورود به دنیا دچار کدورات عالم امکان شده و پرده ای روی فطرتمان را می پوشاند . پس باید تلاش کنیم و بذر کاشـته شده درونمان را به وسیله آموختن مناسب آبیاری کنیم و رشد دهیم و به شرافت انسانی نائل آییم .

صداقت در ریشه همه انسان ها نهاده شده و افرادی که این صـفت شایسته را دارند، محبوب دیگران می شوند ، اما از آنجا که بشر، معصوم نیست و فراموش می کند که باید

(۲۴) ملکه گمشده

به عبادت خدامشغول باشدومحرمات راترک کند،احتیاج به تذکر(یادآوری)دارد.درخطبه ای از نهج البلاغه آمده است : مردم را از حرام و منکرات بازدارید و خود هم مرتکب نشوید زیرا دستور داده شده اید خود محرمات را ترک کنید و سپس مردم را بازدارید .(1) و این تذکرات را، انبیاء و ائمه و انسان های آگاه روزگار ، گوشزد کرده اند و ما هستیم که باید برای رسیدن به سعادت واقعی آن ها را به کاربندیم .

در اینکه صدق به طور بالقوه در نهاد ماست ، شکی نیست اما با استناد به حدیثی از امام صادق علیه السلام اکتسابی بودن آن نیز ثابت می گردد . ایشان فرموده اند: «قبل از اینکه

۱ نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۴ ، صفحه ۱۹۴، ترجمه محمد دشتی، وزیری، ناشر: مؤمنین ۱۳۸۱ .

آیا صدق ذاتی است یا اکتسابی؟ (۲۵)

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۴ ، صفحه ۱۹۴، ترجمه محمد دشتی، وزیری، ناشر: مؤمنین ۱۳۸۱ .

حرف بزنی، صدق حرف را یادبگیر» .(۱) پس بعـد از آموختن صـدق است که آن ، از بالقوه بودن خارج می شود به فعل می رسد . اصـلاً ما در حالی مجوز سـخن گفتن را داریم که صادق باشـیم ، حضـرت علی علیه السـلام فرمود : آنجا که باید سخن درست (راست) گفت ، در خاموشی خیری نیست . چنانکه در سخن ناآگاهانه نیز خیری نخواهد بود .(۲)

الهی! به وفا عقد کن روانم را همدم صدق کن جانم را(۳)

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی (مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام)،محرم۱۳۸۳.
۲- نهج البلاغه ، حکمت ۱۸۲ ، صفحه ۶۶۹ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، ناشر : مؤمنین ۱۳۸۱ .
۳- اوحدی مراغه ای، جام جم .

خصوصیات صدق و مراتب آن

خصوصیات صدق و مراتب آن

در هر عبادتی صدق معتبر است ، اَلا لِلّهِ الدّینُ الْخالِص ، که در اینجا خلوص ، همان صدق نیّت است. (۱)

و بدون آن عبادت کامل نیست که چون خداوند بنده ای را دوست بدارد صدق به او الهام کند .(۲)

طاعت، آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست (۳)

چون شد اخلاص را نشانه پدید نور صدق آید از میانه پدید(۴)

خصوصیات صدق و مراتب آن (۲۷)

۱- آیت اللّه جوادی آملی به نقل از ایشان توسط استاد گرامی سرکارخانم بروجردی.

۲- غررالحکم ، جلد ۳ آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۸۹ ، ۱۳۶۹ .

۳- سعدی، مواعظ .

۴- اوحدی مراغه ای، جام جم .

حال آیا می دانید خصوصیات صدق چیست که خداوند آن را به بنده محبوبش ارزانی می دارد ؟! بهترین پاسخگوی این پرسش ، جلوه کامل صدق ، امیرالمؤمنین علیه السلام که هم محب خداست هم محبوب او . او می فرماید :

صدق: ۱ لباس دین است ، ۲ ستون اسلام و استوانه ایمان است ، ۳ امانت زبان و بذل احسان است ، ۴ شریف ترین خوی های انسان با یقین است ، ۵ کمال جلالت و بزرگی است که اگرچه از آن بترسی ، نجات بخش توست ، ۶ حقیقتی است که بین حق و باطل جدایی می افکند و در نهایت ، روح سخن ، صدق است . هرکه لحنش راست باشد ، دلیلش قوی می گردد و کارش پاکیزه است . (۱)همچنین از آیه ۶۶ سوره مبارکه یونس

۱ غررالحکم ، جلد ۱ (آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۸۹ ، ۱۳۶۹) .

(۲۸) ملکه گمشده

می توان نتیجه گرفت که راستی و صدق ، براساس قطع و یقین است و دروغ (خَرْصْ)

ص:۲۸

۱- غررالحکم ، جلد ۱ (آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۸۹ ، ۱۳۶۹) .

براساس تخمین ها و شایعات و پندارها است و هرکس از ظن و گمان های بی اساس پیروی کند سرانجام به دروغگویی کشانده می شود . (۱)

صدق ، بیداری هر حس می شود حس ها را ذوق ، مونس می شود (۲)

زبان بزرگ ترین نعمت و موضوع بزرگ ترین گناهان است از جمله نفاق ، دروغ ، تهمت ، غیبت و دشنام که هرکدام از گناهان کبیره می باشند . (۳)

قرآن می فرماید : خدای رحمن به موجب رحمانیت خود ، انسان را آفرید و به او نطق و بیان آموخت . جهت شکر این نعمت باید آن را در مسیر حقیقت جویی و راستگویی

خصوصیات صدق و مراتب آن (۲۹)

ص:۲۹

۱- تفسیر جوان ، جلد ۲ ، صفحه ۳۶۳ ، دکتر محمد بیستونی ، وزیری ، ناشر : بیان جوان ، ۱۳۸۲.

۲- مثنوی مولوی .

۳- گناهان کبیره (آیه اللّه دستغیب ، باب کذب ، جلد ۱ ، صفحه ۲۷۴ ، وزیری ، ناشر : اسلامی ۱۳۷۶) .

استفاده کرد که خلقت زبان توسط خدا به خاطر کشف حقیقت است نه کتمان آن . حضرت علی علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید : آن طایفه ای که من از آنها نگرانم مردمان منافق و دورواند که در گفتار و ظاهر ، مؤمن و در باطن ، کفر را مستور می کنند در ظاهر مانند گوسفند، سلیم و در باطن و قفا همچون گرگ آدم خوارند .(۱)

یکی از بهترین آیات در این مورد آیه ۸۰ سوره اسراء می باشد که می فرماید : «وَ قُلْ رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ اَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطانا نَصیرا» .

در این آیه از خدا می خواهیم که امورمان را سرپرستی کند تا بتوانیم صادق باشیم و صدق را در دو خیر می خواهیم :

(۳۰) ملکه گمشده

۱- حکمت ها و اندرزها، شهید مطهری، صفحه ۲۲۰.

مُدْخَلَ صِدْق : یعنی صادقانه وارد دنیا شویم طبق همان «بلی» که قبلاً به بندگی خدا گفته ایم و قول داده ایم در دنیا ، بنده دنیا نشویم . پس پایه و نیت کارهایمان باید بر اساس صدق باشد.

مَخْرَجِ صِدْق : یعنی از هرجا خارج می شویم خروج از میدان بندگی نباشد و خروجمان به امراللّه ، برای قرب الهی و به جهت کسب رضای او باشد و صدقمان تا آخر ادامه داشته باشد . در این صورت است که خدا مقام سلطانی را نصیبمان می کند تا بر تمام امور و افکارمان مسلط باشد. (۱)

مراتب دیگر صدق را با توجه به آیاتی دیگر می توان یافت . از جمله : آیه ۸۴ سوره مبارکه شعراء که حضرت ابراهیم دعا می کند : «وَ اجْعَلْ لی لِسانَ صِدْقٍ فِی الاخِرینَ» به

۱ سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

خصوصیات صدق و مراتب آن (۳۱)

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

این معنی که خدایا! ذکر جمیل مرا در دهان آیندگان انداز .

لِسانَ صِدْقٍ: یعنی مرتب ثناگویی خدا را کردن که به اندازه ثناگویی از خدا و ائمه و اولیاء لسانم صادق خواهد بود . توجه به این نکته ضروری است که اصل لسان صدق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است .

همچنین آیه ۵۰ سوره مریم «وَ وَهَبْنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنا وَ جَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» که در اینجا هم خداوند از رحمتش به حضرت ابراهیم که از پدر و بت پرستان کناره گرفت ، اسحاق و یعقوب را بخشید و به همه پیامبری داد . به علاوه برای آنها لسان صدقی بلند مرتبه قرار داد .

در آیه ۴ سوره مبارکه یونس داریم : «بَشِّرِ الَّذينَ امَنُوا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ» .

قَدَمَ صِدْقٍ : قدم، کلاً آن خیری است که مرا مقدم می کند و جلو می برد و در صورتی

(۳۲) ملکه گمشده

ص:۳۲

قـدمم صادقانه خواهـد بود که تمام وقتم را بنـدگی خالصانه پر کند و چیزهایی را به آخرت بفرسـتم که مرا به وصل برساند نه اینکه به جای تَقَدُّم ، تَأَخُّر نصیبم کند .

اگر به صدق، قدم در طریق عشق نهی تو را نقش قدم راهبر شود پیدا(۱)

هر کس به صدق در ره توحید زد قدم از ره ما برون نرفت اگر راهبر نشد(۲)

از دیگر مراتب صـدق ، مَقْعَـد صِـدْق است . در آیه ۵۵ سوره قمر آمـده است : «فی مَقْعَـدِ صِـدْقٍ عِنْـدَ مَلیکٍ مُقْتَدِرٍ» ، جایگاه متقی در بهشت و در نهر است ، حقِ اوست که کنار سلطان نشیند چون عمری در خدمت ملیک مقتدر بوده و در دنیا مَدخل و مَخرج، لِسان و قَدَم صدق داشته است . (۳)

خصوصیات صدق و مراتب آن (۳۳)

ص:۳۳

۱- صائب تبریزی، دیوان اشعار .

۲- سیف فرقانی، دیوان اشعار .

۳- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

بر سر آن ره نارفته که می باید رفت خیز و عاقل منشین بر قدم صدق بایست(۱)

از طرف دیگر می توان صدق را در سرفصل های زیر دسته بندی کرد:

۱ صدق در نیت

امام صادق می فرماید: کسی که نیت صادقی دارد، صاحب قلب سلیم است چراکه سلامت قلب از شرک ، نیّت را در همه چیز خالص می کند و قلب سلیم قلبی است که خدا را ملاقات کند درحالی که کسی جز او در آن نباشد و در روز قیامت با توجه به آیه ۸۹ سوره مبارکه شعراء فقط قلب سلیم است که به حال انسان سود می بخشد . «اِلّا مَنْ اَتَی اللّهَ بِقَلْبٍ سَلیمٍ» و این مطلب از قول حضرت ابراهیم در سوره آمده است . (۲)

۱ صائب تبریزی، دیوان اشعار .

۱- صائب تبریزی، دیوان اشعار .

۲- عطار نیشابوری، دیوان .

وانجا که عاشقان را ز صدق باز پرسند پس عاشق مجازی کاندر جواب بماند(۱)

پس فکر و نیتی که صادق نباشد به دلیل عدم توحید کامل است که این ، سبب عمل ناصادقانه نیز می شود.

صدق دل همره جان کن که سخن نیست مفید،(۲)

۲ صِدْق در قول

که با توجه به آنچه گفته شده است ، بسیار بدیهی است ، حتی باید در دعاهایی که می کنیم نایب بنده های خاص و متقی خدا بشویم تا قولمان صادقانه باشد.

۳ صِدْق در عَزْم

اهل شعار دادن نباشیم . (۲)(عَزْم : قبل از عمل کردن است) .

خصوصیات صدق و مراتب آن (۳۵)

ص:۳۵

۱- تفسیر جوان ، جلد ۴ ، دکتر محمد بیستونی ، صفحه ۵۵۹ ، وزیری ، ناشر : بیان جوان ، ۱۳۸۲.

۲- سیف فرغانی، دیوان .

از بر صدق برو، پای طلب در ره نه گرچه پاینده جانان کم و جوینده بسی است(۱)

۴ صِدْق در عبادت

که «ما اُمِرُوا اِلّا لِیَعْبُدُوا اللّهَ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینِ» و این مطلب لزوم قصد قربت در عبادت است تا آنجا که به عنوان مثال در آیه ۳۱ سوره حج ، روح عبادت را اخلاص می دانـد. پس می توان گفت مهم ترین مسأله درعبادت (و اعمال صالح) نیّت خالص که همان صدق است می باشد .

و باز در قرآن آمده است در راه عبادت او شکیبا باش «وَ اصْطَبِرْ لِعِبادَتِه»(۲) که منظور، عبادتی توأم با اخلاص و توحید است و عبادتی خالصانه و صادقانه با مشکل و

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۲- سیف فرقانی، دیوان اشعار .

سختی همراه است . (۱) و خداوند فرشتگان را در آیه ۲۶ سوره انبیاء به خاطر اخلاص در عبودیت گرامی داشته و لفظ «عِبادٌ مُکرَمون» یعنی آنها که مواهب خدا را افزون دریافت می کنند را به کار برده است . در دعای عرفه حضرت ابا عبداللّه الحسین علیه السلام نیز ایشان درخواستی دارند که مؤیّد صدق است و آن این که «اَلهی اَقِمْنی بِالصِّدقِ الْعُبُودِیَّهِ بَیْنَ یَدَیْکَ» یعنی: پروردگارا! تصدیق بندگی را برای من در نزد خود برپادار. پس «ز روی صدق در دل های شب دست دعا بگشا».(۲)

۵ صدق در وفای به عزم

وقتی مثلاً از خدا چیزی را با شرایطی خواستم

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۲- صائب تبریزی، دیوان اشعار .

و آن را به من داد ، عمل کنم .(۱)

۶ صدق در عمل

عملم از نیتم پررنگ تر نباشد بلکه جوشش درونیم بیشتر باشد .

و بالاخره حسن ختام این مبحث را ، کلامی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار می دهم که از ایشان پرسیدند: کمال چیست؟ فرمود: «قَوْلُ الْحَقّ وَ عَمَلٌ بِالصِّدْق» یعنی گفتار مطابق با حق و عمل صادقانه [و این صدق در گفتار و عمل را می رساند].

حال که تا اندازه ای با صدق آشنا شدیم ، برای ایجاد اشتیاق بیشتر به راستگویی،

(۳۸) ملکه گمشده

بعضی از آثار آن را برمی شمارم.

اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق بدرقه رهت شود همت شحنه نجف (۲)

ص:۳۸

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۲- حافظ ، دیوان

آثار و برکات صدق

در آیه ۱۱۰ سوره مبارکه بقره می فرماید : «وَ ما تُقَدِّمُوا لِاَنْفُسِکُمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّهِ» .

یعنی با انتخاب خیر و احسن ، انسان سـرمایه دار است و این سـرمایه داری از بررسی احادیث و آیات زیر در آثار صدق روشن خواهد شد. (۱)

صدق، اکسیرمس هستی توست پایه افروز فرودستی توست(۲)

امام صادق می فرماید : « اَلصِّدْقُ سَیْفُ اللّهِ فی اَرْضِهِ : صدق شمشیر خداست در

آثار و برکات صدق (۳۹)

زمینش» . همان طور که شمشیر نفوذ دارد ، صادق هم نفوذ کلام خواهد داشت و

ص:۳۹

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.
۲- جامی، هفت اورنگ .

قدرتمند است و مقتدر و اینکه در کلامش نفوذ و قاطعیت است نشانه تأیید خداوند باری تعالی می باشد .(۱)حضرت علی علیه السلام نیز گفتاری شبیه به این مطلب دارد ، ایشان فرمود : چه بسیار سخنانی که از حمله مسلحانه کارسازتر و مؤثرتر است (۲) .

طریق صدق کی قطع تواند کرد ؟ که همچو صبح جهانتاب با دو شمشیر است (۳)

علی علیه السلام می فرماید: صادق به واسطه صدق خودسه چیزرابدست می آورد:حسن اطمینان، جلب محبت و مهربانی و ایجاد هیبت (۴)

(۴۰) ملکه گمشده

ص:۴۰

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۹۴، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱ .

۳- صائب تبریزی، دیوان اشعار .

۴- غررالحکم،جلد۲، صفحه۸۷۶.

جمعی که پا به صدق درین راه می زنند در یک نفس چو صبح جهان گیر می شوند(۱)

و «مَنْ صَدَقَ لِسانُهُ زَکی عَمَلُهُ» : اگر کسی زبانش صادق باشد کارهایش تزکیه خواهد شد یعنی رشد و انبساط خواهدداشت و به همین اندازه ای که هست نمی ماند . (۲)

کسی که پای نهد در ره تو از سر صدق چو مکان قدمش باشد از مکان بیرون (۳)

طبق آیه ۳۴ سوره مبارکه زُمَر از آثار صدق این است که «لَهُمْ ما یَشاؤُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ» برای صدیقین آنچه بخواهند نزد پروردگارشان از مواهب معنوی و نعمات مادی موجود است و آیه ۳۵ سوره زُمَر می فرماید : خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده اند

۱- صائب تبریزی، دیوان اشعار .

۲- تفسیر جوان ، دکتر محمد بیستونی ، جلد ۴، صفحه ۶۸۶ ، وزیری ، نشر بیان جوان ، ۱۳۸۲ .

۳- سیف فرغانی، دیوان .

می آمرزد و آن ها را به بدترین اعمالی که انجام می دادند پاداش می دهد . (۱)

اگر خواهی که گردی بنده خاص مهیا شو برای صدق و اخلاص(۲)

با توجه به آیه ۲۴ سوره یوسف و در کل داستان یوسف و زلیخا ، صادق ، تحت امداد غیبی خداوند قرار می گیرد به طوری که صداقت یوسف حتی در زندان هم سبب عزت و مؤثر بودن وجودش شده بود . همچنین در آیه ۸۰ سوره اسراء گفته شده بنده صادق تحت سلطنت و نصرت الهی قرار می گیرد و در سوره حُجُرات نیز نصرت ، باهمین مضمون نصیب صادق می شود . پس از آن جا که دنیا سجن مؤمن است برای عزت و وجود نافع باید صادق بود .

(۴۲) ملکه گمشده

ص:۴۲

۱- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی ، جلد ۴ ، صفحه ۶۸۶ ، وزیری ، ناشر : بیان جوان ، ۱۳۸۲ .

۲- شیخ محمود شبستری .

در آیه ۱۷ سوره اَنفال خداونـد سـمیع و علیم شـمرده شده ، یعنی از آنجا که خدا صدای اسـتغاثه پیامبر و مؤمنان را شـنید و از صـدق نیت و اخلاص آنها باخبر بود همگی را مشـمول لطف خـدا قرار داد و بر دشـمن پیروز ساخت [در جنگ بـدر] و آمده است : البته مؤمنان مخلص و مجاهد سرانجام پیروز می شوند و ریاکاران بی عمل (دروغگویان) شکست می خورند . (۱)

با صدق ز دوری مکن اندیشه که در کیش تیری که بود راست در آغوش نشان است (۲)

آیه ۲۴ سوره احزاب می فرمایـد : صـدق فعلی و قولی مرد و زن باایمان ملاک است و [بعـد از آن] خداونـد به صادقین پاداش عظیم عنایت می کند و مغفرت شامل حال آنها

آثار و برکات صدق (۴۳)

ص:۴۳

۱- تفسیر جوان ، دکتر محمد بیستونی ، جلد ۲، صفحه ۳۰۵ ، وزیری ، ناشر : بیان جوان ، ۱۳۸۲ .

۲- صائب تبریزی، دیوان اشعار.

می شود. درآیه ۳۵ همین سوره آمده خداوندبرای عده ای [درصورت نیازبه بقیه مصادیق، به آیه مراجعه کنید] از جمله مردان و زنان راستگو و ... آمرزش و مزدی بزرگ آماده کرده است و با توجه به آیه ۲۸ سوره مبارکه غافِر : اگر صادق باشید وعده خدا برای شما عمل می شود ، که می توان یکی از آن پاداش های بزرگ را شفاعت رسول اکرم در قیامت دانست . ایشان فرموده است : نزدیک ترین شما به من در قیامت و لازم ترین اشخاص بر شفاعت توسط من ، راستگوترین شماست در حدیث ، اداکننده ترین شما در امانت، نیکوترین شما در خلق و نزدیک ترین شماست به مردم !(۱)و نیز فرمود : راستگو باشید اگر چه در آن نابودی ببینید ، زیرا نجات و رستگاری در راستی است و از دروغ به دور باشید اگر چه در آن رستگاری

۱- چهل حدیث ، امام خمینی ، صفحه ۳۹۹ ، وزیری ، نشر : رجاء ، ۱۳۶۸ .

ببینید که هلاک و نابودی در ناراستی است ،(۱)

۱ چهل حدیث ، امام خمینی ، صفحه ۳۹۹ ، وزیری ، نشر : رجاء ، ۱۳۶۸ .

(۴۴) ملکه گمشده

زبانی کز فروغ صدق دارد روشنی زنده زیر خاک دائم چون چراغ آسیاست (۲)

که کار اهل بهشت، صدق است ، چون بنده راستگو باشد نیکوکار می شود و چون نیکی کند،ایمان آورد و براثرایمان واردبهشت گردد.(۳) امام صادق می فرماید : «اِنَ الصّادِقَ اَوَّلُ مَنْ یُصَدِّقُهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» از بالاترین اکرام های خدا و اکرام خدا به بنده، اینکه لسان صدق به او می دهد و خدا تصدیقش می کند. پس باید بدانیم

۱- آثارالصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۹۲ و ۱۳۶۹ ، وزیری .

۲- آثارالصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۹۲ و ۱۳۶۹ ، وزیری .

۳- آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۹۳ ، وزیری ، ۱۳۶۲.

اگر لغزشی در زبانمان داریم عذاب خداست و تحقیر او . (۱)

۱ آثارالصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۹۲ و ۱۳۶۹ ، وزیری .

۲ صائب تبریزی، دیوان اشعار .

۳ آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۴۹۳ ، وزیری ، ۱۳۶۲.

آثار و برکات صدق (۴۵)

و وقتی از حضرت علی علیه السلام پرسیدند : گرامی ترین مردم کیست ، فرمود : کسی که در موقعیت های مختلف راست می گوید . (۲)

و نیز ایشان پس از فتح بصره و کشته شدن طلحه و زبیر فرمود: «بَصَّرَنیکُمْ صِدْقُ النِّیَهِ» یعنی: من با صفای باطن و صدق نیت، درون شما را می خواندم . پس صدق نیت ، سبب بصیرت می شود .(۳)همچنین طبق فرموده هایی از ایشان داریم : راستی حقیقتی

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۲- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۳- نهج البلاغه ، خطبه ۴ ، صفحه ۴۹ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، ناشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

است که بین حق وباطل جدایی افکند (۱) و هرکه سخنش راست باشد، دلیلش قوی گردد. (۲)

۱ سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۲ سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۳ نهج البلاغه ، خطبه ۴ ، صفحه ۴۹ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، ناشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

با این مقدمه که اسلام عامل نجات و رستگاری برای تصدیق کنندگان ، (راستگویان) است(۳)و هرکس خدا را تصدیق کند رستگار می گردد ، (۴) یکی دیگر از آثار صدق را از زبان امام باقر علیه السلام می آموزیم که می فرماید : چهار چیز است که اگر در کسی باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک می گردد و پروردگار را در حالی ملاقات می کند که از او خشنود و راضی باشد : ۱ کسی که به وعده ای که به مردم داده وفا کند . ۲ زبانش در

۱- غررالحکم ، جلد ۱ ، صفحه ۲۹ .

۲- غررالحکم ، جلد ۲ ، صفحه ۶۵۸ .

۳- نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۶ ، صفحه ۱۹۶ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، ناشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۴- بحار الانوار ، جلد ۶۷ ، صفحه ۳۷ ، وزیری.

گفتاربامردم راست باشد. ۳ ازانجام هرکاری که پیش مردم و خـدا زشت باشد ، شـرم کند. ۴ خُلق و خوی او بـا خانواده نیکو باشد.

حال ، آیا می توان گفت: اسلام، عامل نجات برای صادقان است؟

پاسخ مثبت است زیرا طبق آیه ۱۱۹ سوره مائده خداوند می فرماید : «... هذا یَوْمُ یَنْفَعُ الصّدِقینَ صِدْقُهُمْ ...» .

منظور از صـدق در این آیه ، راستی در گفتـار و کردار در دنیاست که در آخرت مفیـد واقع می شود وگرنه صـدق در آخرت که محل تکلیف نیست ، فایـده ندارد و در آن روز هیچ کس جز راست نمی تواند بگوید چون دنیاست که دارتکلیف است و در آخرت دروغگویان ، راستگو خواهند شد .

پس تنها چیزی که در قیامت از بین همه اعمال بسیار مفید می باشد

(۴۸) ملکه گمشده

ص:۴۸

صـدق صادقان می باشـد و تمام نیکی ها در صدق خلاصه می شود و فوز عظیم و رضایت پروردگار از بندگان و بالعکس که بالاترین نعمت است برای بنده صادق موجود خواهد بود . (۱)

و بالاخره نجات از آنِ کسی است که صادق باشد : «نِجاةٌ لِمَنْ صَدَّقَ» .(۲)

« اِنَّما یُوَفَّی الصّابِرُونَ اَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسابٍ» (۱۰ / زمر)

به صدق کوش که خورشید زاید از نفست که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست (۳)

آثار و برکات صدق (۴۹)

ص:۴۹

۱- تفسیرجوان، دکترمحمدبیستونی، جلد۱، صفحه۹۹۷، وزیری، نشربیان جوان،۱۳۸۲.

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۵ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، ناشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۳- حافظ، دیوان .

ضرورت صداقت چیست ؟

یکی از امور مهم در ایجاد انگیزه برای صادق بودن آثار و فواید صدق بود که در فصل قبل گذشت و اما مهم تراز آن دانستن این است که اساسا ضرورتِ صداقت چیست ؟

طی بررسی که داشتم بهتر از سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام چیزی نیافتم که او خود ، صدق مطلق است و روشنگر راه . از این رو ضرورت راستی را از زبان ایشان تبیین می کنیم. حضرت می فرمایند :

گفتار باطل تباه شدنی است و باطل آن است که بگویی شنیدم و حق ، آنکه بگویی دیدم (1)و «حق ، گسترده تر از آن است که وصفش کنند ولی به هنگام عمل تنگنایی

ص:۵۰

۱- ۱ نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۱ ، صفحه ۲۶۰ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

بی مانند دارد» (۱) ، میان حق و باطل چهار انگشت فاصله است [در اینجا ظاهرا منظور فاصله بین چشم و گوش است و حقانیت دیده ها و نه شنیده ها]. [البته] گاه سخن، حق است اما از آن اراده باطل می شود (۲) (مثل سخن خوارج که حق بود و می گفتند : حکومت از آن خداست اما از آن ، سوء استفاده کردند) .

۱ نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۱ ، صفحه ۲۶۰ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

(۵۰) ملکه گمشده

[و اما] حق، سنگین ولی گوارا و باطل، سبک اما کشنده است (۳) و خدا حق را بر مردمی آسان می کند که آخرت را می طلبند ، نفس را به شکیبایی وامی دارند و به

ضرورت صداقت چیست؟ (۵۱)

ص:۵۱

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۲۱۶ ، صفحه ۴۴۱ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۲- نهج البلاغه ، حکمت ۱۹۸ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۳- نهج البلاغه ، حکمت ۳۷۶ ، صفحه ۷۲۱ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

وعـده های پروردگار اطمینان دارند .(۱) من از آن کس که به باطل سـخن گویـد یا کاری را که خدا اصـلاح کرده برهم زند بیزارم . آنچه نمی دانی واگذار ، زیرا مردمان بدکردار باسخنانی نادرست به سوی تو خواهند شتافت . (۲)

سخن در بنـد توست تـا آن را نگفته باشـی و چون گفتی تو در بنـد آنی . پس زبـانت را نگه دار چنانکه طلا و نقره را نگه می داری ، چه بسـا سـخنی که نعمتی را طرد و یـا نعمتی را جلب می کنـد (۳)پس با سـکوت بسـیار وقار انسان بیشتر می شود (۴) [انسان] باید

(۵۲) ملکه گمشده

ص:۵۲

۱- نهج البلاغه ، نامه ۵۳ ، صفحه ۵۶۹ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۲- نهج البلاغه ، نامه ۷۸ ، صفحه ۶۱۸ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۳- نهج البلاغه ، حکمت ۳۸۱ ، صفحه ۷۷۳ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۴- نهج البلاغه ، حکمت ۲۲۴ ، صفحه ۶۷۶ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

زبانش را حفظ کند چون همانا این زبان سرکش ، صاحب خود را به هلاکت می اندازد . به خدا سوگند پرهیزکاری را ندیده ام که تقوا برایش سودمند باشد مگر آنکه زبان خویش را حفظ کرده بود (۱) و پرهیزکار کسی است که از محدوده حق جدا نمی گردد (۲) و زبان ، تربیت نشده درنده ای است ، اگر رهایش کنی می گزد .

بسیاری از حقایق در اموری است که ناآگاهانه انکار می کنید . (۳) پس آنچه نمی دانید نگویید ، بلکه همه آنچه را می دانید نیز نگویید چون خداوند بر اعضای بدن چیزهایی را واجب کرده که از آنها بر شما در قیامت حجت آورد . (۴)

ضرورت صداقت چیست؟ (۵۳)

ص:۵۳

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۶ ، صفحه ۳۳۴ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۳ ، صفحه ۴۰۳ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۳- نهج البلاغه ، خطبه ۸۷ ، صفحه ۱۴۹ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

پس ملازم صدق باشید اگرچه از زیان آن بترسید ، زیرا زیان صدق از منفعت مورد امید دروغ بهتر است (۱)و خود را به راستگویی و امانت داری ملزم بدانید که از شیوه اخلاق نیکان است (۲) و «اِنَّ الدُّنیا دارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَها» دنیا، سرای راستی برای راستگویان است(۳)

ایمان [که از ارکان سعادتمندی است] بر ۴ پایه استوار است و جهاد یکی از آن ها است، جهاد نیز بر ۴ پایه است که یکی از آن ها راستگویی در هر حال است و آن کس که در میدان نبرد، [جهاد اصغر و جهاد اکبر (مبارزه با نفس)] صادقانه پایداری کند ، حقی را که بر گردن او بوده ادا کرده است. (۴)

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۳۸۲ ، صفحه ۷۲۲ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۲- غررالحکم ، جلد ۲ ، صفحه ۱۹۴ .

۳- غررالحکم ، جلد ۲ ، صفحه ۱۸۷.

۴- نهج البلاغه ، حکمت ۳۱ ، صفحه ۶۲۸و۶۳۰ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

تانگردد درون وبیرون راست بوی صدق از تو برنخواهد خواست (۱)

هم چنین از کلام دیگری از حضرت علی علیه السلام می توان دریافت که صدق سبب وحدت است و دورویی سبب تفرقه و البته که با وحدت می توان به رستگاری رسید و کلام، این است : «مبادا در دین دورویی (تلوّن) ورزید که وحدت در راه حق گرچه کراهت داشته باشید از پراکندگی در راه باطل گرچه مورد علاقه شما باشد بهتر است . چون خداوند سبحان نه به گذشتگان نه به آیندگان چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است».(۲)و باز ضرورت صدق را در دوست و در

ضرورت صداقت چیست؟ (۵۵)

امام مردم بیان می فرماید: دوست آن است که در نهان، آیین دوستی (صدق)

۱- اوحدی مراغه ای، جام جم .

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۶، صفحه ۳۳۸ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

را رعایت کند . (۱) و باید امام مردم به مردم راست بگوید «فَلْيُصَدِّقْ رَاْيُهُ اَهْلَهُ» . (۲) در خاتمه این مبحث سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مرور می کنم که بسیار قابل توجه و راه گشاست، ایشان می فرماید : ایمان بنده ای استوار نگردد ، تا دل او استوار شود و دل استوار نگردد تا زبان استوار گردد . (۳) و گفته شد که سخن استوار، صدق و راستی در کلام است.

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نئی جان من خطا اینجاست (۴)

(۵۶) ملکه گمشده

۱- نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، صفحه ۵۳۷ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴ ، صفحه ۲۸۵ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ ، صفحه ۳۳۶ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

مظاهر صدق در میان خلق

ای مردم ! در راه راست از کمی رونـدگان نهراسـید زیرا اکـثریت مردم گرد سـفره ای جمع شونـد کـه سـیری آن کوتـاه و گرسـنگی آن طولانـی است ، او که از راه آشـکار برود به آب می رسـد و هر کس از راه راست منحرف شود، سـرگردان می ماند (۱)

حال که تا حدی با صدق ، مراتب ، آثار و ضـرورت آن آشنا شدیم به بررسی صدیقان عالم می پردازم و به طور اجمالی نامی از آنها می برم، که :

(جان پروراست قصد ارباب معرفت)

در اولین مرتبه باید بدانی، دارنده بهترین صفات طبق فرازی در دعای جوشن کبیر

مظاهر صدق در میان خلق (۵۷)

«یا مَنْ لَهُ صِفاتُ الْعُلیا» خداوند همه جهانیان است. و یکی از بهترین این صفات، صدق

ص:۵۷

۱- دیوان حافظ شیرازی ، صفحه ۸۷ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

می باشد و صدق مطلق ، خداوند باری تعالی است او که کلامش تماما صادق است . «وَ تَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقا وَعَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِکَلِمتِه وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ» ،(۱) و کلام پروردگار تو در راستی و عدالت ، به حد کمال است . هیچ کس نیست که یارای دگرگون کردن سخن او را داشته باشد و اوست شنوا و دانا . «قُلْ صَدَقَ اللّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّهَ اِبْرهیمَ حَنیفا» (۲)بگو خدا راست می گوید آیین حنیف ابراهیم را پیروی کنید . (۳) «وَ مَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّهِ حَدیثا» (۴) چه کسی از خدا به گفتار راستگوی تر است (که به تحقیق

ص:۵۸

۱- ۱۱۵ / انعام ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، نشر : سروش .

۲- ۹۵ / آل عمران ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، نشر : سروش .

۳- ۹۵ / آل عمران ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، نشر : سروش .

شما را در قیامت گرد می آورد) و «وَ مَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّهِ قیلاً» (۱) چه کسی از خدا به گفتار راستگوی تر است (که برای آنها که ایمان آورده اند و کارهای نیکو کرده اند بهشت هایی آماده کرده که در آن ها نهرها روان است و در آنجا جاویدند ، وعده خدا حق است) .

(۵۸) ملکه گمشده

خداوند مربی عالم وجود است و صدق را باید از او آموخت ، پس «تَخَلَّقُوا بِاَخْلاقِ اللّهِ وَ تَزَیَّنُوا بِصِفاتِ اللّهِ» که دین خالص ازآن خداست «لِلّهِ الدّینُ الْخالِصُ».(۲)

در مفاتیح نیز با عباراتی فراوان: از جمله «یا صادِقا لا یُخلِف» «یا مَن وَعْدُهُ صادِقٌ»

مظاهر صدق در میان خلق (۵۹)

و «یا صادِقُ» که در دعای جوشن کبیر می باشد، پروردگارمان را این گونه می خوانیم.

۱- ۱۲۲ / نساء ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، نشر : سروش .

۲- ۳ / زمر ، ترجمه عبدالمحمد آیتی ، نشر سروش .

در قرآن کریم که قائِلٌ مُصَدِّق است (سخنش تصدیق می گردد)(۱) گاه به جای وحی، تعبیر به صدق شده یعنی سخنی که هیچ گونه احتمال دروغ و خلاف در آن نیست و مبلّغ وحی که کلام صادق پروردگار است کسی نبود جز ارباب معرفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در بسیاری از زیارات لقب: «اَلصّادِقُ الاَْمین» را در مورد ایشان می بینیم. نیز در آیه ۳۳ سوره مبارکه زمر داریم : «وَ الَّذی جاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ اوُلئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» کسی که سخن راست آورد و تصدیقش کرد ، آنان پرهیزکارانند . (الَّذی جاءَ بِالصِّدْقِ). پیامبر اکرم علیه السلام و (صَدَّقَ بِهِ) علی بن ابیطالب است . (۲)

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۷۶ ، صفحه ۳۳۴ ، ترجمه محمد دشتی ، وزیری ، نشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۲- تفسیر جوان ، جلد ۴ ، صفحه ۶۸۶ ، دکتر محمد بیستونی ، وزیری ، ناشر : بیان جوان ، ۱۳۸۲.

صدق احمد بر جمال ماه زد بلکه بر خورشید رخشان راه زد (۱)

طبق آیه ۲۲ و ۲۳ سوره مبارکه جن از ویژگی های رهبران الهی ، صداقت آنهاست در رسالت خدا و ابلاغ از سوی خدا (۲). همین مورد در نهج البلاغه آمده است ، پیامبران ، انسان ها را با (لِسان صِدق) راستگویی به راه حق فرا خواندند . (۳)

نخستین نشانه صدق پیامبران آن است که هیچ منفعت مادی در دعوتشان ندارند و از ما، نه مال ، نه مقام و نه سپاسگزاری می خواهند ، این مطلب را می توان در آیه ۲۱ سوره یس و در ۵ آیه از سوره شعراء با تعبیر «ما اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ» دریافت .

مظاهر صدق در میان خلق (۶۱)

۱- مثنوی مولوی .

۲- تفسیر جوان ، جلد ۵ ، صفحه ۵۴۷ ، دکتر محمد بیستونی ، وزیری ، ناشر : بیان جوان ، ۱۳۸۲.

۳- نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۴ ، صفحه ۲۶۵ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

صدق انبیاء علیهم السلام

صدق انبیاء علیهم السلام

در تجلی صفات الهی بین مخلوقین، پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، صدق مطلق در جمیع مقامات، منحصر به مقام انبیاء و معصومین علیهم السلام است ، در تأیید این مطلب آیه ۱۹ سوره توبه می فرماید :

«کُونُوا مَعَ الصّادِقِینَ» و در تفسیر، صادقین را اهل بیت معرفی کرده اند (۱)

پس در صورت همراه بودن با آن ها در رفتار و گفتار و به میزان زیارت آنها ، این صدق نصیب ما هم خواهد شد .

حال در تعیین مصادیق صدق از میان پیامبران و عده ای دیگر توجه به آیات زیر مثمرثمر خواهد بود :

(۶۲) ملکه گمشده

۱- گناهان کبیره ، آیه اللّه دستغیب ، صفحه ۲۹۹ ، جلد ۱ ، وزیری ، نشر : اسلامی ، ۱۳۷۶ .

۱ صدق حضرت یوسف

آیه ۲۷ سوره یوسف که داستان یوسف و زلیخا را بیان می کند و در آخر آیه یوسف را از جمله صادقین مطرح می کند . «وَ اِنْ کانَ قَمیصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَکَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصّدِقینَ» که حتی زلیخا در آیه ۵۱ همین سوره به راستگویی یوسف اعتراف می کند به این صورت که «اَنَا راوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِه وَ اِنَّهُ لَمِنَ الصّدِقینَ» .(۱)

۲ صدق ادریس پیامبر

در آیه ۵۶ سوره مریم آمده است : «اِنَّهُ کانَ صِدّیقا نَبِیّا» او راست گویی پیامبر بود .

۳ صدق حضرت یونس

قوم یونس بارها صدق او را آزموده بودند و با توبه سریع، تنها گروهی شدند که از عذاب رهایی یافتند. آیه ۹۸ سوره یونس به

۱ ... من خواستار تن او بودم و او در زمره راستگویان است.

۱- ... من خواستار تن او بودم و او در زمره راستگویان است.

این موضوع اشاره کرده است: «فَلَوْلا کانَتْ قَرْیَهٌ امَنَتْ فَنَفَعَها ایمانُها اِلّاقَوْمَ یُونُسَ لَمّآ امَنُوا کَشَفْناعَنْهُمْ عَذابَ الْخِزْیِ فِی الْحَیوهِ الدُّنْیا وَ مَتَّعْناهُمْ اِلی حینٍ»

«چرا هیچ یک از شهرها و آبادی ها ایمان نیاوردند که (ایمانشان به موقع باشد و) مفید به حالشان افتد، مگر قوم یونس، به هنگامی که ایمان آوردند، عذاب رسواکننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدت معینی (پایان زندگی و اجلشان) آن ها را بهره مند ساختیم.» (۹۸ / یونس)

۴ صدق حضرت اسماعیل

در آیه ۵۴ سوره مریم به ایشان لقب «صادِقُ الْوَعْد» داده شده که خاندان خود را به نماز و زکات امر می کرد و نزد خدا شایسته و پسندیده بود و خدا از پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله خواسته است از او در این کتاب (قرآن) یاد کند : «اِنَّهُ کانَ صِدّیقا نَبِیّا وَ کانَ رَسُولاً نَبِیّا» .

۵ صدق حضرت ابراهیم

«وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ اِبْراهیمَ اِنَّهُ کانَ صِدّیقا نَبِیّا» در

(۶۴) ملکه گمشده

ص:۶۴

این کتاب ، ابراهیم را یاد کن که او پیامبری راستگو بود (۴۱ / مریم) .

۶ صدق حضرت اسحاق و یعقوب

که در آیه ۵۰ سوره مبارکه مریم آمده است : «وَ وَهَبْنا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنا وَ جَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِيّا» رحمت خویش را به آن ها ارزانی داشتیم و لسان صدق و آوازه بلند برای ایشان قراردادیم .

۷ صدق حضرت موسی

آیه ۵۱ سوره مبارکه مریم ، از حضرت موسی با نام مخلص یاد کرده و البته او که مخلص است حتما صادق بوده که به مقام اخلاص نیز رسیده، درآیه می فرماید: «وَاذْكُرْ فِي الْكِتابِ مُوسى اِنَّهُ كانَ مُخْلَصا وَ كانَ رَسُولاً نَبِيّا » . در این کتاب موسی را یاد کن او بنده ای مخلص و فرستاده ای پیامبر بود .

صدق موسی بر عصا و کوه زد بلکه بردریای پر اشکوه زد(۱)

۱- مثنوی مولوی .

۸ صدق حضرت مریم

با توجه به مضمون آیات ۲۶ تا ۳۷ سوره مریم ، حضرت مریم علیهاالسلام را نیز (البته نه در لفظ آیات) خداوند به عنوان فرد صادق می داند و از صدق او آگاه است . این آیات مرتبط با حوادث بعد از متولد شدن حضرت عیسی است و مربوط به تهمتی می باشد که قوم وی به مریم علیهم السلام می زدند و او طبق فرمان الهی سکوت را اختیار کرده بود .

در بعضی از آیات نیز عده ای خود را با لفظ « اِنّا لَصادِقُون » معرفی کرده اند :

آیه ۶۴ سوره حِجْر : «وَ اَتَیْناکَ بِالْحَقِّ وَ اِنّا لَصادِقُونَ» . ما تو را خبر راست آورده ایم و ما راستگویانیم . که این گفته رسولانی است که برای نجات حضرت لوط ، نزد او آمدند و راه نجات از قوم را به او نمایاندند .

آیه ۴۹سوره نَمْل : «... ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِیِّه ما شَهِدْنا مَهْلِکَ اَهْلِه وَ اِنّا لَصادِقُونَ ...»

(۶۶) ملکه گمشده

سپس بگوییم : ما به هنگام هلاکت کسان او آنجا نبوده ایم اما راست گفتارانیم» . و این گفته ۹ مرد ناصالح در قوم ثمود بود که می خواستند به صالح و قومش شبیخون بزنند

و هنگام خونخواهی آنان بگویند : ما آنجا نبوده ایم و غافل بودند اگر آنها حیله ای اندیشیده اند خدا هم حیله ای اندیشیده است .

آیه ۱۴۶ سوره انعام : خداوند بعد از ذکر آنچه خوردنش بر یهود حرام بود می فرماید : «... ذلِکَ جَزَیْناهُمْ بِبَغْیِهِمْ وَ اِنّا لَصادِقُونَ» به سبب ستمگریشان این چنین کیفرشان داده ایم و راستگویانیم .

آیه ۸۲ سوره یوسف : «وَسْئَلِ الْقَرْیَهَ الَّتی کُنّا فیها وَ الْعیرَ الَّتی اَقْبَلْنا فیها وَ اِنّا لَصدِقُونَ» «(برای اطمینان بیشتر) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن و نیز از آن قافله که با آن آمدیم بپرس و ما (در گفتار خود) صادق هستیم.» فرزندان یعقوب «عَلی نَبِیِّنا وَ الِهِ وَ عَلَیْهِ السَّلام» در این آیه خود را صادق نامیدند .

صدق انبیاء علیهم السلام (۶۷)

صدق معصومین علیهم السلام

پس از آنچه در مورد صدق انبیاء ذکر شد به صداقت اهل بیت و امامان عزیز و گرانقدرمان علیهم السلام می پردازم:

در دعای ندبه می خوانیم «اَیْنَ صادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ» یعنی هر امامی مظهر صدق است تا به ختم امامان برسد و ما در جستجوی حکومت ایشان هستیم، همان حکومتی که واژه های شرف و انسانیت و عدالت و مهرورزی را به معنای واقعی کلمه تفسیر می کند.

و در زیارت جامعه کبیره با فراز «اَشْهَدُ اَنَّکُمُ الاَْئِمَهُ... اَلصّادِقُونَ...» گواهی می دهیم ایشان، پیشوایانی صادقند و به فرموده حضرت علی علیه السلام ، آیات کریمه قرآن درباره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. آنان گنجینه های علوم خداوند رحمانند ، اگر سخن گویند،

(۶۸) ملکه گمشده

ص:۶۸

راست گویند و اگر سکوت کنند ، کسی بر آنان سبقت نخواهد گرفت .(۱)

امام صادق علیه السلام در رابطه با حضرت علی علیه السلام می فرماید : علی علیه السلام نزد رسول اکرم فقط به خاطر راستگویی و ادای امانت به آن مقام و جایگاه رفیع رسید . (۲)

گر طالب فیض حق، به صدقی حافظ! سرچشمه آن ز ساقی کوثر پرس (۳)

و خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : ما امیران سخن هستیم ، درخت سخن در ما ریشه دوانیده و شاخه های آن بر ما سایه افکنده ،(۴) به خدا سوگند کلمه ای از حق را

ص:۶۹

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۴ ، صفحه ۲۸۵ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

۲- آثار الصادقین ، صادق احسان بخش ، جلد ۱۰ ، صفحه ۵۰۵ ، وزیری ، ۱۳۶۹.

۳- حافظ، دیوان .

۴- نهج البلاغه ، خطبه ۲۳۳ ، صفحه ۴۷۰ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .

نپوشاندم و هیچ گاه دروغی نگفته ام . (۱)

صدق معصومین علیهم السلام (۶۹)

درزیارت ششم امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل از مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی «ره» آمده است «اِنَّکَ صادِقٌ اَمینٌ صِدیقٌ» و در زیارت مطلقه ایشان نیز داریم «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الصِّدّیقینَ وَ قُدْوَهَ الصّادِقینَ» و «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَاالصِّدّیقُ الرَّشیدُ»

خود پیغمبر صلی الله علیه و آله نیزلقب صِدّیق رابه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام داده اند .(۲)
و با عرض سلامی که در زیارت حضرت زهرا علیهاالسلام به ایشان داریم که

(۷۰) ملکه گمشده

«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَهُ الشَّهیدَهُ» تصدیق این امر را می کنیم.

و در حدیثی از موسی بن جعفر است که: «اِنَّ فاطِمَهَ صِدّیقَهٌ شَهیدَهٌ». صدیقه بودن

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۶ ، صفحه ۵۸ ، ترجمه محمددشتی ، وزیری ، نشر : مؤمنین ، ۱۳۸۱ .
۲- سخنرانی آیه اللّه صدیقی، شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام ، سال ۱۳۸۶ .

یعنی ایشان هیچ گاه برای خود از طرف خود تصمیمی نگرفتند بلکه همواره براساس رضای خدا حرکت می کردند.

در آخر آیه ای که در سوره انسان در شأن حضرت زهرا علیهاالسلام نازل شده چنین می خوانیم: «وَ ما تَشاؤُونَ اِلاّ اَنْ یَشاءَ اللّهُ اِنَّ اللّهَ کانَ عَلیما حَکیما» «و شما چیزی را نمی خواهید مگر این که خدا بخواهد، خداوند عالِم و حکیم است» (۳۰ / انسان) «ما تَشاؤُن» یعنی آن چه شما می خواهید و ایشان «صِدّیقه» است چون آینه کمال و جلال خداست و بندگی تام دارد و بندگی سبب مقدس شدن می شود، قداستی که به ما شرف و عزت می دهد. (۱)

در این جا توجه به عباراتی که در زیارات ائمه معصومین علیهم السلام در باب صدق ایشان آمده قابل اهمیت است:

صدق معصومین علیهم السلام (۷۱)

۱- سخنرانی آیه اللّه صدیقی، شهادت حضرت زهرا، سال ۱۳۸۶ .

زیارت حضرت امام حسن علیه السلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الشَّهیدُ الصِّدّیقُ».

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الشَّهیدِ» یا «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَاالصِّدّیقُ الْاَکْبَرُ» و یا «اِنَّکَ صادِقٌ صِدّیقٌ صَدَقْتَ فیما دَعَوْتَ اِلَیْهِ».

و نیز در زیارت حضرت ابوالفضل داریم«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ناصِرَالصِّدّیقِ الشَّهیدِ».(۱)

زیارت ائمه بقیع (امام حسن علیه السلام ،امام سجاد علیه السلام ،امام محمد باقر علیه السلام ،امام صادق علیه السلام) «اَنَّ قَوْلَکُمُ الصِّدْقُ» یا «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ کُبَراءَ الصِّدّیقینَ» (سلام ای بزرگ ترین صدیقان عالم) یا «اَنْتُمُ الْعُلَماءُ الصّادِقُونَ» (شما دانشمندان صادق هستید) و یا «وَ رَبّاکُمُ الصِّدْقُ» (خدا صدق را در شما پروراند و همراه صدق شما را رشد داد).

زیارت حضرت امام صادق علیه السلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَاالْاِمامُ الصّادِقُ، اَلصّادِقُ الْبارِّ».

زیارت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام «اَشْهَدُ اَنَّکَ... الصّادِقُ الْعامِلُ» و «اَنَّکَ

۱- مفاتیح الجنان .

صادِقٌ اَدَّیْتَ ناصِحا».

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضا... الصِّدِّیقِ الشَّهیدِ».

زیارت حضرت امام جواد علیه السلام «اَلسَّلام عَلَیْکَ اَیُّها الْعَلِیُّ عَنْ نَقْصِ الْاَوْصاف» سلام بر تو که هیچ نقصی در صفات نداری ؛ پس در صفت صدق تو نیز شکی نیست .

زیارت ائمه سامرّاء امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسگری علیه السلام «صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الصّادِقینَ».

زیارت حضرت ولی عصر (عج) در دعای بعد از زیارت آل یاسین آمده است «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ... اَلنّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ وَ الصِّدْقِ» و در دعای ندبه داریم «اَیْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْکِذْبِ» کجاست ریشه کن کننده دروغ و «اَیْنَ ابائُهُ الصّادِقینَ».

و البته همه امامان مظهر صدق خداوند هستند و صدیقان عالم جیره خوار ایشانند.

صدق معصومین علیهم السلام (۷۳)

ص:۷۳

صدق در مؤمنین

پس از ائمه اطهاربه صدق درمؤمنان می رسیم که دنباله رو پیشوایان خویش می باشند.

از ابوذر درباره ایمان پرسیدند : گفت : از پیامبر همین را پرسیدم این آیه را پاسخ دادند : «اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذینَ امَنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِه ثُمَّ لَمْ یَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِاَمْوالِهِمْ وَ اَنْفُسِهِمْ فی سَبیلِ اللّهِ اوُلئِکَ هُمُ الصّادِقوُنَ» یعنی: مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند ، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده وبا اموال و جان های خود در راه خدا جهاد کرده اند ، آن ها راستگویانند.(1)نیز « وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ امَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الاْخِرِ» و سپس فرموده

۱- مُحَجَهُ الْبَیْضاء (راه روشن) ، ملامحسن فیض کاشانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷۸ ، ۱۵ / حجرات .

است : «وَ الصّابِرینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ ... اوُلئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ».(۱)

و باز رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : مؤمن را به سبب وقار ، نرمخویی و راستگویی می توان شناخت . (۲)حضرت علی علیه السلام نیز فرموده است : زبان مؤمن از پس قلب او و قلب منافق از پس زبان اوست . مؤمن هرگاه بخواهد سخن بگوید نخست می اندیشد ، اگر نیک بود ، اظهار می دارد و اگر ناپسند پنهانش می کند ، اما منافق آنچه بر زبانش آمد ، می گوید و نمی داند چه به سود او و چه حرفی به ضرر اوست ! (۳)

امام رضا علیه السلام نیز فرمود: از پیغمبر سؤال شد که آیا مؤمن ترسو و بخیل می شود؟

صدق در مؤمنین (۷۵)

ص:۷۵

۱- مُحَجَهُ الْبَیْضاء(راه روشن) ، ملامحسن فیض کاشانی ، جلد ۸ ، صفحه ۱۷۸ ، ۱۷۷ / بقره .

۲- آثار الصادقین ، جلد ۱۰ ، صادق احسان بخش ، صفحه ۵۰۷ ، وزیری ، ۱۳۶۹ .

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶، صفحه ۲۳۴ و ۲۳۶، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشرمؤمنین، ۱۳۸۱.

فرمود: آری. آیا کذّاب می شود؟ فرمود خیر .

هم چنین از خصوصیات مؤمنین این است که از قول لغو روی گردانند «وَ الَّذینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ»(۱) قول لغو، هر گفتار و عملی و فکری است که بی فایده، باطل و یا دروغ باشد. (۲) و اعراض از لغو تحقق نمی یابد مگر این که اعضاء به آنچه برای آن آفریده شده اند وادار شوند. (۳)

طبق آیه ۸ سوره احزاب بعد از گرفتن پیمان سخت از پیامبران و از حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی، دلیل گرفتن پیمان را سؤال از صدق ادعای

۱- ۳ / مؤمنون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .
۲- تفسیر جوان، جلد ۳، دکتر محمد بیستونی، ص ۶۳۷، وزیری، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲ .
۳- اصول کافی، جلد ۳، شیخ کلینی، ص ۹۳، نشر مسجد .

آن ها می دارند، «لِیَسْئَلَ الصّادِقینَ عَنْ صِدْقِهِمْ...»(۱)و منظور از صادقین در این آیه مؤمنانی هستند که صدق ادعای خود را در عمل اثبات کرده اند و به تعبیر دیگر از آزمایش الهی سربلند بیرون آمده اند و منظور از سؤال درباره صدق این صادقین این است که آیا در اعمال خود خلوص نیت داشته اند و آیا صدق ادعایشان را در مسائلی از قبیل انفاق، جهاد، شکیبایی در مقابل مشکلات و سختی های میدان جنگ به اثبات رسانده اند یا خیر؟! و محل این سؤال نیز در قیامت است. (۲)

دیگر این که از صادقان حتما درباره توحید و اعتقاداتشان، از اهداف و نیاتشان حتی اگر فقط در مرحله باطن بوده است، سؤال خواهد شد.

در آیه ۳۴ سوره قصص داستان موسی و هارون که زبانی فصیح تر از موسی دارد،

۱- ۸ / احزاب ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- تفسیر جوان، دکتر بیستونی، جلد ۴، ص ۲۴۵، وزیری، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲ .

را بیان می کند و این که اگر صادقی، صادق دیگر را تأیید کند کار، قوت می گیرد.

و آیه۶سوره نور کسی راانسان صادق گرفته است که بر کار خود شاهد و گواه دارد.

ضمنا پرهیزکاران طبق آیه ۱۷ سوره آل عمران شش صفت ممتاز دارند که از جمله آن ها، راستگویی ایشان است و این که آنچه در باطن به آن معتقدند در ظاهر عامل به آن هستند و از نفاق و تقلب و دروغ به دورند. (۱)

و نیز آیه ۸ سوره حشر سه وصف مهاجران را که اخلاص، جهاد و صدق می باشد بیان کرده است.

پس پرهیزکاران و مهاجران و مؤمنانی که تا حدی خصوصیات آنها مشخص گشت، در زمره صدیقان عالم اند.

از دیگر جلوه های صدق با توجه به آن چه در زیارات آمده

۱- تفسیر جوان، دکتر بیستونی، جلد ۱، ص ۴۲۶، وزیری، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲ .

می توان به افراد زیر اشاره کرد:

حضرت فاطمه علیهاالسلام بنت اسد مادر امیرالمؤمنین علیهم السلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَهُ الْمَرْضِیَّهُ».

شهدای احد در بقیع «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ الصِّدْقِ وَ الْوَفاءِ».

ابوذر غفاری که پیغمبر در مورد ایشان فرمود «لا اَظَلَّتِ الخَضْراءُ عَلی ذی لَهْجَهٍ اَصْدَقُ مِنْ اَبی ذَرٍّ» او کسی بود که صدق لهجه داشت.

حضرت عباس بن علی علیه السلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الْمُؤاسی» در زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر و قربان.

حضرت علی اکبر علیه السلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الطَّیِّب» اولین عبارتی است که در زیارت ایشان به چشم می نشیند.

شهداء کربلا «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الصِّدّیقُونَ».

مادر امام زمان علیهاالسلام «اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَاالصِّدّیقهُ الْمَرْضِیَّهُ».

صدق در مؤمنین (۷۹)

راستان را حاجت سوگند نیست زانکه ایشان را دو چشم روشنی است(۱)

ویژگیهای صادقین

بعد از این که به طور اجمال نامی از صدیقان برده شد، خصوصیاتی از آنها را بیان می کنم تا صدق آنها بیشتر روشن و واضح گردد و متوجه شویم چرا به آنها نسبت صدّیق داده شده است.

امام رضا علیه السلام فرموده است: مقدار و منزلت مرد به اندازه همت او و صدق او به اندازه مروت و جوانمردیش است. (۲)

ابتدا با استناد به روایات و آیات قرآن کریم برخی از خصوصیات صادقین را

۱- مثنوی مولوی .

۲- بحارالانوار، جلد ۶۷، ص ۹ .

برمی شمارم: (۱)

«اَلصّادِقُ یَنْقَلِبُ فی یَوْمٍ اَرْبَعینَ مَرَّةً» صادق روزی ۴۰ مرتبه زیر و رو می شود. پرکار است و بدون فراغت و خالص چون نگران است که شاید کارش مورد قبول واقع نشده باشد. پس صادق اهل عزم است و خسته نمی شود .

از مرگ هراس ندارد، چون خود را از بند تعلقات رها کرده است. «فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ»(۲)

ویژگی های صادقین (۸۱)

کسی که کم کاری کرده و کم گذاشته از مرگ می ترسد و صادق با علم به این که خداوند کریم است و پذیرایی کریمانه دارد، به اندازه صدقی که در عمل،

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ، محرم۱۳۸۳.
۲- ۹۴ / بقره، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

قول و حال دارد از مرگ نمی ترسد. (۱)

صادق حرف حق را می زند گرچه به ضرر او باشد و البته خدا نیز به او اجر عظیم خواهد داد. (۲)

زندگی را می خواهد تا برای خدا خرج کند.(۳)

آیه ۱۷۷ سوره بقره بعد از معرفی برّ (نیکی) می فرماید: «لَیْسَ الْبِرَّ اَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ امَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْاخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَالنَّبِیّینَ وَ اتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینَ

۱- ۹۴ / بقره، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۹۴ / بقره، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۹۴ / بقره، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

وَ ابْنَ السَّبیلِ وَ السّائِلینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ اَقامَ الصَّلوهَ وَ اتَی الزَّکوهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ اِذا عاهَدُوا وَ الصّابِرینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ وَ حینَ الْبَأْسِ اوُلئِکَ الَّذینَ صَدَقُوا وَ اوُلئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» پس همه خیرات در صدق است از جمله خیرات: ایمان به خدا و معاد و فرشتگان، روز قیامت و پیامبران ، بخشیدن مال (با آن که دوستش دارد) به خویشاوندان، یتیمان، درماندگان، مسافران، فقرا و دربندماندگان ، ادا کردن نماز و پرداختن زکات ، وفای به عهد ، صبر کردن در هنگام بینوایی و بیماری و جنگ. پس طبق این آیه نیکی فقط این نیست که رو به جانب مشرق و مغرب کنیم بلکه نیکی در آن صفاتی است که ذکر شد و نیکوکارانی با این اوصاف راستگو و پرهیزکارند. پس طبق آیه، صادق، محسن نیز خواهد بود.

آیه ۲۳و۲۴ سوره احزاب ، در رابطه با صدق وعده مؤمنانی که به عهد خویش (صادقانه)وفامی کنندصحبت کرده واین که نتیجه این عمل آنهاپاداش توسط خودخداست.

ویژگی های صادقین (۸۳)

ص:۸۳

آیه ۱۵ سوره حجرات، مؤمنانی راستگو را معرفی کند که به خدا و پیامبر ایمان آورده اند و دیگر شک نکرده اند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کرده اند.

آیه ۸ سوره حشر، صادقان را مهاجران فقیری که از سرزمینشان و اموالشان در طلب فضل و خشنودی خدا رانده شده اند و خدا و رسول را یاری می کنند و به دنبال رضوان (رضایت) الهی اند، معرفی کرده است .

آیه ۴۳ سوره توبه، صادقین را افرادی اهل جهاد و اطاعت و تسلیم در برابر پیامبر معرفی می کند و این که آنها متقی اند و این تقوا سبب می شود در صحنه عمل به خواست خدا چهره صادق از کاذب مشخص گردد.

در روایت آمده است، صادق کسی است که در راحتی و خوشی، شاکر و

(۸۴) ملکه گمشده

در ناراحتی صابر است والا کاذب است. (۱)

و در آخر بـدان هر ظـاهری، باطنی متناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه باشـد، باطن آن نیز پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلیـد، بـاطن آن نیز پلیـد است، هر عملی رویشـی دارد و هر روینـده ای از آب بی نیاز نیست. آب ها نیز گوناگون انـد پس هر درختی که آبیاری اش به اندازه و نیکو باشد، شاخ و میوه نیکو می دهد وگرنه درختش معیوب و میوه اش تلخ خواهد بود!(۲)

ویژگی های صادقین (۸۵)

پس اگرمی خواهید صادق باشیدباید هم درظاهر و هم درباطن صداقت داشته باشید.

(۸۶) ملکه گمشده

ویژگی های صادقین (۸۵)

ص:۸۵

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، صفحه ۲۸۷، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱ .

همنشینی با صادقین

وقتی آدم های بزرگ اطراف ما باشند، بزرگ شدن کاری ندارد(۱)، چون آنها سعی دارند با رفتار خویش احساس به عظمت رسیدن را در ما تقویت کنند. (۲)

از آنجا که قلب، کتاب چشم است «اَلْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ» (۳) و آنچه چشم بنگرد در قلب بنشیند، ضرورت هم نشینی با افرادی که خصائل شگفت مثبت دارند آشکار می گردد که «اگر در کسی خصلتی شگفت دیدید منتظر بقیه آن نیز باشید»

(۸۶) ملکه گمشده

ص:۸۶

۱- کتاب هدیه، نقل از باب ریچاردز، به کوشش منصور فلاحی، نشر محور، ۱۳۸۰ .

۲- کتاب هدیه، نقل از مارک تواین ، به کوشش منصور فلاحی، نشر محور، ۱۳۸۰ .

۳- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱.

«فَانْتَظِرُوا اَخَواتِها» (۱) پس بدی، بدی می آورد اگر منظور خصلت منفی باشد و نیکی، نیکی به دنبال دارد در صورتی که منظور، خصلت مثبت باشد .

در حدیث راست ، آرام دل است راستی ها دانه دام دل است (۲)

در روایتی داریم: بر تو باد که همنشین راستگویان باشی و در بهره گیری از ایشان تلاش بیشتر کنی، زیرا آنان در خوشی پشتوانه تو و در گرفتاری سپر تو هستند.

همنشینی با صادقین (۸۷)

ص:۸۷

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۵، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱.

۲- مثنوی مولوی .

و همچنین حضرت علی علیه السلام به مالک فرمود: «اَلْصِقْ بِاَهْلِ الْوَرَعِ و الصِّدْقِ»، تا می توانی با پرهیزگاران و راستگویان بپیوند(۱)

حال که مأمور به همراهی با صادقین هستیم بیایید:

فرض ایزد بگذاریم و به کس بد نکنیم وانچه گویند روا نیست نگوییم رواست (۲)

و لحظاتمان را با اهل صدق و سرآمد همه آنها با امامی که بر ما حاضر است و همچون اجدادش در همه فضایل جلودار می باشد بگذرانیم،

وانگهان رحمت ببینیم و نوش کنیم (۳)

(۸۸) ملکه گمشده

ص:۸۸

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۷۱، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱ .

۲- مثنوی مولوی .

۳- مثنوی مولوی .

بررسی مفهوم مقابل صدق، کذب (دروغ)

«فَوَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبینَ . اَلَّذینَ هُمْ فی خَوْضٍ یَلْعَبُونَ»(۱)

پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان، آنان که سرگرم کارهای باطل خویشند.

کذب، مفهوم مقابل صدق است و خبر دادن از چیزی است به خلاف آنچه هست چه مطابق عقیده باشد و چه نباشد و در حقیقت دروغ خلاف هر دو است (عقیده و واقع)(۲)هم در سخن و هم در گفتار، هم در کردار و اخلاق و هم در مقامات دین است.

دروغ آن است که قرینه ای به همراه نداشته باشد مثلاً گاه در سخنان روزمره برای

بررسی مفهوم مقابل صدق، کذب (دروغ) (۸۹)

ابطال گفتار فرد مقابل، مسلمات مورد قبول او را به صورت امر و یا استفهام و یا اخبار در برابرش می گذاریم تا محکوم شود مثل آنچه حضرت ابراهیم پس از

۱- ۱۱ / طور، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- چهل حدیث، هاشم محلاتی، جلد ۱، صفحه ۳۴۸، وزیری.

شکستن بت ها، به بت بزرگ نسبت داد، پس این دروغ نیست. (۱)

کذب چون خس باشد و دل چون دهان خس نگردد در دهان هرگز نهان(۲)

به فرموده حضرت رسول دروغ از ربا بالاتر است. (۳) و در روایات آمده دروغ کلید همه بدی هاست.

حضرت علی علیه السلام فرموده است: هر چه شنیدی بازگو مکن که نشانه دروغگویی است و هر خبری را دروغ مپندار که نشانه نادانی می باشد. (۴) امام صادق: «برای دروغ گو شدن این بس که انسان هر چه می شنود نقل کند»(۵)و امام باقر علیه السلام از قول

۱- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، ج ۳، صفحه ۵۳۹، وزیری، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲ .

۲- مثنوی مولوی .

۳- وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۵۷۴ .

۴- نهج البلاغه، نامه ۶۹، صفحه ۶۱۰، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱.

۵- سفینه البحار، ج ۷، ص ۴۵۶ .

حضـرت علی بن الحسـین علیه السـلام فرمود: از دروغ کوچک و بزرگ بپرهیزیـد چه جدی باشد، چه شوخی چون انسان اگر در امر کوچک دروغ گفت بر امر بزرگ جرأت پیـدا می کند، که حضـرت رسول فرموده است: بنده خدا راستی را پیشه خود کند تا آن که خدا او را صدیق می نویسد و دروغ سرایی را پیشه خود کند تا آن که خدای تعالی او را کذاب می نویسد(۱)

«وَ تَرْکُ الْکِذْبِ تَشریفا لِلصِّدْقِ» ترک دروغ برای نگه داشتن حرمت راستی است. (۲)

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

بررسی مفهوم مقابل صدق، کذب (دروغ) (۹۱)

«جُعِلَتِ الْخَبائِثُ کُلُّها فی بَیْتٍ واحِدٍ وَ جُعِلَ مِفْتاحُهَا الْکِذْبُ» (۳)

ص:۹۱

۱- چهل حدیث، امام خمینی، صفحه ۳۹۸، وزیری، نشر رجاء، ۱۳۶۸ .
۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲، ص ۶۸۲، ترجمه محمد دشتی، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱ .
۳- جامع الاخبار، ص ۴۱۸، فصل فی الکذب و الصدق .

زشتی ها را در خانه ای گذاشته اند و دروغ را کلید آن خانه قرار داده اند.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِنَ اللّه جَعَلَ لِلشَّرِّأقْفالاًوَجَعَلَ مَفاتیحُ تِلْکَ الْاَقْفالِ الشَّرابُ.وَالْکِذْبُ شَرٌّمِنَ الشَّرابِ» (۱)

خدا بر دربدی ها و زشتی ها قفل هایی زده و شراب را کلید آن قفل ها قرار داده ولی دروغ از شراب بدتر است.

و نیز حضرت علی علیه السلام فرمود: «لا سُوءَ أسوءُ مِنَ الْکِذْب»(۲)

هیچ بدی از دروغ بدتر نیست.»

۳ کتاب دروغ، آیه اللّه سید رضا صدر، ص ۸۷ .

(۹۲) ملکه گمشده

دل نیارامد ز گفتار دروغ آب و روغن هیچ نیفروزد فروغ(۳)

بررسی مفهوم مقابل صدق، کذب (دروغ) (۹۳)

(۹۲) ملکه گمشده

۱- الکافی، ج ۲، باب کذب، ص ۳۳۹ .

۲- کتاب دروغ، آیه اللّه سید رضا صدر، ص ۸۷ .

۳- مثنوی مولوی .

آثار کذب

همان طور که با آگاهی از آثار صـدق برای صادق بودن تشویق می شویم، با علم از نتایج کذب نیز از دروغگو بودن، خود را نهی خواهیم کرد. در این مبحث به نتایج دروغگویی در دنیا و آخرت خواهم پرداخت.

دروغ از مفاسـد اعمالی است که بسیار شایع است و به همین دلیل قبـح و زشتی آن از بین رفته است. زمانی تنبه پیدا می کنیم که ایمان یعنی سرمایه حیات عالم آخرت به واسطه دروغ تباه شده است و ما نفهمیده ایم. (۱)

در نهج البلاغه آمده است: از دروغ برکنار باشـید که با ایمان فاصله دارد، راستگو در راه نجات و بزرگواری است اما دروغگو برلب پرتگاه هلاکت و خواری است. آرزوهای ناروا (آرزوهای دور و دراز که عقل را غافل می کند از یاد خدا) را دروغ

۱- چهل حدیث، امام خمینی، صفحه ۳۹۷، وزیری، رجاء، ۱۳۶۸ .

انگارید که فریبنده اند و صاحبش فریب خورده. (۱)

و امام باقر علیه السلام فرمود: دروغ خرابی ایمان است. در سوره نحل نیز آمده است: «جز این نیست که دروغ را آنها که ایمان نیاورده اند، می بافند»(۲) پس اصلاً دروغگو به آیات خدا ایمان ندارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی دیگر فرموده است: بنده مزه ایمان را نمی چشد مگر این که انواع دروغ، را چه جدی چه مزاح، ترک کند. (۳)

لازم به ذکر است رذیله کذب از اموری است که عقل و نقل متفق بر قبح آن هستند و آن فی نفسه از کبائر و فواحش است. گاه به واسطه کشف دروغ، انسان از درجه اعتبار

۱- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۸۶، صفحه ۱۴۵، وزیری، مؤمنین، ۱۳۸۱ .
۲- سوره نحل به نقل از کتاب گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، جلد ۱، صفحه ۲۷۵، صفحه ۲۷۵، نشر اسلامی، ۱۳۷۶.
۳- گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، صفحه ۷۸، وزیری .

پیش مردم ساقط می شود به طوری که تا آخر عمر نتوانـد آن را جبران کنـد. شایـد هیـچ چیز به انـدازه دروغگویی به حیثیت انسان لطمه نزند و علاوه بر مفاسد دینی و دنیوی، عقوبات اخروی آن نیز بسیار زیاد است. (۱)علی علیه السلام فرمود: محصول دروغ، پستی در دنیا و عذاب در آخرت است. (۲)

آنچه باشد جمال آن ز دروغ پیش اهل بصیرتش چه فروغ؟ (۳)

و بدترین گفتار، دروغ است (۴) که ادعا کننده باطل نابود می شود و دروغ گو

آثار کذب (۹۵)

ص:۹۵

۱- چهل حدیث، امام خمینی، صفحه ۳۹۶، وزیری، نشر رجاء، ۱۳۶۸ .

۲- غررالحکم، جلد ۳، صفحه ۳۳۲، وزیری .

۳- جامی، هفت اورنگ .

۴- نهج البلاغه، خطبه ۸۴، صفحه ۱۴۰ ترجمه محمد دشتی، وزیری .

زیان می کند (۱) و از آنچه خـدا بـدان بر دروغگو کمک کرده است فراموشـی است (۲)و عـادت کردن به دروغ موجب فقر خواهد شد. (۳)

کشت دروغ، بار حقیقت نمی دهد این خشک رود، چشمه حیوان نمی شود(۴)

بـا تـوجه به این که مؤمن به هر خصـلتی عـادت می کنـد جز به خیـانت و دروغ (۵) پس مـؤمن دروغگـو نیست و دروغگو نیز مؤمن نخواهد بود و دروغ گفتن و خیانت کردن و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶، صفحه ۶۰ ترجمه محمد دشتی، وزیری .

۲- اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸ .

۳- اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۲۸ .

۴- پروین اعتصامی .

۵- چهل حدیث، هاشم محلاتی، جلد ۱، صفحه ۳۴۱ .

هم چنین خلف وعـده نمودن از علامات منافق است . [(۱)](#) «وَ اللّهُ یَشْـهَدُ اِنَّ الْمُنافِقینَ لَکاذِبُونَ» (۱ / منافقون) از منافق به عنوان فردی که دو چهره و دو زبـان دارد یعنی در حضور و در غیـاب افراد متفـاوت عمـل می کنـد یـاد شـده در حـالی که سـرانجام گرفتار آتش دوزخ است. حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله به حضـرت زهرا علیهاالسلام فرمود: در شب معراج زنی را دیدم که سـرشماننـد خوک و بـدنش ماننـد بدن الاغ بود و سـبب آن فتنه انگیزی و دروغ بود.(۲)امام صادق علیه السـلام نیز یکی دیگر از اثرات دروغ را محرومیت از نماز شب و به دنبال آن محرومیت از وسعت رزق می شمارد.(۳)

آثار کذب (۹۷)

ص:۹۷

۱- گناهان کبیره آیه اللّه دستغیب، جلد ۱، صفحه ۲۷۸ .

۲- گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، جلد ۱، صفحه ۲۸۱ .

۳- گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، صفحه ۲۸۰ .

و امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز دروغگو را فردی ناجوانمرد معرفی کرده است.(۱) و رسول اکرم صلی الله علیه و آله دلیل دروغگویی را پستی فرد دروغ گو می داند(۲)

یا به عبارت دیگر «دروغ گویی از پستی روح ریشه می گیرد» و دروغ گفتن کار اهل جهنم است.(۳)

و چون ما صور عینیه اعمال را نمی دانیم از این جهت [ممکن است] این اخبار را حمل بر مبالغه نماییم که این از جهل و بی ایمانی است. (۴)در یکی دیگر از روایات داریم: خدا برای شر قفل هایی قرار داده که کلید آن شراب است و دروغ بدتر از شراب است(۵) که

(۹۸) ملکه گمشده

شروری که از شراب است از روی مستی و بی شعوری است به خلاف

۱- چهل حدیث، هاشم محلاتی، جلد۱، صفحه۳۴۶.

۲- چهل حدیث، هاشم محلاتی، جلد ۱، صفحه ۳۴۵.

۳- مستدرک الوسایل، ج ۹ .

۴- چهل حدیث، امام خمینی ، ص ۳۹۷، وزیری .

۵- گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، ج ۱، ص ۲۷۷ .

شروری که منشاء آن دروغ است .(۱)

و در حدیثی از امام هفتم علیه السلام آمده:«عاقل، دروغ نمی گوید هرچند دلش بخواهد».پسمکن تلخ، از دروغ بی ثمر، زنهار کار خود که صبح راستی قند مکرر می برد اینجا(۲)

و ما توسط امیرمؤمنان علیه السلام امر شده ایم که از دوستی با دروغگو بپرهیزیم که «دروغگو به سراب ماند، دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می نمایاند.»(۳)

هر که با ناراستان هم سنگ شد در کمی افتاد و عقلش رنگ شد(۴)

آثار کذب (۹۹)

۱- چهل حدیث، هاشم محلاتی، ج ۱، ص ۳۴۴ .

۲- صائب تبریزی، دیوان .

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳۸، صفحه ۶۳۲، ترجمه محمد دشتی .

۴- مثنوی مولوی .

اقوام تکذیب کننده در تاریخ

بیشتر آیاتی که مثالی از تکذیب اقوام گذشته ذکر می کند در آگاه کردن حضرت رسول است که نه تنها ایشان مورد تکذیب قوم خویش بوده اند بلکه بسیاری از اقوام گذشته در تاریخ نیز پیغمبران خود را تکذیب می کردند.

در آیات این چنین آمده است:

اگر اینـان تو را (خطاب به حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله) تکـذیب کرده انـد، پیش از آن ها قوم نوح، عاد و ثمود و نیز قوم لوط و ابراهیم و مردم مـدین نیز این طور عمل کردنـد و موسـی نیز تکذیب گردید. (۱) در این آیـات اقوام را جمعا مطرح کرده اما در بعضی آیات تصریح

می کند که: قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند(۲)،

۱- سوره حج، آیات ۴۲و۴۳و۴۴، ترجمه عبدالمحمدآیتی، نشر سروش .

۲- ۱۰۵ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند. (۱)قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند،(۲) قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند. (۳) و این سه مورد اخیر به ترتیب هنگامی بود که برادرشان نوح به آن ها گفت آیا تقوا پیشه نمی کنید، (۴)برادرشان هود به آنها گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید،(۵)برادرشان صالح به آنها گفت، آیا تقوا پیشه نمی کنید. (۶)

در آیه ای دیگر آمده است، پیش از آن ها قوم نوح و فرعون که مردم را به چهار میخ

می کشیدند (۷) و نیز قوم ثمود و قوم لوط و قوم شعیب ، پیامبران را تکذیب می کردند. (۸)

۱- ۱۲۳ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۱۴۱ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۱۶۰ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۴- ۱۲۴ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۵- ۱۴۲ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۶- ۱۶۱ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۷- ۱۲ / ص ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۸- ۱۳ / شعراء، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

هم چنین این آیه که می فرماید: پیش از آن ها قوم نوح و اصحاب رَس و ثمود تکذیب کرده بودند. (۱) و قوم عاد و فرعون و قوم لوط (۲) و اصحاب اَیْکه و قوم تُبَّع، همه پیامبران را دروغ شمردند. (۳)

و آیه ای دیگر می گوید قوم ثمود و عاد روز به طپش افتادن قلب ها (قیامت) را دروغ انگاشتند. (۴)

۱- ۱۲ / ق ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۱۳ / ص ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۱۳ / ص ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۴- ۴ / حاقه ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

نخستین کذاب در اسلام

نخستین کسی که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به لقب کـذّاب نامیده شد، عربی بود به نـام مُسَیْلَمه. او در آغاز، مسلمان شد، ولی سپس ادعای پیغمبری کرد و نامه ای بدین مضمون برای پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرستاد:

«از مسیلمه رسول اللّه به سوی محمد رسول اللّه سلام علیك. بدان که من با تو در پیغمبری شریک هستم. حکومتِ نصف زمین از آن من و نصف دیگر آن از آن قریش. تا آخر نامه.»

پیغمبر اسلام در جواب چنین نوشت:

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

از محمد رسول اللّه به مسیلمه کذاب. سلام بر کسی که راه حق را پیروی کند. زمین از

نخستین کذاب در اسلام (۱۰۳)

ص:۱۰۳

آن خداست و به هرکس از بندگانش بخواهد می دهد. سرانجام نیک، از آن مردم با تقواست و بس.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله از دنیا رفت. مسـیلمه کارش بالا گرفت. تعصب عشـیره ای و منطقه ای که در عرب فراوان می باشـد، موجب شـد که در میـان افراد عشـیره اش و اهـالی مرز و بومش، پیروان بسـیاری پیـدا کنـد. سـرانجام در زمان حکومت ابوبکر به دست مسلمانان کشته شد.

(۱۰۴) ملکه گمشده

ص:۱۰۴

عذاب اقوام به دلیل تکذیب حقایق

پس از شناخت اقوام تکذیب کننده روزگار، عذاب هایی را که به سبب کذبشان دچار شدند، مورد توجه است.

خدا در قرآن فرموده است: من به کافران مهلت دادم و آنگاه آن ها را فروگرفتم و عقوبت من چگونه بود؟ چه بسیار قریه های ستم پیشه ای را که هلاک کردیم و سقف هایشان فروریخت و چه بسیار چاه ها که بیکار مانده (خشک شده) و قصرهای رفیع گچ کاری شده، بی صاحب. (۱)

دیگر این که از اینان کس نبود مگر آن که عذاب من زمانی که پیامبران را تکذیب

عذاب اقوام به دلیل تکذیب حقایق (۱۰۵)

ص:۱۰۵

۱- ۴۵ / حج ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

کردند، واجب شد، (۱) اینان نیز جز بانگ سهمناکی انتظار ندارند چنان که آدمی را دیگر بازگشت نباشد. (۲)

خداوند سبحان عذاب قوم نوح را این چنین تعریف می کند: ما نیز درهای آسمان را به روی آبی که به شدت می ریخت گشودیم (۳)و از زمین چشمه ها شکافتیم تا آب به آن مقدار که مقدر شده بود گرد آمد.(۴) و در عذاب قوم عاد می فرماید: ما بر آن ها در روزی نحس و طولانی بادی سخت فرستادیم که مردمان را از زمین همانند ریشه های از جای کنده نخل، برمی کند(۵)و بر قوم ثمود نیز خداوند، آوازی سهمناک فرستاد که همانند علف های خشک آغل گوسفند شدند (۶) و بر قوم لوط نیز تندبادی که ریگ ها را

۱- ۱۴ / ص ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۱۵ / ص ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۱۲ / قمر، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۴- ۱۳ / قمر، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۵- ۲۰و۲۱/قمر، عبدالمحمدآیتی،نشرسروش.

۶- ۳۲ / قمر ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

به حرکت درمی آورد فرستاد(۱)و سرانجام صبح گاهان و در اول روز عذابی پایدار و ثابت به سراغشان آمد. (۲)

کانچه جاهل دید خواهد عاقبت عاقلان بینند ز اول مرتبت

آثار دروغ

از واجبات قطعی خدا که بر آن پاداش و کیفر می دهد، از آن خشنود می شود و یا به آن خشم می گیرد، این است که اگر انسان یکی از صفات ناپسند را داشته و بدون توبه خدا را ملاقات کند، هرچند خود را به زحمت اندازد فایده ندارد و از آن صفات ناپسند این

است که با مردم به دو چهره ملاقات کند یا در میان آنان با دو زبان سخن بگوید. (۳)

۱- ۳۴ / قمر، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۳۸ / قمر ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۵۳، ص ۲۸۲ و ۲۸۴، وزیری .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ خالَفَتْ سَرِيرَتُهُ عَلانِيَتُهُ فَهُوَ مُنافِقٌ» کسی که نهان و آشکارش دوگونه باشد منافق است(۱) و خداوند در قیامت گنه کاران را در بدترین منزلگاه گردآورد و دست و پای آنها را با غل و زنجیر به گردنشان درآویزد چنان که سرهایشان به پاها نزدیک گردد، جامه های آتشین بر بدنشان بپوشاند، در عذابی که حرارت آن بسیار شدید است، جایگاهی که هرگز از آن خارج نگردند و برای اسیران آن غرامتی نپذیرند و زنجیرهای آن گسسته نمی شود، مدتی برای عذاب آن تعیین نشده تا پایان پذیرد و سرآمدی ندارد تا فرا رسد .(۲)

(۱۰۸) ملکه گمشده

از جمله مسائلی که مورد تکذیب واقع می شود چه در میان امم گذشته و چه در زمان حال، نفی رسالت پیامبران است و نفی دعوت پیامبر راستین در واقع نفی

ص:۱۰۸

۱- بحار، ج ۶۹، ص ۲۰۷ .

۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۰۹، صفحه ۲۰۸، وزیری.

سخنان خداست و اصولاً تکذیب پیامبر، تکذیب خداست.

در قرآن تعبیری آمده است که می فرماید چه کسی ستمکارتر از کسانی است که به خدا افترا می بندند؟! (۱)و در روز رستاخیز در حالی که شاهدان (پیامبران و فرشتگان) به عنوان ظالم بر آن ها لعنت می فرستند، بر پروردگارشان عرضه می شوند.(۲) در آیه دیگری نیز از تکذیب کنندگان پیامبر به ظالمان تعبیر کرده است. (۳)

در روزگار رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن قدر به او دروغ نسبت داده شد که ایستاد و خطابه ایراد کرد و فرمود: هر کس از روی عمد به من دروغ نسبت دهد، جایگاه او پر از آتش

آثار دروغ (۱۰۹)

ص:۱۰۹

۱- ۱۸ / هود، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۲، صفحه ۷۰۲، وزیری، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲.

۳- ۱۱۳ / نحل، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

است. (۱) و در آیاتی از قرآن نیز ایشان ناراحتی خود را از تهمت و دروغ بستن مردم این طور بیان می کند: گمان نکنید ما در برابر انبوه جمعیت شما تنها هستیم و این همه تهمت و دروغ شما چه در مورد ذات خدا و چه در برابر ما ، بدون پاسخ می ماند، هرگز، که تکیه گاه همه ما خداست و قادر است از بندگان مؤمن خود در برابر هرگونه دروغ و تهمت دفاع کند. (۲)

از جمله آثار کذب ، عدم رستگاری است، می فرماید: آنها که به خدا دروغ می بندند هرگز رستگار نمی شوند (۳)و در تفسیر آمده است (طبق این آیه و آیه قبل) آن ها که به

۱- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۱۰، ص ۴۳۰، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱.

۲- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، ج ۳، ص ۵۷۶، وزیری .

۳- ۶۹ / یونس ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

دروغ، به خـدا نسـبت اختیار فرزنـد را می دهند دو نوع مجازات دارند: ۱ هیچ گاه این دروغ و تهمت سـبب رسـتگاری آن ها نمی شود بلکه در بیراهه ها سـر گردان می شوند. ۲ بـا فرض این که مـدتی با این حرف ها مردم را اغفال کرده و از بت پرستی به نوایی رسـند ولی این بهره گیری موقت است و عذاب جاودان الهی در انتظار آن هاست. (۱)در آیات ۲۱ سوره انعام و ۱۱۶ سوره نحل نیز عدم رستگاری دروغگو آمده است.

اثر دیگر، دوری از هـدایت الهی است بـا این تعـبیر که: خـدا اسـراف کـار بسـیار دروغگـو را هـدایت نمی کنـد (۲)، یا، خـدا دروغگو و کفران کننده را هدایت نمی کند. (۳)

۱- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۲، صفحه ۶۴۶، وزیری .

۲- ۲۸ / غافر، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۴۵ / یونس ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

یکی دیگر از آثار دروغ ، خسران است که، آن هایی که دیدار با خدا (معاد و روز قیامت) را دروغ پنداشتند زیان کردند(۱)[چون بالاخره قیامت ناگهان فراخواهد رسید و این ها به خاطر کوتاهیشان حسرت خواهند خورد و بار گناهان خویش را بر دوش می کشند [و در جایی دیگر، افرادی که شعیب را به دروغگویی نسبت دادند زیان کار معرفی کرده است (۲)که به سبب این عملشان، یکباره و بدون اطلاع قبلی، دچار عذاب الهی و زلزله ای سخت شدند. و در آیه دیگر آمده است، آن ها که دیدار با خدا را دروغ می انگاشتند زیان دیده اند و هدایت نیافته اند(۳)[چون خودشان به خود ستم کرده اند و روزی که خداوند آن ها را در محشر گردمی آورد مثل این است که تنها ساعتی از روز را آرمیده اند و دچار عذاب جاوید خواهند شد] .

(۱۱۲) ملکه گمشده

ص:۱۱۲

۱- ۳ / زمر، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۹۲ / اعراف ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۹۵ / یونس ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

به علاوه، عذاب های مختلفی در انتظار آن هاست که این عذاب ها از جایی که نمی دانستند به آن ها خواهد رسید:

خدا آنان را به کیفر گناهانشان بازخواست کرد و عقوبت خدا شدید است(۱)

کسانی که کافر شوند و آیات خدا را تکذیب کنند اهل جهنمند و جاودانه در آن خواهند ماند.(۲)[گاه از این تکذیب کنندگان به اصحاب النار و گاه به اصحاب الجحیم تعبیر شده است] .

آن ها که آیات ما را تکذیب کنند، کران و لالان در تاریکی ها هستند. (۳)

۱- ۱۱ / آل عمران، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۳۹ / بقره ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۳۹ / انعام، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

(در تفسیر آمده است این ها از نعمت شنوایی، بینایی و گویایی محرومند چون در ظلماتی قرار دارند که چشم کار نمی کند و قادر به شنیدن کلام حق نیستند و نیز نمی توانند به گفتن حق لب بگشایند و به دلیل ظلمتی که آن ها را احاطه کرده نمی توانند طریق حق و باطل را تشخیص دهند و این ها همه عذابی است به کیفر تکذیب آیات خدا و کران این گروه غیر از لال ها هستند که کران عموما کسانی بودند که به دلیل تقلید کورکورانه از بزرگان خود قادر به شنیدن دعوت حق نبودند و لال ها، همان بزرگانی بودند که مردم به فرمان آن ها گوش فرامی دانند و اگر مردم را به حق دعوت می کردند می پذیرفتند اما به خاطر عناد تکذیب کردند و هر دو گروه در ظلمت مشترکند) (۱)

(۱۱۴) ملکه گمشده

درتأیید این مطلب آیه ۲۸سوره غافرمی فرماید: «اِنَّ اللّهَ لایَهْدی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذّابٌ»

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۷، صفحه ۱۳۰، وزیری .

و کذاب طبق فرموده امام باقر کسی است که ذات و طبیعت او به دروغ آمیخته باشد.

درهای آسمان بر روی کسانی که آیات ما را تکذیب کرده اند و از آن ها سربرتافته اند گشوده نخواهد شد مگر این که شتر از سوراخ سوزن بگذرد [کنایه از امری محال است] و مجرمان را این گونه کیفر می دهیم.(۱)

اعمال آنان که آیات ما را و دیدار قیامت را دروغ انگاشتند، حبط شد (از بین رفت) .(۲)

آنان را که آیات ما را دروغ انگاشتند، از راهی که خود نمی دانند به تدریج خوار می سازیم. (۳) [در این آیه سخن از مبتلاشدن به "استدراج" الهی است که این عذاب

آثار دروغ (۱۱۵)

ص:۱۱۵

۱- ۴۰ / اعراف ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۱۴۷ / اعراف ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- ۱۸۲ / اعراف ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

خداست اما در واقع و ظاهر شاید نعمت به نظر برسد به همین دلیل افرادی که مبتلا به این عذابند متوجه عذاب بودن آن نمی شوند مثلاً ممکن است در انواع نعمات غوطه بخورند اما در واقع برایشان نقمت باشد و نمی فهمند] .

کسانی که کفر ورزیده اند و آیات ما را دروغ شمرده اند برایشان عذاب مُهین (عذابی خوارکننده) است .(۱)

ما برای کسانی که قیامت را دروغ انگارند، آتش سوزان (سَعیر) آماده کرده ایم . (۲)

(۱۱۶) ملکه گمشده

غل ها به گردن تکذیب کنندگان می اندازند و با زنجیر آن ها را می کشند در آب جوشان، سپس در آتش افروخته شوند [این بدان سبب است که به ناحق در زمین

ص:۱۱۶

۱- ۵۷ / حج ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- ۱۱ / فرقان ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

شادمانی می کردند و به ناز می خرامیدند].

آن ها که بر خدا دروغ بستند مثلاً برای او شریکی قائل شدند و ادعای وجود فرزند او را کردند (به طوری که فرشتگان یا مسیح را فرزند خدا شمردند)، در قیامت روی سیاه دارند که این روسیاهی نشانه ذلت آن هاست چون در عرصه قیامت، اسرار نهان، بروز و اعمال، تجسم پیدا می کند و حال درونی آن ها که تیرگی است به چهره هایشان منتقل می گردد. (1)

کافران، سخن راستی را که بر آن ها وارد شده بود، دروغ شمردند پس کارشان پریشان و شوریده شد. (2)

آثار دروغ (۱۱۷)

ص:۱۱۷

۱- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۴، صفحه ۷۰۶، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

۲- ۵ / ق ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

و بالاخره در آیه ای از دروغگو نه با لفظ کَذّاب یا کاذِب بلکه با لفظ (خَرّاصُّون) تعبیر شده است و مرگ را برای آن ها آرزو می کند که «قُتِلَ الْخَرّاصُونَ»(۱)مرگ بر دروغگویان .

امام صادق علیه السلام : دروغگو ملعون است «اَلْحائِکُ مَلْعُونٌ» که حائِک به معنی بافنده است و منظور دروغگو می باشد.

امام محمد باقر علیه السـلام «یا اَبَاالنُّعْمانِ لا تَکْذِبْ عَلَیْنا فَتُسْلَبِ اَلْحَنیفِیَّهَ» ابونعمان بر ما دروغ مبند، که فطرت انسانی ات گرفته خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام «یَنْبَغی لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ، اَنْ یَجْتَنِبَ مُؤاخاهَ الْکِذْبِ، فَاِنَّهُ

۱- ۱۰ / ذاریات ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

يَكْذِبُ حَتّى يَجى ءَ بِالصِّدْقِ فَلا يُصَدَّقُ»(1) کسی که خود را مسلمان می داند شایسته است که از سر و کار داشتن با دروغ بپرهیزد، زیرا دروغ کارش را به جایی می رساند که سخن راستش را کسی باور نکند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اِنَّ الْمُؤمِنَ اِذا کَذَبَ بِغَیْرِ عُذْرٍ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفِ مَلَکٍ وَ خَرَجَ مِنْ قَلْبِهِ نَتْنٌ حَتّی یَبْلُغَ الْعَرْشِ» (2) مؤمن هرگاه بدون عذر دروغ بگوید هفتاد هزار ملك لعنتش می کنند یعنی از خدا می خواهند که از رحمت خود دورش سازند و نیز بر اثر دروغ بوی نامطبوعی از قلبش بیرون می آید که جهان را پر می کند و

می رود تا به عرش خدا برسد.

حضرت علی علیه السلام : کار دورغ گو به جایی می رسد که یک سر سوزن راستی

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۴۱ .

۲- محمد بن محمد سبزواری، جامع الاخبار، ص ۴۱۷.

در قلبش نمی ماند، در این موقع از طرف مقام مقدس الهی کذّاب نامیده می شود.

امام صادق علیه السلام : «اِنَّ مِمّا أعانَ اللّه ُ بِهِ عَلَی الْکَذّابِینَ النِسْیان»(۱) از چیزهایی که خدا برای رسوایی دروغگویان کمک قرار داده فراموشی است و نیز فرمود: «اِنَ الْکَذّابَ یُهْلَکُ بِالْبَیِّناتِ و یُهْلَکُ أَتْباعه بالشبهات»(۲) کذاب از روی دانستن هلاک می شود و پیروان خود را از روی نادانی هلاک می کند.

آیا کسی که دروغ می گوید نمی داند خدا دارد او را می بیند؟!!(۳)

«فَسیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُکَذِّبینَ»(۴)

«پس در روی زمین ، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۴۱ .
۲- الکافی، ج ۲، ص ۳۳۹ .
۳- ۱۳ / علق ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .
۴- ۱۳۷ / آل عمران ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

(آیات خدا) چگونه بود؟»

و خداکسی است که عمل مفسدین رااصلاح نمی کند «یامَنْ لایُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدینَ»(۱)

«فَلا تُطِعِ الْمُکَذِّبینَ»(۲) حال که چنین است از تکذیب کنندگان اطاعت مکن .

چرا آلوده کذب و خیانت می کنی خود را چون بیش وکم نمی گردد حیات،از سال دزدیدن(۳)

ویژگی دروغگویان

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ، در خطبه ای خصوصیات افرادی که مدعی دروغین قضاوت هستند را به این صورت بیان فرموده است: در میان مردم با نام قاضی به داوری می نشینند و حل مشکلات دیگری را به عهده می گیرند، اگر مشکلی پیش آمد با

ویژگی دروغگویان (۱۲۱)

۱- دعای جوشن کبیر .

۲- ۸ / قلم ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۳- صائب تبریزی، دیوان .

حرف های پوچ و توخالی و رأی و نظر دروغین آماده دفع آن می شوند، و عنکبوتی را می مانند که در شبهاتِ تار خود چسبیده اند و نمی دانند درست حکم کرده اند یا برخطایند؟ اگر بر صواب باشند می ترسند که خطا کرده اند و اگر بر خطایند امید دارند که رأی آنها درست باشد. (۱)

در این خطبه دروغگو را به عنکبوت تشبیه کرده است که در شبهاتِ تار خود تنیده است. در آیه ای از قرآن او را به حِمار (الاـغ) تشبیه می کند که کتاب هایی بر روی خود حمل می کند مثل کسانی که تورات بر آن ها تحمیل گشته و بدان عمل نمی کنند!(۲) و در آیه دیگر دروغگو را همچون سگ می داند که اگر به او حمله کنید زبان از دهان بیرون

۱- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۷، صفحه ۶۰، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱ .

۲- ۵ / جمعه ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

آورد و اگر رهـایش کنی نیز بـاز هم زبـان از دهـان بیرون آرد و می فرمایـد: «مَثَـل آنان که آیات را دروغ انگاشـتند نیز چنین است» .(۱)جـالب است بدانیـد داسـتان این آیه مربوط به بلعم بـاعوراست که علم بسـیار داشت و حتی جای پای جبرئیل را می دید اما به خاطر هوای نفس، حضرت موسی او را نفرین کرد و موسی از خدا خواست تا علم او را از او بازگیرد.

به هر حال دروغگو مجرم است (۲)و کوردل و بی بصیرت (۳) چون بر دل های دروغگویان (به دلیل رفتار شخصی خودشان) مهر خورده است به

ویژگی دروغگویان (۱۲۳)

ص:۱۲۳

۱- ۱۷۶ / اعراف، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

۲- ۴۰ / اعراف، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

۳- ۶۴ / اعراف، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

طوری که به دلایل روشن پیامبران ایمان نمی آورنـد و تکذیبشان می کنند.(۱) در حالی که «ما کَذَبَ الْفُؤادُ ما رَای» «قلب او (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بالطبع هر پیامبری) در آن چه دید هرگز دروغ نمی گفت» .(۲) «اِنَّما یَفْتَرِی الْکَذِبَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِایاتِ اللّهِ وَ اُولئِکَ هُمُ الْکاذِبُونَ» «تنها کسانی دروغ می گویند که ایمان به آیات خدا ندارند و دروغگویان واقعی آن ها هستند» .(۳)

گروه دیگر از افرادی که خداونـد به دروغگو بودن آنهـا شـهادت داده است، منافقـان هسـتند و در تفسـیر آمـده است نخستین نشانه نفاق، دوگانگی ظاهر و باطن است که با

۱- ۷۴ / یونس ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

۲- ۱۱ / نجم ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

۳- ۱۰۵ / نحل ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

زبـان مؤکـدا اظهـار ایمـان می کننـد ولی در دل آن هـا خبری از ایمـان نیست و آن ها نه فقط برای مردم سوگنـد دروغین می خورنـد بلکه طبق آیه ۱۸ سوره مجادله در محشـر نیز در پیشـگاه خداونـد باریتعالی، متوسل به دروغ می شوند، چون این عمل جزء بافت وجودیشان شده است! (۱)

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: نشـانه نفـاق سه چیز است ؛ هنگام سـخن دروغ می گویـد، هنگامی که وعـده می دهد تخلـف می ورزد و در امـانت خیـانت می کنـد، ایـن فرد منـافق اسـت اگر چـه روزه بگیرد و نمـاز بخوانـد و خـود را مسـلمان بداند.(۲) [البته استمرار این

ویژگی دروغگویان (۱۲۵)

ص:۱۲۵

۱- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۵، صفحه ۴۲۳ و ۴۲۴، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

۲- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۲، صفحه ۳۱۴، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

صفات، نشانه روح نفاق است.] (۱)

هـدف دروغگو بهانه گیری و شانه خالی کردن از زیر بار حق است و به دنبال عذر و بهانه می گردد و اهل توجیه (موجه جلوه دادن کارهایی که در آن ها کم کاری کرده است) می باشد. (۲)

نوع دیگر از دروغگویـان آن هـا هسـتند که دائمـا و بسـیار زیـاد برای هر کار کوچک و بزرگی قسم می خورنـد و معمولاً در سوگندهای خود صادق نیستند که طبق آیه ۱۰ سوره قلم: «وَ لا تُطِعْ کُلَّ حَلّافٍ مَهینٍ»، نباید از این گونه افراد اطاعت و پیروی کرد. (۳)

۱- فسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۲، صفحه ۴۹۹، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

۲- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۲، صفحه ۳۰۸، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

۳- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۴، صفحه ۴۲۳، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

همان طور که در مبحث آثار کـذب ذکر شـد، در عصـر دعوت حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله ، بسـیاری از مردم دعوت ایشان را با لفظ «ما هذا اِلّا اِفْکٌ مُفْتَری» دروغ می پنداشتند که این جز دروغ بزرگی که به خدا نسبت می دادند نبود و البته که در اشتباه بودند و در قیامت نیز به سبب تکذیبشان عذاب می چشند. (۱)

گرچه [این] فاسدان مفسد چنین می پندارند که با ظلم و دروغ و تقلب می توانند عزتی برای خود کسب کنند اما در پایان کار هم عذاب الهی را برای خود فراهم ساخته اند و هم تلاش های آنان بر باد می رود.(۲)

ویژگی دروغگویان (۱۲۷)

و این شیاطین هستند که بر هر دروغگوی گنه کار نازل می شوند، پس دروغگویان

ص:۱۲۷

۱- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۵، صفحه ۴۸۶، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

۲- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۴، صفحه ۳۹۷، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

مشتریان شیطانند که وجودی است مخرب و القائات او در مسیر فساد و تخریب است می باشد. (۱)

چون ملک ساخته خود را به پر و بال دروغ همه دیوند که ابلیس بود مهترشان(۲)

به همین علت است که اهل مجادله انـد و به خاطر حاکم بودن نفسانیات بر آن ها می خواهند حرف خود را به کرسـی بنشانند (۳) و برای توجیه کردن کارهایشان به دروغ های جدید متوسل می شوند.(۴)و امام صادق علیه السلام می فرمایند: نشانه

۱- تفسیرجوان، دکترمحمدبیستونی، جلد ۳، صفحه ۸۹۸، وزیری، (آیات ۲۲۱ و ۲۲۲ سوره شعراء).

۲- مثنوی .

۳- با توجه به آیه ۳۷ سوره هود، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش.

۴- با توجه به آیه ۱۷ سوره یوسف ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش.

کذابی که به دروغ ادعای یکی از مناصب الهی را می کند آن است که از آسـمان و زمین و مشرق و مغرب خبر می دهد ولی وقتی که از وی از حرام و حلال خدا بپرسی هیچ نمی داند. (۱)

و دروغگویان هنگامی که در صور دمیده شود می گویند وای بر ما چه کسی ما را از مرقدمان برانگیخت؟!(۲)

گویند: شراب جان فزا نیست دروغ (۳)

ویژگی دروغگویان (۱۲۹)

۱- الکافی، ج ۲، باب کذب، ص ۳۴۰.

۲- ۵۲ / یس ، ترجمه عبدالمحمد آیتی، وزیری، سروش .

۳- مثنوی .

چگونه از دروغ توبه کنیم ؟

حال که به قبح دروغ و اثرات آن واقف گشتیم باید این را نیز بدانیم که چگونه از دروغ توبه کنیم. مسلم است که تصمیم گرفتن به راست گویی اولین قدم است.

ابوذر از پیغمبر پرسید: توبه کسی که عمدا دروغ بگوید چیست؟ فرمود: «استغفار [البته می دانید که استغفار طبق فرموده امام علی علیه السلام ۶ مرحله دارد: ۱ پشیمانی از آن چه گذشت، ۲ تصمیم به عدم بازگشت، ۳ پرداختن حقوق مردم چنان که خدا را پاک دیدار کنی در حالی که چیزی بر عهده تو نباشد، ۴ تمام واجب های ضایع ساخته را به جا آوری ۵ گوشتی که از حرام بر اندامت روئیده با اندوه فراوان آب کنی چنان که پوست به استخوان چسبیده، گوشت تازه بروید ۶ رنج طاعت را به تن بچشانی که

ص:۱۳۰

شیرینی گناه را به آن چشانده بودی پس آن گاه بگویی استغفراللّه(۱)] و نمازهای پنج گانه آلودگی این گناه را پاک خواهد کرد» (۲)

(۱۳۰) ملکه گمشده

حکم فقهی دروغ

طبق رساله های عملیه مراجع از آن چیزهایی که روزه را باطل می کند، دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان ایشان است.

هم چنین دروغ، باطل کننده احرام حج است و گرچه دروغ غیر از موقع احرام

حکم فقهی دروغ (۱۳۱)

هم حرام است اما جزء ۲۵ موردی است که مُحرِم باید آن را ترک کند. (۳)

ص:۱۳۱

۱- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۱۷، صفحه ۷۲۸، وزیری، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱ .
۲- گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، وزیری، جلد ۱، صفحه ۲۸۶، نشر اسلامی، ۱۳۷۶ .
۳- تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، جلد ۱، صفحه ۲۶۲، وزیری، بیان جوان، ۱۳۸۲.

از شواهد حرمت استماع دروغ آیه ای است که می فرماید: «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»(۱)(که قول زور، سخن دروغ و باطل است) و طبق آیه «وَ الَّذینَ لا یَشْهَدُونَ الزُّورَ» نتیجه می گیریم که حتی نباید در مجلس معصیت و دروغ پراکنی حضور داشت.(۲)

و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اَلا اُخْبِرُکُمْ بِاَکْبرِ الْکَبائِرِ ، قَوْلِ الزُّورِ وَ عُقُوقِ الْوالِدَینِ وَ الْاِشْراکِ بِاللّه » «بزرگ ترین گناهان کبیره را به شما اعلام می دارم: شرک به خدا، نامهربانی به پدر و مادر، سخن دروغ» .(۳)

۱- ۳۰ / حج ، عبدالمحمد آیتی، نشر سروش .

۲- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۳- کتاب گناهان کبیره، آیه اللّه دستغیب، باب کذب، ص ۲۸۹، وزیری، ج ۱، اسلامی، ۱۳۷۶ .

انواع دروغ

انواع دروغ

هشتمین خلیفه پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله حضرت امام رضا علیه السلام از نیای بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که آن حضرت دروغ را لیسیدنی ابلیس خوانده است.(۱)

هر خوراکی که بسیار مورد علاقه باشد، لیسیدنی خواهد بود. در تعبیرات عامیانه می گویند: آن قدر خوب است که باید لیسیدش. خوراک خوش مزه و لذیذ را نه تنها می خورند، بلکه کاسه اش را نیز می لیسند.

ابلیس، آن قدر دروغ را مانند خوراک لیسیدنی دوست می دارد تا آن که آن را

لیسیدنی بشر قرار داده است، یعنی بشر را به دروغ گویی مشتاق ساخته. آری این نکته،

۱- بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷ .

قابل انکار نیست که بسیاری از افراد بشر، کاسه لیس ابلیس هستند و روزگارِ خود را در این دام شیطان به سر می آورند.

همان طور که لیسیدنی های مردم گوناگون است و هر کسی نوعی از خوراکی را بسیار دوست می دارد، دروغ هم گوناگون است و هر دروغ گویی با نوعی از دروغ سر و کار دارد. اختلاف دروغ ها بر اثر اختلاف دروغ گوهاست که هر یک با دیگری از نظر روحیه یا موقعیت یا وضع اقتصادی یا جهات خانوادگی یا تعصبات یا حرص جاه و مال یا محرومیت ها یا موفقیت ها یا شهر و دیار اختلاف دارند و به طور کلی همان طور که هر کسی با دیگری از نظر اوضاع و احوال و شرایط زندگی یکسان نمی باشد، دروغ هایی را که دروغ گو بدان عادت کرده است نیز یکسان نمی باشد.

در رفتار و کردار بعضی از افراد برای عوام فریبی، ریا کاری و تظاهر دیده می شود. علامت های ریاکار و تظاهر در گفته امیر المؤمنین قابل توجه است:

(۱۳۴) ملکه گمشده

ص:۱۳۴

در پیش مردم با نشاط است.

در تنهایی پژمرده و بی حال می باشد.

دوست دارد که همه کارهایش را بستایند. (۱)

۱ دروغ لافی

دروغ گویی که می پندارد با دروغ کسب حیثیت می کند، پیوسته دروغ هایی در افتخارات خود می بافد. او در سخن پز می دهد، خود را از خاندانی بزرگ و نامی معرفی می کند و مدایح بسیاری در وصف پدر و مادر و نیاکانش می گوید یا آن که دم از ثروت سرشار و مال و منال بی شمار می زند یا آن که دم از علم و دانش می زند و خود را سرآمد دگران ادعا می کند و بالاخره هر دروغ گویی که فاقد چیزی است که داشتن آن را

ص:۱۳۵

۱- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۸۸.

شرف و آبرومی دانـد، به کمک دروغ می خواهـد خودرا واجـدآن بنمایاند،غافل از آن که لاف در نظر خردمندان، هیچ گونه تأثیری ندارد و لاف زدن را از آن چه که هست، کوچک تر و پست تر معرفی می کند.

۱ بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۸۸.

انواع دروغ (۱۳۵)

۲ دروغ در فقر

آن که خواستار جلب عواطف و کمک دیگران می باشد، به دروغ ادعای فقر می کنـد، از زندگی خویش شکایت می کند، گـدایی می کنـد، در وصف پریشانی خویش داد سخن می دهـد و روضه زن و فرزند می خواند، شاید بهره ای برگیرد، شاید مهری از خود در دل هـا جـای بدهـد و رحمتی را برانگیزد ؛ این گونه دروغ گوهـا اضافه بر دروغ گویی، دارای پستی طبع نیز می باشـند. چه بسا در میان اینان، سرمایه داران و ثروتمنـدانی نیز یافت شونـد، ولی گدا طبعی آن ها سبب می شود که از این وسیله نامشروع نیز دست برندارند و بر ثروت خویش بیفزایند.

(۱۳۶) ملکه گمشده

ص:۱۳۶

پول داران این دسته، ثروت خود را مخفی می دارند، مبادا بیچارگان فامیل، بینوایان و دوستان از آنان توقع همراهی داشته باشند، لذا اینان به ناداری تظاهر می کنند.

عده ای از تظاهر به فقر، نظر دیگری دارند و آن این است که از شورچشمی مردم محفوظ بمانند. این عادت، در میان بیش تر کسانی که به سبک قدیم فکر می کنند، بیش تر یافت می شود .

۳ دروغ در کسب و کار

بسیاری در کسب و کار خود، دروغ می گویند. اینان چنین می پندارند که بدین وسیله، سود بیش تری می برند و با این گمان باطل، خود را آلوده به گناه می کنند و مال حلال خود را تبدیل به حرام می کنند. دروغ گویان در کسب و کار، چند قسمند:

عده ای کم فروشی می کنند یا اندازه های خود را کم تر قرار داده اند یا از مقداری که خریدار خواسته، کم می کنند، ولی بها را به همان اندازه ای که

خریدار خواسته، می گیرند.

قرآن می گوید: «وَیْلٌ لِلْمُطَفِّفینَ» وای بر مطفّف ها. (۱) آن گاه خود معنای مطفف را روشن می کند: او کسی است که جنسی را که برای فروختن می کشد، کم می گذارد، ولی هنگامی که می خرد بی کم و کاست، تحویل می گیرد.

قرآن، این دسته را از روزی بزرگ می هراساند، روزی که همه مردم در برابر پروردگار می ایستند و بایستی حساب هر چه کرده و هر چه برده و هر چه خورده اند، پس بدهند.

عده ای تقلّب می کنند و جنس آمیخته و مخلوط را به نام خالص به مشتری می دهند: در شیر، آب کرده و به نام شیر خالص جامی زنند، پارچه پشمی و نخ را به نام پشم اندر

۱- ۱ / مطفّفین، عبدالمحمدآیتی، نشرسروش.

پشم می فروشـند، چـایی بـد را در چـایی خوب داخـل کرده و به نام چایی خوب به مشتری می دهنـد، طلای چهارده را به نام طلای هیجـده قالب می کنند، در میان کیسه برنج اعلا، برنج متوسط می گذارند و در روغن، چه می کنند. فطرت انسان از این گونه کارها بیزار است. این گونه دروغ در زبان اسلام «غَش» نامیده شده. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر کس در خرید یا فروش با مسـلمانی غش کند، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور خواهد شد، زیرا بسـیاری از یهودی ها، پرغش ترین خلق با مسلمانان می باشند.

سومین نوع دروغ در کسب و کار، آن است که جنس بـدی را در ظاهری فریبنـده بیارایند و تحویل خریدارش بدهند، خانه ای است که از پای بنـد ویران است، رنگ آمیزی اش می کننـد و سـر و صورتی بدان می دهند تا خریدار گول بخورد و آن را به جای خانه ای استوار و محکم بخرد.

انواع دروغ (۱۳۹)

ص:۱۳۹

دسته ای در قیمت خرید جنس، دروغ می گویند: اگر ارزان خریده باشد، گران خریدش گوید. این گونه معامله، قطع نظر از دروغ، خالی از اشکال هم نیست .

درست کاری و خوش خلقی کاسب، بهترین وسیله برای پیشرفت کسب است. چنین کسی به زودی شناخته می شود. در این هنگام، مشتری از راه دور خواهد آمد و از کنار فروشندگان مشابه خواهد گذشت و به سراغ فروشنده درستکار خوش اخلاق خواهد رفت تا کالای او را بخرد.

۴ دروغ در سیاست

کوته نظران چنین می پندارند که سیاست با دروغ، همراه است و دروغ گویی با مردم، نشانه سیاستمداری است.

دروغ در سیاست، کارش به جایی رسیده که درباره سیاستمداران، چنین می گویند: دو نفر سیاستمدار که با یکدیگر سخن می گویند، هر دو به هم دروغ می گویند و

(۱۴۰) ملکه گمشده

ص:۱۴۰

هر دو می داننـد کـه دروغ می شـنوند و هر کـدام می داننـد کـه دیگری می دانـد کـه دروغ می شـنود و هر دو از این دانسـتن یکدیگر هم اطلاع دارند .

آیا این هم شـد زنـدگی؟ مرده باد این گونه زنـدگی که پایه اش بر دروغ نهاده شـده است. از هیتلر، نقل شده که مردم، دروغ بزرگ را زودتر از دروغ کوچک می پذیرند!

بنـابراین منطق، مرد سیاسـی بـایستی به ملت دروغ بگویـد، به هم پیمان دروغ بگویـد، به دوست دروغ بگویـد، به بیگانه دروغ بگوید، به زن و فرزند دروغ بگوید. آیا به خودش هم دروغ می گوید ؟

آیا چنین کسـی می تواند اعتماد ملت را به خود جلب کند؟ اینان اشـتباه می کنند، زیرا بهترین سیاسـتمدار کسی است که بهتر بتوانـد اعتماد عمومی را جلب کنـد و جلب اعتماد جز با راستی و درستی محقق نخواهـد شـد. اعتماد که پیـدا شد، هر مشـکلی حل می شود، بلکه مشکلی پیدا نخواهد شد .

انواع دروغ (۱۴۱)

ص:۱۴۱

۵ دروغ در عشق

در این زمان، کسی که در پی صورتی زیبا بیفتد و در برابر این تمایلات جنسی خود، نتواند مقاومت کند، خود را عاشق می خواند، غافل از آن که این، شهوت رانی است نه عشق.

گواه بر این سخن دو چیز است:

یکی آن که همین آقای عاشق، اگر پری روی دیگری را ببیند به او نیز دل می دهد، بلکه اگر از یارش زیباتر و برازنده تر باشد و نتواند از هر دو بهره برداری کند، از یار دست برمی دارد و به دلدار تازه می پیوندد. عاشق و معشوقی که هر دو، دم از عشق می زنند، چرا در مجالس عیش و نوش، هر کدام، یاری دیگر برمی گزینند، بلکه یارهایی دیگر، با آن ها گل می گویند و گل می شنوند.

عاشق کسی است که جز چهره زیبای یار، پری رخ دیگر را نمی بیند، او

(۱۴۲) ملکه گمشده

دل بلهوسِ هرجایی ندارد. او جز دوست چیزی نمی خواهد. هوسبازی را عشق نامیدن دروغ است و خیانت .

دیگر آن که بیش تر ازدواج هایی که از این عشق اصطلاحی پیدا شده، طولی نکشیده که به سردی گراییده است. روزنامه ها کاریکاتور سیر این عشق و ازدواج را در چند تصویر کشیده اند و گاه کار به جایی می رسد که دو همسر از هم جدا می شوند، بلکه دوستی میان آنان تبدیل به نفرت می شود، و به ویژه در بسیاری از مردان که از زنان بی وفاتر می باشند.

غریزه مرد که سیر شد، عشقش تمام می شود. اگر آمار طلاق امروز تهران را با آمار طلاق نیم قرن پیش مقایسه کنیم، طلاق آن روز، شاید از یک صدم طلاق امروز کم تر بشود. علت اصلی افزایش آمار طلاق بی توجهی به آیات قرآن در موضوع ازدواج می باشد. ازدواج های بی دوام، ارمغانی است که از فرنگ به ایران آمده است. آمار طلاق

در اروپا و آمریکا به طرز سرسام آوری بالا می رود با آن که طلاق تحت اختیار محکمه می باشد.

انواع دروغ (۱۴۳)

آری شهوت رانی را عشق نام نهادن نیز از سوغاتی های فرنگ است، چنان که ناموس پرستی را حسد نام نهادن و بی غیرتی را خوش قلبی گفتن، بایستی از دروغ های غربیان شمرده شود.

۶ دروغ های تعصّبی

تعصّب، طرف داری کردن از کسی یا چیزی است، از نظر آن که بستگی به خود شخص دارد. از عقیده ای طرف داری کردن، چون خود بدان معتقد است و به کمک ظالمی شتافتن، چون خویش است یا دوست گرمابه و گلستان است و شهر و دیار خود را بهترین شهر و دیار دانستن، همگی از مصادیق تعصب می باشد.

تعصب گاه بسیار بسیار مخفی است، به طوری که خود تعصب ورزنده هم

می پنـدارد که روی حق و حقیقت قـدم برمی دارد، نه از روی تعصب. فداکاری در راه حق، وقتی زیباست که برای حق باشد، نه برای خلق. تعصب های دینی قیمتی ندارد، بلکه گاه زیان خواهد داشت.

(۱۴۴) ملکه گمشده

آخریـن هـدف در همه تعصب هـا، من است. این عقیـده من است. این روش من است. این برادر من است. این هم شـهری من است. این هم کیش من است. از همه این ها پشتیبانی می کند چون از آنِ اوست. آخرین هدف در حقیقت خواهی، حق است. این عقیـده، حق است. این روش، حق است. این برادر، حق می گویـد. این دشـمن، حق می گوید. این خویش، حق می گوید. آن بیگانه هم حق می گوید. از همه این ها پشتیبانی می کند، چون حق است.

متعصب و خودپسـند می گویـد: چـون من گفته ام، پس صـحیح است. حـق جوی می گویـد: چون صـحیح است، پس من می گویم. آن می گوید: همه چیز در راه من. این می گوید : من در راه حق.

انواع دروغ (۱۴۵)

ص:۱۴۵

متعصب در راه مورد علاقه خود، از هیچ گونه گفتار و رفتاری دریغ نمی کند، حتی از دروغ گفتن هم دریغ نمی کند.

پاره ای از مستشرقان متعصب در کتاب های خود، دروغ ها گفته و به اسلام تهمت ها زده اند تا از مسیحیت دفاع کرده باشند.

پاره ای از مورخان برادران اهل سنت ما، در تاریخ دروغ هایی آورده اند تا وضع دستگاه حاکمه را حفظ کرده و از پیشرفت مذهب اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله جلوگیری کنند.

داستان های سیف بن عمرو، ابوحیان توحیدی گواه بر این سخن است. کتاب هایی که اخیرا در مصر چاپ می شود، در آن تحریف می کنند و حقایقی را از آن اسقاط می کنند و شاید هم این روش را از بعضی از مطبوعات مسیحی آموخته باشند.

(۱۴۶) ملکه گمشده

ص:۱۴۶

۷ دروغ های ملّی

شنیـدم پاره ای از مورخان یونان قـدیم، برای بزرگ جلوه دادن ملیت خود، عدد سپاهیان خشایار شاه را، هنگام حمله به یونان پنج میلیون تن نوشـته اند، در صورتی که با وسایل حمل و نقل آن روز و وضع خواربار، حرکت دادن ارتش یک میلیون نفری در آن روز محـال بوده است. مورخـان ترک، برای آن که شـکست ایلـدرم بایزیـد را از تیمور، موجه جلوه بدهنـد، عـدد سـپاه تیمور را بسیار بیش تر از سپاه بایزید نوشته و چند برابر آن چه بوده، قلمداد کرده اند، در صورتی که محققان می نویسند: سپاه تیمور، از سپاه ایلدرم کم تر بوده و صف سپاه بایزید، از صف تیمور درازتر بوده است.

جلال الدین خوارزمشاه با یکی از سـلاطین سـلجوقی به جنگ پرداخت. دو مورخ در دو سـپاه بودند و کتاب هر دو در دسـت است. هرکدام جریان جنگ را به سود امیر خود نوشته اند، گویی دو جنگ بوده است.

انواع دروغ (۱۴۷)

ص:۱۴۷

۸ دروغ در شهادت

شهادت وقتی است که چیزی به چشم دیده و یا به گوش شـنیده شده باشد و اگر آن چیز، دیدنی یا شنیدنی نیست و از صفات معنوی می باشد، بایستی آثار آن، دیده یا شنیده و به طور کلی با یکی از حواس، ادراک شده باشد .

در غیر این صورت، یعنی اگر کسـی به چیزی دیدنی شـهادت بدهد که آن را ندیده، یا به چیزی شنیدنی شهادت بدهد که آن را نشـنیده و در صورتی که خود آن چیز دیـدنی و شـنیدنی نیست، آثـارش را به حس درک نکرده باشـد، این گونه شـهادت، شهادت دروغ خواهد بود. از رسول خدا صـلی الله علیه و آله نقل شده که کسـی که شهادت دروغ بدهد، با بت پرست مساوی می باشد.

(۱۴۸) ملکه گمشده

ص:۱۴۸

۹ به دروغ خدا را گواه گرفتن

خـدا را به دروغ شاهـد گرفتن، یکی از زشت ترین و قبیـح ترین دروغ هاست. اضافه بر این، بی احترامی نسـبت به مقام مقدس ربوبی می باشد که از بی شرمی و بی حیایی ریشه می گیرد.

از عیسای مسیح علیه السلام نقل است که حضرتش، این کار را پیش خدای، اعظم گناهان دانسته است. در بعضی روایات نقل شده که خدا این دروغ گو را مخاطب قرارداده و می فرماید:

از من ضعیف تر نیافتی که مرا بر این دروغ، گواه گرفتی ؟

۱۰ دروغ در نقل وقایع

گوینـد: یکی از دانشـمندان فرنـگ، سالیـان درازی رنـج برد تـا تـاریخی برای ماقبـل تاریـخ بنویسـد، حتی برای آن که فکرش آسوده و از شلوغی بر کنار باشد، از شهر خارج

انواع دروغ (۱۴۹)

ص:۱۴۹

شـده و در کنـاری منزل گزیـد و به نوشـتن ادامه داد. روزی در همان جا در برابر چشـمش واقعه ای رخ داد، وقتی که به شـهر آمد، همان واقعه را چندین گونه از مردم شنید. او با خود اندیشید که این واقعه ای است که در این زمان در برابر چشم من رخ داده، هر کسـی آن را جوری نقل می کند، پس نوشـتن تاریخ ماقبل تاریخ چگونه خواهد بود؟! سپس نوشته های خود را نابود کرد.

داستان یک کلاغ و چهل کلاغ از امثال یا افسانه های معروف زبان فارسی است.

به طور کلی وقـایعی که در سـرگذشت هـا نقـل شـده، اگر کسـی در تاریـخ به دقت مطـالعه کنـد، بسـیار در میان آن ها دروغ خواهد یافت.

به عنوان مثال می توان به واقعه تاریخی زیر اشاره کرد:

جنگ اُحُد به پایان رسید. دندان مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله با سنگ جفا بشکست. حمزه عموی آن حضرت شهید شد. پیکر علی علیه السلام جراحت ها و زخم هایی برداشت که فتیله در

آن ها به کار می رفت.

مُغیره بن عاص از دشمنان سرسخت پیغمبر اسلام بود و به دروغ ادعا می کرد که شکننده دندان مقدس رسول با سنگ او بوده و کشـنده حمزه، عموی پیغمبر، او بوده است. یکی دو سال گذشت و مغیره دگرباره با قوای متحده عرب به جنگ رسول آمد، قریش و عشایری چنـد برای نابودی اسـلام دست اتحاد داده بودنـد و به سوی مـدینه هجوم آوردند. این جنگ در تاریخ به نام غزوه خندق نامیده شده است.

خدا در این جهاد، مسـلمانان را پیروز گردانید و کفار شکست خوردند و مراجعت کردند. در هنگام بازگشتن، مغیره را خواب در ربود، وقتی که از خواب بیدار شد، یاران رفته بودند. مغیره تنها ماند و خود را در خطر لشکر اسلام دید. با خود اندیشید که بهتر آن است، داخل مدینه شود و به خانه برادر زاده اش عثمان برود.

از پیراهن، نقابی ساخت تا شناخته نگردد و به خانه عثمان رفت. در این موقع

ام کلثوم دختر رسول خدا از خدیجه همسر بزرگوار آن حضرت در خانه عثمان بود. عثمان با ام کلثوم پس از مرگ خواهرش رقیه، ازدواج کرده بود.

عثمان به حضور مقدس رسول شرفیاب شده و پرسید: شما به عموی من مغیره، امان داده اید؟ پیغمبر تکذیب فرمود و روی خود را به سوی دیگر کرد. عثمان از آن سو آمد و پرسش خود را تکرار کرد. دوباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله تکذیب فرمود و چهره مبارک را برگردانید. آن گاه فرمود: تا سه روز به او امان دادیم.

مُغیره در این سه روزی که در پناه پیغمبر بزرگ می زیست، از کرده ها و گفته ها پشیمان نشد و دست از دشمنی با رسول برنداشت. سه روز گذشته بود که او از مدینه بیرون رفت و در بیابانی واماند. جبرئیل جایگاه او را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد.

زیدبن حارثه و زبیر از مدینه خارج شدند و به سراغش رفتند. زید به خونخواهی برادر خوانده اش حمزه، او را بکشت.

(۱۵۲) ملکه گمشده

ص:۱۵۳

۱۱ دروغ شاخدار و دروغ بی شاخ

دروغ شاخدار، دروغی است که دروغ بودنش آشکار است و هر کسی که بشنود، بدان پی می برد، چنان که می گویند: دروغ که از دور می آید یک پایش می لنگد. شاید منظور از این مثل همان دروغ شاخدار باشد.

دروغ بی شاخ در برابر دروغ شاخدار است و مقصود از این اصطلاح، دروغی است که نهانی باشد و کم تر به دروغ بودنش پی برده شود؛ دروغ گو وضع مخصوصی به خود بگیرد، سخنش ضمایمی داشته باشد که شنونده نتواند، دروغش را تشخیص دهد، مگر آن که خیلی زیرک باشد، یکی از واضعان حدیث می گوید: حدیثی جعل کردم و در مجلس علمای بغداد خواندم، در صورتی که عددشان به چهل می رسید، همگی تصدیق کردند، تنها یک تن آن ها به دروغ بودن حدیث و مجعول بودنش پی برد.

۱۲ دروغ روزنامه ای

ناپسندی دروغ، اختصاص به زبان نـدارد. دروغ گناه است خواه از زبان بیرون آید، و خواه از سر خامه تراوش کند و نوشتنی باشد.

دروغ نوشته، از جهتی از دروغ گفته، زشت تر می باشد، زیرا دایره عملش از نظری وسیع تر است. دروغ گفتنی، فقط یک دم است و سپس نابود می شود، ولی دروغ نوشتنی می ماند.

دروغ زبان، ویژه همان چند تنی است که می شنوند، ولی دروغِ قلم به همه جا می رود و همه کس آن را می خواند، به ویژه اگر در روزنامه های پرتیراژ باشد.

روزنامه نگارِ درست گو و درست نویس، بایستی خود را از خطر پخش دروغ و نشر اکاذیب، دور نگه دارد. خبرنگاران، بایستی کوشش کنند که خبر راست و صحیح برای روزنامه خود بفرستند. خبرنگار اگر دروغ گزارش دهد، روزنامه نگار اگر دروغ پخش

ص:۱۵۴

کند، قطع نظر از دروغ نویسی که خود گناهی است بزرگ، پولی که در برابر آن می گیرند پولی پلید خواهد بود و مانند پول دزدی است، آن هم دزدی با نیرنگ.

(۱۵۴) ملکه گمشده

شاید برخی از ارباب جراید، نخواسته باشند دروغ بگویند، ولی حقایق را با افکار خود تطبیق می کنند و اوضاع و احوال را به ضمیمه حدس خود، در نظر می گیرند یا برنامه های خصوصی زندگی کسی را که مورد نظر است، پیش خود با وضع او تطبیق می کنند، آن وقت به طور قطعی و صریح خبر می دهند.

پاره ای از ارباب قلم در لقب هایی که برای اشخاص می گذارند، دوستی و دشمنی را در نظر می گیرند، گاهی کاه را کوه می کنند، گاهی کوه را کاه ؛ مدح و ستایشی که از کسی می کنند، روی ایمان نمی باشد، بلکه روی حسابی است که با او دارند.

انواع دروغ (۱۵۵)

ص:۱۵۵

۱۳ دروغ در کتاب

دروغ های کتابی، شاید از دروغ روزنامه ای زشت تر باشد، زیرا مردم در کتاب، کم تر احتمال دروغ می دهند، در نتیجه از دروغ کتابی بیش تر گمراه می شوند. کتاب، خزانه تحقیق است. روزنامه، خزانه خبر است. پس دروغ در کتاب بیش تر گول می زند، پس ناپسندتر خواهد بود، به ویژه کتابی که برای شناساندن مردان تاریخ نوشته شده که اکنون به نام تراجم احوال نامیده می شود.

دروغ گویی جدش را که اصلاً اهل دانش نبوده است، به یکی از دانشمندان بنام معرفی کرده و برای او تألیفاتی جعل کرده است و برای یکی از محققین بزرگ معاصر فرستاده تا در کتاب پرارزش خود آن را درج کند. خوشبختانه این دانشمند عالی قدر هر چه در کتابش آورده، مدارك آن را بیان کرده است.

دروغ گوی دیگر بر طبق مرور زمان، لقب های پدر خویش را بالا برده تا

(۱۵۶) ملکه گمشده

ص:۱۵۶

اخیرا به عالی ترین لقبش رسانیده است.

بی لیاقتی فرزند و دست خالی بودنش، موجب می شود که در عظیم قرار دادن پدر پس از مرگش بکوشد.

احمقی که به گمانم چنین پنداشته که دروغِ کتبی زودتر باور می شود، در حاشیه بعضی از کتاب ها نوشته است که تاکنون چندبار امیرالمؤمنین علیه السلام را با فرق شکافته دیده ام و خدمت امام زمان رسیده ام. دروغ گوی دیگری در پشت کتاب ها به خط خودش تقدیم مؤلف کتاب را به خود می نویسد و امضای مؤلف را مجعولاً پای آن می گذارد. کتاب های خطی را می خرد و در پشت آن ها می نویسد که از کتب خانوادگی است که به طور ارث از نیاکانش به وی رسیده است. در پشت کتاب های چاپی می نویسد که از اول تا به آخر این کتاب را خوانده ام و مطالعه کرده ام، سپس به کتابفروش می فروشد.

به طور کلی دروغ های نوشتنی انواع بسیار دارد که بر طبق اوضاع و

انواع دروغ (۱۵۷)

ص:۱۵۷

احوال دروغ گو تفاوت می کند.

۱۴ گزارش دروغ

دیگر از دروغ هـای نوشـتنی گزارش هـای دروغین به مـافوق خود می باشـد. گزارش مـأمور، بسـیار حسـاس است. نه تنهـا در سعـادت یـا بـدبختی یکی دو فرد تـأثیر دارد، گـاه ممکن است که بر اثر گزارش مأمور، کشوری نابود شود یا سـعادتی نصـیب مردمی گردد.

بازرس ها، کارآگاه ها، مأموران انتظامی به طور عموم و جاسوسان می توانند با گزارشـی که می دهند خود را رادمردترین فرد بشر قرار دهند و می توانند پست فطرت ترین مردم باشند.

گزارش دهنده باید بداند که اگر گزارش دروغین به زیان کسـی بدهد، نخست خود را بدبخت کرده، سپس مافوق خود را که به گزارش او ترتیب اثر

(۱۵۸) ملکه گمشده

می دهد سیاه روز ساخته و هم آن بیچاره بی گناه را که به خاک سیاه نشانیده است.

مأموری که می خواهد گزارشی تنظیم کند، بایستی خدای بزرگ و دانا و بینا و توانا را در نظر بگیرد و صلاح و سعادت افراد ملت را پیش چشم مجسم سازد، آن گاه به تنظیم گزارش بپردازد، گزارشی که به زیان کسی باشد، اگر راست باشد، بسیار شوم است، چه برسد به دروغ.

۱۵ دروغ برای خنده

نادان هایی که خود را خوشمزه می نامند، و می خواهند با لودگی و مسخرگی و متلك گویی، جلب عواطف کنند، به وسایلی چند متشبث می شوند: گاه ضعیفی را مورد حمله شوخی و استهزا قرار می دهند، گاه رفتارهایی خلاف ادب و نزاکت از خود بروز می دهند، گاه دروغ هایی جعل می کنند که حاضران را بخندانند. این کارها را هر کدام از دیگری زشت تر وناپسندتر باید شمرد. شیخ انصاری در مکاسب

ص:۱۵۹

می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که در ضمن سفارش هایی که به ابوذر کرد چنین فرمود: وای بر کسی که هنگام سخن گویی دروغ بگوید تا دگران را بخنداند، وای بر او، وای بر او!

انواع دروغ (۱۵۹)

وای در جایی گفته می شود که بدبختی بزرگ یا مصیبتی ناگوار به کسی دست داده باشد. پس به چنین دروغ گویی چهار دفعه وای گفتن، نشانه چه سیاه بختی بزرگی است. بدبخت تر از بدبخت، کسی است که گناهی مرتکب شود که خودش هیچ از آن لذتی نبرد ؛ خودش باید به حال خود بگرید که خود را بدبخت تر از بدبخت کرده و دلقک برای دگران ساخته است.

(۱۶۰) ملکه گمشده

ص:۱۶۰

۱۶ دروغ برای گریه

در گذشته، دروغ هایی در داستان کربلا (۱) گفته می شد و هم اکنون از طرف دسته مخصوصی گفته می شود، برای آن که شنوندگان بیش تر بگریند. بدبختانه دروغ هایی نیز در کتاب های مصیبت نوشته شده است که اصل و نسب درستی ندارد. سطح علمی بعضی از خوانندگان مصیبت هم کوتاه می باشد و اجازه نمی دهد که به مدارک اصلی رجوع کنند.

گاهی شاعری تخیلات خود را به شعر درآورده و سپس این تخیلات، سندی برای نقل دگران شده است و گاه خود گوینده از خویش نیز ضمایمی می افزاید. خوش بختانه در این چند سال اخیر، پاره ای از گویندگان دینی پیدا شده که به

۱ رک. کتاب شهید مطهری، حماسه حسینی.

تحقیق پرداخته اند و حقایق اصلی را برای مردم می گویند.

راه اصلاح و جلوگیری از این دروغ ها بالا رفتنِ سطح فرهنگ مردم است.

دروغ دیگری که در نقل بعضی از مصیبت خوان ها پیدا می شود، معرفی کردن قهرمانان داستان های کربلاست. زینب را زنی معرفی می کنند که پیوسته کارش گریه و زاری بوده، در صورتی که تاریخ بشریت تاکنون، زنی رشیدتر از زینب سراغ ندارد. قدرت نمایی هایی که زینب در عرصه کربلا کرده، تودهنی هایی که در مجلس ها به ابن زیاد و یزید زده، بهترین گواه سخن ماست. کودکان آنان را قهرمانان التماس معرفی می کنند، در صورتی که مردانگی را از این کودکان باید یاد گرفت.

نام مقدّس سیدالشهداء را با سَبُکی می برند و آن طور که شایسته است مراسم ادب و احترام را نسبت به این وجود مقدس انجام نمی دهند.

(۱۶۲) ملکه گمشده

ص:۱۶۲

۱۷ دروغ مجانی

سیاه بخت ترین دروغ گوها، دروغ گویی است که بدون هدف دروغ بگوید. او بدون آن که از دروغ گویی، سودی برای خویش در نظر بگیرد، دروغ می گوید. بسیاری از اوقات، هیچ گونه منظوری از دروغ گفتن ندارد، نه شخصی و نه اجتماعی ولی باز هم دروغ می گوید (با دوست دروغ می گوید، با دشمن دروغ می گوید، با خویش دروغ می گوید، با بیگانه دروغ می گوید) گویا برای او، دروغ، طبیعت ثانوی شده است. من نمی دانم این گونه مردم چه فکر می کنند. او چگونه فکر می کند. آیا دروغ گویی برای آن ها شکر شده؟ آیا عادت شده؟ آیا راست گویی برای آن ها دشوار گردیده؟ نمی دانم. آیا خودشان می دانند؟

انواع دروغ (۱۶۳)

ص:۱۶۳

۱۸ دروغ در انتظار ظهور

یکی از صفات پیروان محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد آن است که بایستی همیشه برای قیام قائم آل محمد آماده باشند تا در گستردن عدالت در سرتاسر جهان شرکت کنند. آمادگی همه جانبه، معنای انتظار ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و انتظار فرج آل محمد می باشد .

شاید بعضی چنین پندارند که همین قدر که به زبان گفتند ما منتظریم، انتظار، محقق می شود! در روزگار گذشته، پاره ای در خانه، شمشیری نگاه می داشتند و آن را نشانه انتظار می دانستند.

انتظار یعنی زمینه را برای آمدن کسی که مورد انتظار است، فراهم کردن. انتظارِ میهمان کشیدن، خانه را جاروب کردن، وسایل پذیرایی را آماده ساختن، لباس خود را تمیز کردن و مانند این کارهاست ؛ به زبان گفتنِ منتظرم، انتظار میهمان نمی باشد .

در حقیقت بعضی افراد منتظر امام نیستند بلکه در انتظار اجابت

(۱۶۴) ملکه گمشده

ص:۱۶۴

خواسته خویش می باشند.

کسی که انتظار فرج آل محمد را دارد، باید به قدر امکان خود، زمینه را برای تشریف فرمایی خلیفه دوازدهم پیغمبر اسلام آماده سازد تا پس از ظهور، هرچه زودتر حضرتش به مقاصد عالیه خود برسد.

آینه شو جمال پری طلعتان طلب جاروب زن خانه و پس مهمان طلب

۱۹ دروغ در مسجد ساختن

گفتند: کسی مسجدی ساخت و نام خود را بر آن نصب کرد. رندی از او پرسید: این مسجد را برای چه ساختی؟ گفت: برای خدا. گفت: اگر برای خدا ساختی، نامت را از آن جا بردار و به جایش نام مرا بگذار.

عده ای از دشمنان رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله که به لباس مسلمانی درآمده بودند، مسجدی ساختند تا آن را کانون دشمنی با اسلام قرار دهند! مسجد برای عبادت

انواع دروغ (۱۶۵)

ص:۱۶۵

خداست، ولی آنان مسجد را برای دشمنی با خدا ساختند. قرآن نازل شد و قصد شوم آنان را آشکار کرد و آن را مسجد ضِرار لقب داد هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهاد تبوک مراجعت کرد، فرمود تامسجد را خراب کنند و آن کانون فساد را درهم بکوبند. (۱)

۲۰ دروغ در زیارت

عده ای به زیارت خانه خدا یا به زیارت مزارهای مقدس یکی از اولیای خدا می روند. با آنان که خودشان هم می دانند که دروغ می گویند، کاری ندارم، روی سخن با کسانی است که خود را حقیقتا قاصد زیارت می دانند ؛ اینان باید در هنگام تشرف از هر جهت، متوجه رفتار و کردار خود باشند که برخلاف ادب از آنان چیزی سرنزند.

جاهلی برای زیارت (که با نذر کردن واجب شده بود) به کربلا رفت. آن قدر در

(۱۶۶) ملکه گمشده

محافل انس و مجالس تفریح شرکت کرده بود که هنگامی که برای بازگشتن سوار اتومبیل شده بود، فهمیده بود که به زیارت حرم مشرف نشده است. اگر هم مشرف می شد، معلوم نبود که زیارت رفتنش زیارت باشد.

زیان های اقتصادی دروغ

محکم ترین پایه در زندگی بشر، دارایی و ثروت است. دارایی اگر نباشد ولو به مقدار کم، بشر نمی تواند، راه موفقیت را طی کند. بلکه قادر به ادامه زندگی هم نخواهد بود. وجود اصل دارایی، نخستین پایه در حیات هر فردی است. البته مقصود، اصل ثروت است، نه ثروت بسیار، زیرا ثروت بسیار، گاه اثر معکوس می دهد و مانع از موفقیت می شود. ریشه ثروت که همان دارایی به مقدار رفع نیاز باشد، دارای حساس ترین اثر می باشد، زیرا اگر کسی آن قدر، فاقد ثروت باشد که نتواند سدجوع کند، نتواند پوشاکی تهیه کند، نخواهد توانست به دنبال تحصیل دانش برود و به دنبال تحصیل قدرت برود و حتی به دنبال تحصیل ثروت برود.

زیان های اقتصادی دروغ (۱۶۷)

ص:۱۶۷

دروغ فقر می آورد

اکنون که مقدار خطر فقر در حیات انسان معلوم شد، شایسته است به سراغ دروغ رفته تا تأثیر آن را در حیات اقتصادی، تحت مطالعه قرار دهیم .

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«اِعْتیادُ الْکِذْبِ یُورِثُ الْفَقْرَ»(۱)

عادت به دروغ فقر می آورد.

درباره سخن مولا، این پرسش پیش می آید: دروغ چگونه فقر می آورد؟ دروغ را با فقر چه ارتباطی است ؟

۱- سفینه البحار، ج ۷، ص ۴۵۵ به نقل از خصال شیخ صدوق.

مگر دروغ از امور اقتصادی است تا زیان مالی داشته باشد ؟

برای روشن شدن سخن حضرت علی علیه السلام و پاسخ این پرسش ها باید نظری به بازار بیفکنیم، زیرا آن جاست که بینوا توانگر می شود و توانگر بینوا می گردد.

معاملات در بازار به طور معمول، به دو گونه انجام می شود: معاملات نقدی و معاملات وعدی. معاملات نقدی آن است که موقعی که فروشنده، کالا را تحویل می دهد، در همان دم، خریدار بها را بپردازد. معاملات وعدی آن است که خریدار وقت تحویل گرفتن کالا، تمام بها را بی کم و کاست نپردازد، بلکه پس از فاصله ای پرداخت شود: یک باره یا به اقساط. جور دیگر آن که فروشنده بها را قبلاً دریافت کند، سپس در وقت معینی کالا را به خریدار تحویل بدهد.

در بازارهای جهان به ویژه در معاملات بزرگ، نسبت معاملات نقدی به معاملات وعدی، کم تر است.

دروغ فقر می آورد (۱۶۹)

ص:۱۶۹

شایـد علت آن که معاملات وعـدی این قـدر بسیار است و معاملات نقـدی این قـدر کم، این باشد که معاملات وعدی از نظر خـود معـامله، صـد در صـد بـه سـود فروشـنده نقـدی است. چـون مشـتریِ نقـدی کم است، در نـتیجه، جنس می مانـد و خطر فاسدشـدن دارد، اضافه بر این از رواج سـرمایه و رفت و برگشت آن، جلوگیری می شود. رفت و برگشت سـرمایه برای دارنده آن، سود می آورد و رکود سرمایه او را از این سود محروم می سازد.

از طرفی فروش وعـدی مشتری فراوان دارد، از این رو تقاضـای زیـاد، موجب ترقی بهـای کالاـ می شود و سـرمایه هم از رکود خارج می شود و به حرکت می آید و حرکت سرمایه سودمند است.

معاملات وعـدی به سود خریدار است، چون احتیاج فوری او را تأمین می کند و از لحاظ پرداخت قیمت در فشار و تنگی نمی افتد. هر وقت که پولی به دستش بیاید، وام

(۱۷۰) ملکه گمشده

ص:۱۷۰

خود را می پردازد. او می توانـد کالا را به تدریـج بفروشد و از فروش آن، بهای اصـلی را بپردازد. با وعده خریدن، در صورت ترقی کالاـ سـود می برد و در صـورت تنزل آن، عجله ای برای فروش نـدارد، چون مضـطر نمی باشـد و می توانـد آن را برای مـدتی نگـاه دارد تـا به قیمت خوبی بفروشـد. کالاـ را یـک باره به دست آوردن و بها را خردخرد پرداختن، بهترین راه توانگر شدن است. در مثل آمده که اگر کسی را بخواهی توانگر سازی، کم کم از او بگیر و یک باره به او بده.

قسم دیگر معاملات وعـدی که سَـلَف نامیـده می شود، آن هم به سود دو طرف می باشد. خریدار جنس را ارزان خریده، پس سود برده، فروشـنده سود برده، چون پولی به دسـتش رسـیده و می توانـد به هر کاری بزند و فعلاً هم اجباری برای تحویل کالا نـدارد. معاملات وعـدی، پایه اش بر اعتبار قرار دارد. اگر کسـی در بازار، اعتبار داشـته باشـد، فروشـندگان و خریداران با او به وعدی معامله می کنند،

دروغ فقر می آورد (۱۷۱)

ص:۱۷۱

در نتیجه پی در پی سود می برد و ثروتش در افزایش خواهد بود.

آن که در بازار اعتباری ندارد، کسی معامله وعدی با او نمی کند و معامله های او منحصرا، باید نقدی باشد، در نتیجه از سود پی درپی بردن محروم می شود و سرمایه اش راکد می گردد، بلکه در خطر نابودی قرار خواهد گرفت، زیرا از مایه می خورد.

شخصیت تجاری در بازار بر پایه اعتبار قرار دارد، نه ثروت. اول شخص، کسی است که از لحاظ اعتبار اول باشد، هر چند ثروتی نداشته باشد. سرمایه دار درجه یک، اگر اعتبار نداشته باشد، در بازار موقعیتی نخواهد داشت. اعتبار پایه داد و ستد در بازار است. قول تاجر در بازار از هر سند دولتی معتبرتر و محکم تر خواهد بود.

اعتباری که این قدر در بازار مؤثر است از چه پیدا می شود؟ اعتباری که بازار به کاکل آن می گردد، به چه وسیله فراهم می شود؟ ثروتمند بودن که منشأ اعتبار نباشد،

پس چه چیز منشأ آن خواهد بود؟

(۱۷۲) ملکه گمشده

پیدایش اعتبار بر اثر راستی و درستی خواهد بود. کسی که در بازار راست گفتار و درست رفتار باشد اعتبار دارد. بازاریان با چنین کسی همه گونه سودا می کنند، حتی اگر هم پول بخواهد به او می دهند و کالاهای خود را تحت اختیارش می گذارند که فروخته و حق العمل بردارد.

حق العمل کاری از پراستفاده ترین کارهاست و این کار را کسی انجام می دهد که سرمایه ای ندارد، ولی راست گو و درست کار باشد.

دلال اگر راست گو و درست کار باشد، تمام کالاهای بازار، بلکه تمام ثروت تجار تحت اختیار او خواهد بود، در نتیجه توانگر و سرمایه دار خواهد شد، ولی اگر نادرست باشد، باید همیشه پرسه بزند و در بدبختی و بیچارگی به سربرد.

نتیجه سخن، این شد که راستی و درستی ثروت را می افزاید، چون برای دارنده آن

دروغ فقر می آورد (۱۷۳)

ص:۱۷۳

ایجاد اعتبار می کنـد، دروغ گویی سـرمایه را راکد نگاه می دارد، زیرا نه تنها جلوگیری از پیدایش اعتبار می کند، بلکه اعتبار موجود را نیز می برد و کسی به وعده با او معامله نمی کند، چون اعتبار ندارد. از کجا به وعده دروغ گو می توان اعتماد کرد؟ بازرگان معتبری از او ضمانت نخواهد کرد، چون به او اعتماد کردن برخلاف عقل است.

پس دروغ گو، سودی نخواهـد برد و بایـد برای تـأمین زنـدگی از مـایه بخورد، کم کم مایه تمام می شود به جای آن، فقر می نشـیند. زنـده بـاد پیغمبر بزرگ اسـلام که وصـی بزرگواری،ماننـد برادرش علی علیه السـلام از خویش به جای گـذارد، آری عادت به دروغ گویی فقر می آورد.

(۱۷۴) ملکه گمشده

ص:۱۷۴

انزوای اقتصادی

از زیـان هـای اقتصـادی دروغ، تنهـایی دروغ گو و بی کسـی اوست. عـادت به دروغ، دروغ گو را تنهـا قرار می دهـد، یاری و غمخواری نـدارد و می گویند هر چه بدبختی به او رسـیده حقش بوده است و کسـی با او همراهی نمی کند و به کمکش نمی آید.

یاری کردن، همراهی کردن، کمک کردن از عاطفه برمی خیزد. دروغ عواطف مردم را بر دروغ گو، حرام می سازد. او از این سرمایه بزرگ محروم می شود، زیرا کسـی سـخنش را باور نمی کند تا مورد شـفقت قرار گیرد. دروغ گویی، او را نزد دگران منفور می سازد، پس عاطفه ای به سود او برانگیخته نمی شود.

تنها بودن و بی کس بودن و محروم از یاری دگران شـدن، وی را در شدت می اندازد و در تنگنا می گذارد، پس در خطر فقر قرار می گیرد. بشر به تنهایی نمی تواند زیست کند و به کمک و همکاری افرادی مانند خود احتیاج دارد. دروغ گو که از این محروم

انزوای اقتصادی (۱۷۵)

می شـود، چگونه می توانـد زیست کنـد؟ و بایـد دانست هرگونه امر و نهی الهی برای این است که عزت فرد حفـظ شود چون خداوند مخلوق خود، انسان را خیلی دوست دارد و نمی خواهد عزتش خدشه دار گردد.(۱)

اولیـای خـدا راه هـایی را که موجب ازدیاد روزی می شود به پیروان قرآن، نشان داده انـد، از جمله آن ها نماز شب می باشـد. نماز شب، عبادتی است که دنیا و آخرت را آباد می کند، نماز شب از گنج های گران بهای اسلام است.

نیمه هـای شب، در نهـان از دیـده خلق به درگاه قادر بزرگ، روی نهادن و در پیشـگاه مقـدس خـدای مهربان، جبهه بر خاک ساییدن، به طور یقین، موجب عنایت بیشتری از درگاه گشوده اش خواهد بود. ناشناسـی که در محیط بازار ضامن معتبر داشـته باشد،

۱ سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

۱- سخنرانی استادسرکارخانم بروجردی،مدیریت محترم حوزه علمیه السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام ،محرم۱۳۸۳.

همه کس با او معامله می کند و هر چه بخواهد سرمایه تحت اختیارش می گذارد.

پس کسی که معتبرترین ضامن ها از او ضمانت می کند، چگونه سرمایه دار و ثروتمند نخواهد شد ؟

معتبرترین ضـامن هـا وجود مبـارک حضـرت بـاری تعالی است، آن هم ضامنی که ثروت، دست اوست، نیروی خلق در اختیار اوست، اراده مردم نیز تحت اراده اوست.

نکته شایان توجه آن که این دو مطلبی که ذکر شد (یکی عادت به دروغ، فقرمی آورد و دیگر نماز شب، روزی را می افزاید) جنبه اقتضایی دارد نه علیت تامه، آن هم نسبت به خصوصیات اشخاص و محیط زندگانی آن ها تفاوت می کند.

انزوای اقتصادی (۱۷۷)

دروغ روزی را می برد

دروغ، کلید شر است و قفل خیر. در خیر را می بندد و در شر را می گشاید. دروغ، مسلمان را از نماز شب، محروم می کند. مسلمان بر اثر محروم شدن از نماز شب از روزی نیز محروم می شود.

این سخن را از خود نمی گویم، بلکه فرمایش خلیفه ششم رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است:

«إنَّ الرَّجُلَ لَیَکْذِبُ الْکِذْبَهَ فیُحْرَمُ بِها صَلاهُ اللَّیْلِ فَإذا حُرِمَ بِهَا الرِّزْقُ»(۱)

مردی که دروغ می گوید از نماز شب محروم خواهد شد، وقتی که نماز شب محروم شود از روزی محروم خواهد شد.

(۱۷۸) ملکه گمشده

ص:۱۷۸

۱- سفینه البحار، ج ۷، ص ۴۵۴ ۴۵۵ به نقل از علل الشرایع .

گناهانی هستند که اثرمعنوی دارند. گناهانی هستند که اثر وضعی دارند گناه کار کم تر می تواند اثر وضعی گناه را جبران کند. گناه کاری که چشم کسی را کور کرده، اگر میلیون ها ثروت هم صرف کند نخواهد توانست، چشم او را بینا کند.

زبانی که از آن، همیشه سخن راست بیرون آید، پاکیزه است و آلودگی ندارد. زبانی که از آن، پیوسته دروغ بیرون آید، چرکین و آلوده می باشد، چنین زبانی شایستگی آن را ندارد که ذکر نماز شب بگوید و توفیق خواندن نماز شب از او سلب خواهد شد. عالم معنا عالمی است که اهل آن عالم، پاکیزگی زبان راست گو و گندیدگی زبان دروغ گو را می بینند و شاید آن نفرتی که همه کس از شنیدن دروغ دارد، همان احساس گند دروغ می باشد.

مرد از کذب، ننگ دارد ننگ مرد را با دروغ باشد جنگ

تا توانی دروغ ساز مباش با کژ و با دروغ، ساز مباش

دروغ روزی را می برد (۱۷۹)

ص:۱۷۹

زیان های روانی دروغ

۱ ناراحتی درونی

روان نیز از شر دروغ در امان نیست. روان دروغ گو، از زبانش زیان ها می بیند، از جمله از زیان های روانی که از ناحیه دروغ، نصیب دروغ گو می شود، ناراحتی درونی است. توضیح این مطلب به تقدیم مقدمه کوچکی نیاز دارد.

راستی حقیقتی که وجود دارد و راست گو، آن را دریافته و خبر می دهد. صورت ذهنی آن به طور طبیعی در مغز راست گو، موجود است و نیازی به محافظت ندارد، ولی برای دروغ حقیقتی نیست که عکسی از آن به طور طبیعی در مغز افتاده باشد.

دروغ چیزی است که ساخته و پرداخته خود دروغ گوست و قطع نظر از این هیچ گونه وجودی به طور طبیعی، نه در خارج و نه در مغز برای دروغ نیست، چون واقعیت ندارد. دروغ گو باید، نیرو به کار ببرد و بر مغز خود فشار بیاورد که مصنوع خیالی

(۱۸۰) ملکه گمشده

ص:۱۸۰

خود را که همـان تصور معنـای دروغ باشـد، فراموش نکنـد تـا مبادا وقت دیگر آن را طور دیگر ذکر کنـد و دروغش آشـکار گردد.

دروغ گویی که می خواهد دروغش کشف نشود، پیوسته در ناراحتی است، مبادا سخن کنونی اش با سخن گذشته اش تناقض داشته باشد. دروغ گو، همیشه این بار سنگین را باید بر مغز داشته باشد به ویژه کسانی که در هنگام بازپرسی دروغ می گویند، از این ناراحتی درونی در آزارند که مبادا در بازپرسی آینده، سخنشان با گذشته متناقض باشد.

ولی راست گو، هیـچ گونه نـاراحتی نـدارد و از نـاحیه سـخنش در آسـایش می باشـد، چون در هنگام تکرار، همان را خواهد گفت و تناقضـی به وجود نخواهـد آمـد، زیرا صورت آن حقیقت در مغزش به طوری طبیعی افتـاده و در هر بـار از آن خبر می دهد.

ناراحتی روحی یکی از زیان های روانی است که ممکن است زیان های دیگری برای

زیان های روانی دروغ (۱۸۱)

روان در پی داشته باشد.

۲ فراموشی

فراموشی نیز یکی از بیماری های روانی است که دروغ گو بدان گرفتار می شود. امام ششم می فرماید:

«إنَّ مِمّا أعانَ اللّه (بِهِ) عَلَی الْکَذّابِینَ، اَلنِّسْیان»(۱)

از چیزهایی که خدا به زبان دروغ گویان کمک کرده فراموشی است.»

در مَثَل است که دروغ گو، کم حافظه می شود ؛ دروغی که گفته به یادش نمی ماند و فراموشش می شود و هنگامی که بار دگر خواست از آن سخن بگوید، جور دگر خواهد گفت، در نتیجه دروغش کشف می شود.

(۱۸۲) ملکه گمشده

ص:۱۸۲

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۴۱، باب الکذب، ح ۱۵ .

شایـد یکی از علل فراموشـی دروغ گو، همانی است که به آن اشاره کردیم که دروغ، وجود واقعی در خارج و در مغز ندارد ؛ واقعیت دروغ همان جعل می باشـد. اموری که در ذهن وجودشان تابع جعل و اراده است، مادامی که مورد اراده هسـتند وجود جعلی معـدوم می شود و در مغز هم بقـا نـدارد و یـادآوری آن دشوار است و احتیـاج به جعـل دومی دارد، بنابراین دروغ نمی تواند برای خود، در حافظه جایی باز کند که محو نشود.

دانشوران روان شـناس می گوینـد: کثرت محفوظات موجب فراموشـی است. محفوظ جدیدی که می آید، محفوظ قدیم را از صفحه مغز پاک می کند.

کثرت دروغ و پشت سرهم دروغ گفتن هم فراموشی می آورد، زیرا دروغ های جدید، آثار دروغ های قدیم را از مغز محو می کند.

چیز دیگری که موجب فراموشی دروغ می شود، آن است که مطلبی در حفظ می ماند که مورد اهتمام شخص باشد. کسی که کارش دروغ گویی گردید، چندان به دروغ خود

زیان های روانی دروغ (۱۸۳)

اهتمامی نمی دهد. دروغ برای او امری است عادی، هر موقع که بخواهد، باز هم دروغ می گوید و دروغ های او در حد معینی متوقف نمی شود و دروغ برای دروغ گوی حرفه ای، عـددی نامتنـاهی است، در نـتیجه کم تر در خـاطرش می مانـد و فراموش می شود.

۳ نومیدی

وقتی که دروغی از دروغ گو، کشف گردید، ضـربه ای بر مغز او فرود می آید، زیرا منظوری که از دروغ گفتن داشته، بر ضد آن نتیجه گرفته است، در این موقع اگر دروغ گوی حرفه ای نشده باشد، یکی از دو حال، نصیبش می گردد:

الف) روحیه اش متزلزل شده و اتخاذ تصمیم برای او دشوار می شود و از موفقیت خود نومید می گردد، زیرا تنها راهی که می پنداشته به مقصدش می رساند، دروغ بوده، آن هم که بسته شده است. او اگر شایستگی داشت که از راه دیگر به مقصد برسد به وسیله دروغ متشبث نمی گردید و نیازی به دروغ گفتن نداشت، او خواسته بود

(۱۸۴) ملکه گمشده

بـدین وسـیله جبران بی لیاقتی خود را کرده باشـد و از این راه به امیـدی رسـیده باشـد؛ راه شایسـتگی که بر او مسدود بود، راه دروغ هم که سد گردید، دیگر به چه وسیله ای به منظور خود برسد ؟

ب) نومیدی بر او مسلط خواهد شد و کسی که نومیدی بر او حکومت کند، سرانجامش معلوم نیست.

۴ پرده دری و بی شرمی

حال دیگری که ممکن است بر اثر کشف دروغ، نصیب دروغ گو شود، پرده دری و بی شرمی است.

اگر کشف دروغ، روحیه دروغ گو را متزلزل نکند و او همچنان به دروغ گویی ادامه دهد، کشف های پی درپی، شرم را از او می برد و وی را دروغ گوی حرفه ای می سازد و دیگر، از آن که عیبش آشـکارا شود، ابایی نـدارد. با خود می گویـد: هر چه باداباد، آب که

زیان های روانی دروغ (۱۸۵)

ص:۱۸۵

از سر گذشت، چه یک نی و چه صد نی، من که گناهم برملاگردید و دروغ برای پنهان ساختن آن سودی نداد، بلکه رسوایم ساخت، حال هر چه می شود بشود، دیگر چرا خود را محدود کنم و از گناه بپرهیزم، مردم که همه مرا شناخته اند، پنهان ساختن چه سودی دارد و دیگر نه از ارتکاب گناه ابایی دارد و نه از فاش شدن آن.

چنین کسی خطرناك ترین روز را در جلو خواهد داشت و دنیای تیره و تاری در انتظارش خواهد بود و در آتش دنیا و آخرت خواهد سوخت، چه خوش فرمود، پیشوای بزرگ ما:

«إِیّاکُمْ وَ الْکِذْبِ، فَإِنَّ الْکِذْبَ یَهْدی إِلَی الْفُجُورِ وَ الْفُجُورُ یَهْدی إِلَی النّارِ»(۱)

از دروغ بپرهیزید، سرانجام دروغ، پرده دری است و سرانجام

پرده دری آتش دوزخ است.»

بر کذب، دهان خود میالای وز گفت دروغ لب فرو بند

گنداست دروغ از آن حذر کن تا پاک شود دهانت از گند

همان طور که میکرب پیوره در دهان پیـدا شـد، بیش تر اعضای داخلی در خطر می افتند، گند دروغ که برزبان راه یافت، تمام پیکر را درخطر گندگناه و تعفن قرار می دهد.

۵ دروغ ، دروغ می زاید

در میان گناهان، گناهی را سراغ ندارم که وجودش مستلزم تکرار آن گردد. هر دروغی، دروغ هایی در پی دارد.

دروغ گو، مجبور است برای حفظ دروغ خود، بـاز هم دروغ بگویـد یا بایستی همان دروغ نخستین را دوباره بگویـد، بلکه در دفعات بعد، تأکیدش را بیش تر قرار دهد بایستی دروغ دیگری بسازد که جلوگیری از کشف دروغ نخستینش کند.

زیان های روانی دروغ (۱۸۷)

ص:۱۸۷

در هر دو صورت، بر اثر یک دروغ، دروغ هایی می گوید و این ماری که خوش خط و خالش پنداشته، مارهایی دیگر زاییده است که همگی او را می گزند و نیش می زنند. گاه می شود که برای حفظ دروغ او، دوستانش، خویشانش، کارمندانش به دروغ گویی می افتند.

۶ سوءظن

زیان روانی دیگری که ممکن است بر اثر دروغ، نصیب دروغ گو بشود، سوءظن به مردم است. این بیماری روانی بر اثر دو چیز در دروغ گو، مسکن می گزیند:

یکی آن که چون خودش برخلاف حقیقت سخن می گوید، درباره دگران هم، همین نظر را پیدا می کند (کافر همه را به کیش خود پندارد). دگران را مانند خود دیدن تا حدی طبیعی است. کسی که به راست گویی عادت کرده باشد، در نخستین بار با هر کس روبه رو شود، سخن او را راست می پندارد.

(۱۸۸) ملکه گمشده

ص:۱۸۸

دومین چیزی که ممکن است موجب سوءظن دروغ گو به دگران گردد، عکس العمل است. او وقتی می بیند، دگران نسبت به او، خوش بین نیستند و سلب اعتماد کرده اند، در او هم چنین حالتی پیدا می شود تا به آنان بدبین شود و از آن ها سلب اعتماد کند. تعصب و خودخواهی نیز موجب می شود که در برابر این دشنام روانی مردم، او هم به آن ها نیز همان دشنام روانی مردم، او هم به آن ها نیز همان دشنام روانی را بدهد و به آن ها با دیده سوءظن بنگرد.

۷ چاپلوسی

انحراف از اعتدال و میانه روی در اخلاق، خود یک جور بیماری روانی است، همان طور که تکبر و خودبینی انحراف روانی است، همان طور تملق و چاپلوسی نیز از زیان های روانی است. بیش تر اوقات این دو انحراف با یکدیگر همراه می باشند.

بسیاری از کسانی که با زیردستان متکبرند با بالا دستان چاپلوس و متملق می باشند. از چیزهایی که از دروغ می زاید تملق و چاپلوسی است.

زیان های روانی دروغ (۱۸۹)

دروغ گـو برای آن کـه سـخنش پـذیرفته گردد، بـه هر وسـیله ای متشبث می شـود، برای صـحت سـخن تأکیـدها می آورد و سوگندها می خورد و تملق شنونده را می گوید تا مبادا تکذیبش کند و آبرویش را در پیش دگران ببرد.

دروغ و چاپلوسـی ارتباط مسـتقیمی با هم دارند، همان طور که گاهی دروغ، چاپلوسـی می آورد، گاه چاپلوسی هم دروغ می آورد.

یکی از بهترین وسایل نزد چاپلوس برای رسیدن به مقصود، دروغ در تملّق است. این کار در میان کسانی که دوست دارند که به مرکز قـدرت (هر قـدرتی که باشـد) نزدیک شونـد، بسیار رواج دارد و آن را نشانه زیرکی و کیاست می دانند، قدرتمندان احمق هم گول این چاپلوسـی ها را می خورنـد، در نتیجه متملق ها بر گردنشان سوار می شونـد و هر چه خواسـته این ها باشد، آن ها اجرا می کنند.

(۱۹۰) ملکه گمشده

دروغ های روا

دروغ، کلید ارتکاب گناهان است. بنابراین اگر دروغی برای جلوگیری از گناه گفته شد یا ظلمی را از مظلومی دفع کرد، جان کسی را خرید، زیانی را از کسی برطرف کرد، ناروایی اش بر طرف می شود و از زمره گناهان دسته دوم خارج می گردد و کارش به جایی می رسد که پسندیده می شود، زیرا دارای قبح ذاتی نبوده و قبح عرضی آن هم بدین وسیله برطرف گردیده است.

راست گوی دروغ گو

حضرت خلیفه ششم امام جعفر صادق علیه السلام می گوید:

«أَیُّما مُسْلِمٍ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ، فَصَدَق وَ أَدْخَلَ عَلی ذلِکَ الْمُسْلِمِ مَضَرَّةً کُتِبَ مِنَ الْکاذِبینَ»(۱)

دروغ های روا (۱۹۱)

ص:۱۹۱

۱- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص، ح ۱۰۳۲۰ .

مسلمانی که سراغ مسلمانی را از او بگیرند و راست بگوید و بر اثر سخنش زیانی به آن مسلمان برسد، در زمره دروغ گویان نوشته خواهد شد.

یعنی گناه کار خواهد بود .

یعنی آثار شومی که دروغ داشت و آن را گناه قرار داده بود، اکنون سخن راست این مرد، همان اثر را دارد و گوینده اش گناه کار می باشد.

رفتاری که حسن عقلی داشته باشد، اگر مقدّمیت برای جنایت و خیانت قرار گیرد، حسن آن برطرف می شود و نزد عقل ناپسند می گردد.

راست ناروا

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز است که راستی در آن ها زشت و ناروا می باشد:

(۱۹۲) ملکه گمشده

سخن چینی کردن ؛ به شوهری از زنش خبر دادن، خبری که خوش نداشته باشد ؛

ص:۱۹۲

تکذیب کردن کسی را که خبری می دهد. (۱)

سخن چینی، بدگویی های دو تن را به یکدیگر رسانیدن و خیانت های یکی را به دیگری گزارش دادن است. آیا نتیجه این کار، جز آتش افروزی و خانمان سوزی است؟ در تاریخ کنونی و گذشته، چه جنایت ها بر اثر گزارش های سخن چینان رخ داده و چه بدبختی ها و بیچارگی ها دامن گیر کسانی شده است.

سعادت و خوش بختی شوهر، به داشتن زنی است که به آن دلخوش باشد، چنین مردی سعادتمند است و چنین زنی خوش بخت.

آیا خبر ناروایی از زنی به شوهرش دادن جز واژگون کردن کاخ سعادت دو بشر، بلکه دو خانواده می باشد؟ چه فرزندانی چه پدر و مادرانی از این کار شوم، بدبخت

۱- خصال، ص ۸۷ .

و بیچاره شده اند و به خاک سیاه نشسته اند!

راست ناروا (۱۹۳)

تکـذیب کردن خبر کسـی، آبروی او را بردن و بـا حیثیتش بازی کردن و به محبوب او تعـدی و تجاوز نمودن است ؛ این خود ظلم و جنایت می باشد، زیرا آبرو و حیثیت افراد از مال و جان ارجمندتر و گران بهاتر می باشد.

دروغ گوی راست گو

حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

«و مَنْ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَكَذِبَ وَ أَدْخَلَ عَلى ذلِكَ الْمُسْلِمِ مَنْفَعَةً كُتِبَ عِنْدَ اللّه ِ مِنَ الصّادِقينَ»§حارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۱ .

به آن مسلمان برسد، نزد خدا در زمره راست گویان خواهد بود.

دروغ او از دروغ ها جداست، زیرا نه تنها مقدمه ای برای گناه نیست، بلکه نیکوکاری و خدمت به خلق است. این وقت است که ناپسندی دروغ، برطرف می شود و سخنی سودمند و پسندیده خواهد بود. ای خوش آن دروغی که مسلمانی از آن سودی ببرد. در مثل آمده که «درو مصلحت آمیز، به از راست فتنه انگیز». چه مصلحتی از سود رساندن به مسلمان بالاتر می باشد؟ چنین کسی شایستگی دارد که نزد خدا در زمره صادقان نوشته شود.

دروغ هم در دفع اختلاف زیباست و هم در رفع آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«لا کِذْبَ عَلی مُصْلحٍ» (۱) کسی که می خواهد اصلاح دهد، دروغ ندارد.

دروغ گوی راست گو (۱۹۵)

ص:۱۹۵

۱- وافی، ج ۵، ص ۹۳۲ .

دفع شر ظالم

امام ششم می فرماید: دروغ زشت و نکوهیده می باشد، مگر در دو جا: دفع شر ستمگران و اصلاح میان دو تن.

ناتوان و بیچاره ای نزد شما مخفی شده یا در گوشه ای پناهنده گردیده و شما می دانید، در این وقت، قلدری ستم کار، به سراغ او می آید و از شما نهانگاه او را می پرسد، اگر راست بگویید و او را معرفی کنید، قبیح ترین زشت کاری ها را انجام داده اید و در جنایت آن قلدر شرکت کرده اید؛ شایسته است دروغ بگویید تا شر آن ستمگر را از آن ناتوان دفع کنید.

دور نیست که روایت شریف، اطلاق داشته باشد و اطلاقش شامل حال خود شخص نیز بشود، یعنی اگر کسی خود را در خطر ظالمی ببیند، جایز است که دروغی بگوید و خویشتن را از آن خطر برهاند.

(۱۹۶) ملکه گمشده

ص:۱۹۶

قاعده کلی

به طور کلی هر جا که دروغی گفته شود که منظور از آن، دفع شـر و زیانی از مسلمانی باشد، دروغ، زیبا و پسندیده می شود ؛ این دروغ کلیـد گناهان نخواهـد بود. بلکه کلید نیکوکاری و خدمت به خلق می باشد. البته این گونه دروغ، وقتی زیباست که راست گویی ممکن نباشد، در این صورت است که گاهی دروغ حرام، واجب می شود و راست، حرام می گردد.

در مجله رساله الاسلام قاهره، این سخن را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده بود:

«اَلْکِذْبُ کُلُّهُ إِثْمٌ إلاّ ماأَنْفَعَتْ بِهِ مُسلِما، أوْ دَفَعَتْ بِهِ عَنْ دین»

هرگونه دروغی گناه است، مگر دو دروغ: دروغی که به مسلمانی سودی برساند، دروغی که از دین، خطری را دور کند.

قاعده کلّی (۱۹۷)

ص:۱۹۷

راست هایی که دروغ پنداشته می شود

توریه

شایسته است که برای تکمیل بحث، سخن را به سوی راست هایی که نمایش دروغ می دهند، ولی دروغ نیستند بکشانیم، یکی از آن ها توریه می باشد.

لفظی که دارای دو معنا باشد: یکی ظاهر و دیگر خلاف ظاهر و گوینده، معنای خلاف ظاهر را اراده کند، توریه اش نامند، هر چند مخاطب، به معنای مقصود پی نبرد و تنها معنای ظاهر لفظ را دریابد.

گاه به کسی گفته می شود: فلانی این جا نیست که مقصود همان نقطه باشد، ولی معنای ظاهر آن، خانه یا شهر می باشد.

(۱۹۸) ملکه گمشده

ص:۱۹۸

توریه در قرآن

برادران یوسف که برای خرید گندم، نزد عزیز مصر شدند، برادرشان یوسف را نشناختند. یوسف، دستور داد که جوال های آنان را از گندم پر کنند و کیله گندم کشی را در جوال برادر تنی او بگذارند. کاروان برادران که به راه افتاد، منادی عزیز مصر فریاد زد:

«اَیَّتُها الْعِیرُ، اِنَّکُمْ لَسارِقُونَ» (۱)

ای کاروان! شماها دزد هستید.

در صورتی که کاروانیان، دزدی نکرده بودند. پرسیدند: چه چیز گم کرده اید؟ مصریان گفتند: کیله را گم کرده ایم، ولی نگفتند که شماها کیله را دزده اید. خطاب دزدی به برادران از آن نظر بود که پیش از این یوسف را از پدرش دزدیده بودند.

توریه در قرآن (۱۹۹)

ص:۱۹۹

۱- ۷۰ / یوسف ترجمه عبدالمحمد آیتی ، وزیری ، ۱۳۶۷ ، ناشر : سروش.

حِزْقیل

حزقیل پسر عمو و ولیعهد فرعون مصر بود. در خاندان فرعونی مصر، تنها کسی که ایمان به خدا داشت و به توحید دعوت می کرد همو بود. سخن چینان به فرعون گزارش دادند که حزقیل تو را خدا نمی داند و به خدای یگانه دعوت می کند و دشمنان تو را یاری می کند.

فرعون گفت: اگر او، که خلیفه و ولی عهد من است، چنین باشد، کفران نعمت مرا کرده است و استحقاق عذاب خواهد داشت و اگر شماها دروغ بگویید، مستحق شدیدترین عذاب ها خواهید بود و سپس حزقیل را با آن ها رو به رو کرد.

آن ها به حزقیل گفتند: تو خداوندی و پروردگاری فرعون را منکر هستی و نعمت هایش را کفران می کنی. حزقیل فرعون را مخاطب ساخته و گفت: شهریارا،

ص:۲۰۰

تاکنون از من دروغی شنیده ای ؟

(۲۰۰) ملکه گمشده

فرعون گفت: نه. حزقیل گفت: از اینان بپرس، پروردگارشان کیست. گفتند: فرعون.

گفت: بپرس آفریدگارشان کیست؟ گفتند: فرعون.

گفت: بگو روزی رسانشان و آن که زندگی این ها را اداره می کند و زیان را از آن ها دور می کند کیست؟ گفتند: فرعون .

حزقیل گفت: شهریارا، من تو را و هر کس که در این جا حاضر است گواه می گیرم که پروردگار آن ها پروردگار من است، آفریدگار آن ها، آفریدگار من است، روزی رسان آن ها روزی رسان من است، مصلح زندگی و گذران آن ها، مصلح زندگی و گذران من است و من به جز پروردگار آن ها و روزی رسان آن ها و آفریدگار آن ها به پروردگاری و روزی رسانی و آفریدگاری ایمان ندارم، من

حزقیل (۲۰۱)

ص:۲۰۱

تو و همه حاضـران را گواه می گیرم که هر پروردگاری و رازقی که به جز پروردگار و آفریـدگار و رازق آن ها باشـد، من از آن بیزارم و به خداوندی اش کافر هستم. فرعون خشنود شد و سخن چینان را سخت ترین شکنجه کرد .

توریه ای که حزقیل به کار برد، این بود که نگفت پروردگار من، کسـی است که آن ها گفتنـد پروردگار ماست، بلکه گفت: پروردگار من، پروردگار آن هاست.(۱)

۱ دروغ، آیه اللّه سیّدرضا صدر، چاپ سوم، ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم .

(۲۰۲) ملکه گمشده

ص:۲۰۲

نتیجه

هرگاه گرفتن تصمیم مهمی را دشوار دانستید، بدانید تصور روشنی از ارزش های زندگی خود ندارید.

بشری که بتواند خودش را از (انواع گناه) و خطا نگهدارد و پاکی فطرت نخستینش را حفظ کند یافت نخواهد شد. بنابراین خدای حکیم و رحیم توبه را دوای دردهای معنوی و علاج امراض قلبی و پاک کننده انواع آلودگی ها قرار داده است تا انسان پس از گرفتاری به گناه، به برکت توبه پاک شود و اهل نجات گردد.

صادق اهل نجات است و برای مؤمن ناممکن وجود ندارد بحث از صداقت و آنچه مربوط به آن می شود از جمله ویژگی ها، مراتب آن که شامل دخول و خروج صادقانه، لسان، قدم و مقعد صدق، صدق در نیت، قول، عزم و اراده قبل از فعل و عمل، در

نتیجه (۲۰۳)

عبادات و مناجات با خدا، در وفای به عهد و نهایتا در انجام اعمال می باشد.

به گفته حافظ شیرازی «فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست» به واقع گل هایی بی خار بیابیم و با آرزوی رسیدن به آن ها خود را از هر رجس و آلودگی پاک نماییم که این میسر نخواهد شد مگر با کمک آن ها و درخواست و طلب صادقانه خود ما.

از آنجا که «خداوند با دلایل آشکار، عذرها را قطع و با کتاب های آسمانی روشنگر، بهانه ها را از بین برده است، باید بدی ها را به تأخیر اندازیم چون هروقت بخواهیم می توانیم انجامشان دهیم» و کذب را نیز که می توان گفت کلید بدی هاست از وجودمان پاک کنیم که دچار عذاب هایی که شمرده شد نشویم البته این هدفِ دوری از عذاب ها، کمترین مرحله هدف ماست. باید طوری عمل کنیم که به مقام قرب الهی برسیم که رستگاری بزرگ همین است و میسر نخواهد شد مگر با پیوستن به صدیقین عالم که مفتخریم بهترینشان، وصیّ حضرت رسول و دست پرورده ایشان،

(۲۰۴) ملکه گمشده

امیرالمؤمنین علی علیه السلام امام و مقتدای ما شیعیان است که در این تحقیق از گفته های ایشان بسیار ذکر شد که او قرآن ناطق است و اگر او را صادقانه شیعه باشیم به سعادت خواهیم رسید.

خدایا! ما را از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله قرار ده، چنان که نه زیان کار باشیم نه پشیمان، نه دور از راه حق باشیم و نه شکننده پیمان، نه گمراه باشیم، نه گمراه کننده، نه فریب هوای نفس خوریم و نه وسوسه شیطان.

با امید به استجابت دعایمان، این رساله را در تاریخ ، ۱۱ ذیقعده، سال ۱۴۲۷ ه ق مصادف با ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱ آذر ۱۳۸۶ به پایان می برم.

«وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوّهَ اِلاّ بِاللّه الْعَلیِّ الْعَظیم»

وَ آخِرُ دَعْوانا اَنِ الْحَمْدُ لِلّهَ رَبِّ الْعالَمین

نتیجه (۲۰۵)

فهرست منابع

۱ آثار الصادقین. شیخ صادق احسانبخش، نشر روابط عمومی ستاد برگزاری نمازجمعه گیلان، ۱۳۶۹، رشت، چاپ اول، وزیری .

۲ اصول کافی. ثقه الاسلام کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی. نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام ، تهران، وزیری .

۳ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، محمد فؤاد عبدالباقی، نشر اسلامی، ۱۳۸۰، تهران، چاپ پنجم، وزیری .

۴ المعجم لموضوعات نهج البلاغه، سید کاظم ارفع، نشر مؤسسه التحقیقه فیض الکاشانی، ۱۳۷۹، تهران، وزیری.

۵ تفسیر جوان، دکتر محمد بیستونی، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲، تهران، چاپ اول، وزیری .

۶ فهرستواره موضوعی تفسیر جوان (جلد اول و دوم)، دکتر محمد بیستونی، نشر بیان جوان، ۱۳۸۲، تهران، چاپ اول، وزیری .

(۲۰۶)

۷ تفسیر المیزان، جلد ۸، علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، چاپ چهارم، وزیری .

۸ تفسیر مجمع البیان، جلد ۷ و ۸، شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی. ترجمه علی کرمی، نشر فراهانی، ۱۳۷۸، تهران، چاپ ۱۳، وزیری .

۹ چهل حدیث، امام خمینی (ره) نشر مرکز فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸، تهران، چاپ اول، وزیری .

۱۰ چهل حدیث، هاشم محلاتی .

۱۱ دروغ، آیه اللّه سیّد رضا صدر، ناشر: بوستان کتاب قم، چاپ سوم، وزیری .

۱۲ CD اشعار درج .

۱۳ دیوان حافظ به همراه سخنان آیه اللّه خامنه ای بافهرست کامل عروضی، وزیری.

۱۴ سخنرانی استاد گرامی سرکار خانم بروجردی. مدیریت مؤسسه

علمیه السلطان علی بن موسی الرضا صلی الله علیه و آله

۱۵ صهبای حج.آیه اللّه عبداللّه جوادی آملی،نشرإسراء،۱۳۷۸،قم، چاپ دوم، وزیری .

۱۶ قرآن کریم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش، ۱۳۶۸، تهران، چاپ دوم، وزیری .

۱۷ گناهان کبیره ۱ و ۲، آیه اللّه دستغیب، نشر فرهنگ اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۷۶، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دهم، وزیری .

۱۸ مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی (بر اساس نسخه تصحیح شده بنکلین)، نشر مجید، ۱۳۸۲، تهران، چاپ اول، وزیری .

۱۹ محجه البیضاء (راه روشن)، جلد ۸، مولی محسن فیض کاشانی، ترجمه سید محمد صادق عارف، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، چاپ اول، وزیری .

۲۰ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر مؤمنین، ۱۳۸۱، قم، چاپ چهارم، وزیری .

۲۱ هدیه انسان موفق گزیده سخنان اثربخش، به کوشش منصور فلاحی، نشر محور، ۱۳۸۰، تهران، چاپ اول، وزیری .

فهرست مطالب

(۲۰۹)

ص:۲۰۹

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۱۰)

ص:۲۱۰

فهرست مطالب

(۲۱۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۱۲)

ص:۲۱۲

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۱۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۱۴)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۱۵)

فهرست مطالب

ص:۲۱۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹